



هشدارهای ما و اعترافات سران حزب خائن توده

آنچه برای اولین بار در این مجموعه میخوانید:

* نامه شهید رجائی به مهندس بازرگان

* پاسخ مهندس بازرگان به شهید رجائی

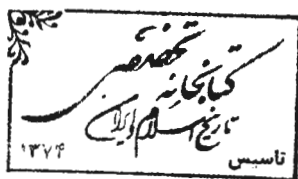


قیمت ۲۰۰ ریال

مرکز پخش: دفتر نهضت آزادی ایران

تهران — خیابان استاد مطهری — شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷

هشدارهای ما و اعترافات سران حزب خائن توده



هشدارهای ما و اعترافات سران حزب خائن توده

گرد آورنده و ناشر: نهضت آزادی ایران

چاپ اول، پائیز ۱۳۶۳

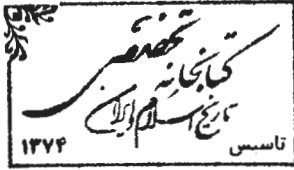
تعداد ۵۰۰۰ جلد

چاپخانه پاپا

بسمه تعالی

صفحه	فهرست مندرجات
	۱ - پیشگفتار
۵	
۶	۱-۱- روند انقلاب اسلامی
۷	۱-۲- شعار "ارتجاع - لیبرال"
۹	۱-۳- شیوه عمل حزب توده
۱۰	۱-۴- برخورد نهضت آزادی با مسئله
۱۱	۱-۵- برخورد مسئولین امور
۱۳	۲ - مقدمه
۱۶	۳ - نفاق و دورویی حزب توده
۱۸	۴ - سرسپردگی به مسکو
۱۹	۵ - خیانت به انقلاب اسلامی
۲۰	۶ - نفوذ در ارگانها و سازمانها
۲۲	۷ - نفوذ فرهنگی
۲۲	۷-۱- گزارش شهردار تهران به امام
۲۳	۷-۲- این ره که تو میروی به ترکستان شوروی است (سرمقاله میزان)
۲۷	۷-۳- اسلام شناسان جدید (سرمقاله میزان)
۲۸	۷-۴- سخنان آقای هاشمی رفسنجانی
۲۸	۷-۵- پرسش از آقای هاشمی رفسنجانی
۳۰	۷-۶- القاء ایدئولوژی
۳۵	۷-۷- خط امام از نظر رفقا

۳۷	۷-۸- سخنرانی مهندس بازرگان در زنجان
۴۲	اول: حضور عینی و اقدامات عملی
۴۷	دوم: حضور فکری و فساد روحی
۴۹	سوم: حضور فردی
۵۱	۸- اعلام جرم حزب توده
۵۲	۹- نامه شهید رجائی به مهندس بازرگان
۵۸	۱۰- پاسخ مهندس بازرگان به شهید رجائی
۶۴	۱۱- پیاآمدهای این پاسخ
۷۰	۱۲- تذکرات ما پس از خرداد ۶۰
۷۳	۱۳- اعترافات سران حزب خائن توده
۷۳	۱-۱۳- قائم پناه
۷۴	۲-۱۳- شلتوکی
۷۶	۳-۱۳- عموشی
۷۷	۴-۱۳- کیانوری
۸۳	۱۴- هشدارهای ما به مسئولین و مردم
۸۷	۱۵- مأخذ و یادداشتهای
۹۱	ضمائم
۹۳	۱- نامه مردم، شماره ۴۳۵ لوح افتخار
۹۵	۲- نامه مردم، شماره ۳۵۹ پیکر خونین ۰۰۰
	۳- نشریه نگهبان انقلاب اسلامی، شماره های ۳۱-۳۹، شناسنامه احزاب
۹۹	و گروهها، حزب توده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیشگفتار

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخِذُوا بِلطَانَةِ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا
وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَقْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ
أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ .
هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ، وَإِذَا
لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ
مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ .

(آل عمران - ۱۱۸ و ۱۱۹)

"ای اهل ایمان از غیر همدینان خود دوست صمیمی و همراز نگیرید چه آنکه آنها از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای کوتاهی نکنند دوست دارند شما در رنج و سختی باشید . دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند ولی محققاً آنچه در دل پنهان می‌کنند بیش از آن است که بر زبان می‌آورند . ما آیات خود را برای شما بخوبی بیان کردیم اگر عقل و اندیشه را بکار ببندید ."

آگاه باشید چنانکه آنها (غیر همدینان) را دوست میدارید آنان شما را دوست ندارند در صورتیکه شما بدلیل آنکه بهمه کتب آسمانی ایمان دارید با آنها محبت می‌کنید اما آنها با شما نفاق می‌کنند در مجامع شما اظهار ایمان کرده و چون تنها شوند از شدت کینه سرانگشت خشم بدنشان گیرند . بگو بدین خشم بمیرید . خدا از

درون دلها كاملا" آگاه است."

۱ - ۱ - روند انقلاب اسلامي

انقلاب اسلامي ايران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پيروزي رسيد. اين پيروزي، نهالي رسته از ميان امواج خونهاي پاك صدها و هزارها مرد و زن و پير و جوان عاشقي بود كه در وادي ايتار يك شبه ره صد ساله پيمودند. اين پيروزي نويد برآمدن اشعه طلائي و حياتبخش آزادي از بام اين سرزمين و گسترش آن در پهنه خاك پاك ايران را مي داد.

اما در عين حال ۲۲ بهمن به منزله كسب قدرت سياسي جامعه توسط مردم و اسلام براي تحقق خواستهاي ملت منجمله آزادي، استقلال و جمهوري اسلامي بود، ۲۲ بهمن (همانگونه كه در آغاز هم بارها اعلام گرديد ولي كمتر جدي گرفته شد) به منزله آغاز راه بود، نه پايان آن.

آنچه در ۲۲ بهمن ۵۷ انجام گرفت، دفعتاً " بوقوع نپيوست، بلكه حاصل و شمره سالها تلاش و مبارزه خستگي ناپذير ملت مسلمان ايران بود. تلاشهاي سيد جمال، خياباني، ميرزا كوچك خان، مدرس، مصدق، طالقاني، مطهري، شريعتي و امام خميني... همه و همه در اين راستا قرار داشت و انبوه قربانيان، مجاهدين مومن و مومنين ايتارگر بود كه در بارور ساختن اين نهال خونشان بر زمين ريخت. جريان فكري نوين اسلامي از سالهاي ۱۳۲۰ و تشكيلات نهضت آزادي كه از اولين احزاب اسلامي مي باشد از سال ۱۳۴۰ در همين چارچوب قدم برداشته، تلاش نموده و به آن شكل داده اند. نهضت آزادي و اعضاي آن، چه به صفت تشكيلاتي و سازماني، و چه بصفه فردي و شخصي پيوسته در صحنه مبارزات اجتماعي حضور و مشاركت داشته اند.

در طول اين مدت همزمان با رشد كهفي و كمی مبارزات ملت ايران، قدرت ها و دشمنان خارجي نيز در هر دوره دست به تلاشهاي تازه اي زده و با ترفندهاي جديد و چهره هاي گونه گوني در مقابل اين حركت قرار مي گرفتند. چه بوسيله تهاجم نظامي، تهديد اقتصادي، تطميع سياسي و... وحتي تشويق دوستانه، و چه از هر راه ممكن ديگر تلاش در استمرار بقاي خويش در اين سرزمين مي نمودند. تجربه يك قرن اخير مبارزات خلق ما، و تجربه اكثريت قريب به اتفاق نهضت هاي

آزادی بخش در کشورهای تحت سلطه نشان داده است که برای راندن یک قدرت نباید بر قدرت دیگری تکیه نموده و در مقابل "لبخندها" و "تشویق‌ها" پیش، ساده دلی برگزید و از خیالش فارغ گشت. تجربه نشان داده است که در پشت تمام این لبخندهای سیاسی و حرکات و روابط دوستانه، ماهیتی تجاوزکارانه پنهان است که در موقعی حساس و در لحظه‌ای بحرانی پرده از رخ بر خواهد کشید. تجربه نشان داده است که برای ابرقدرتها بیش از هر چیز و پیش از هر چیز منافع و اهداف خودشان مهم است و موفقیت در بند و بستهایی که با یکدیگر دارند... و تجربه نشان داده است که دشمنان مردم هیچگاه فقط مستقیم عمل نمی‌کنند، و همیشه عناصر، جریانها و گروههایی را در داخل جامعه، پرورش داده و در جهت آماده ساختن جو بنفع خویش آموزش می‌دهند.

با توجه به همین حقایق و با توجه به تجربه نهضت میرزا کوچک خان، نهضت ملی زمان دکتر مصدق و ... بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نهضت آزادی ایران پیوسته در مورد خطر ابرقدرت دوست نمای دشمن صفت شرق، و جناح داخلی وابسته به آن، یعنی "حزب توده" به مسئولین هشدار می‌داد. آنچه مورد نظر نهضت است، به معنی رو در روئی مستقیم و ایجاد درگیری با شوروی نمی‌باشد. بلکه هدف آشنا ساختن مسئولین با شیوه‌های نفوذی حزب توده، روش کار آنها برای انجام کودتای خیزشی و گوشزد نمودن خطر بالقوه ابر قدرت روسیه است.

۲-۱- شعار "ارتجاع - لیبرال"

از صبح پیروزی انقلاب تئز "ارتجاع - لیبرال" در دستور کار طیفی از مخالفین و معاندین انقلاب قرار گرفت. اگر به ترکیب نیروهای فعال در پیشبرد امر انقلاب نظری بیفکنیم، عمدتاً "دو گروه مشخص و معین قابل تفکیک می‌باشند: الف - روحانیون مبارز و روشن بین با پایگاه مردمی وسیع. ب - روشنفکران مسلمان با تخصص و تجربه مدیریت لازم.

تجربه نشان داده است که در کشور ما هرگاه این دو جناح در کنار یکدیگر قرار گرفته و مبارزه مردم رار هبری نموده‌اند، ره بجائی برده و پیروزی‌هایی بدست آورده‌اند. در نهضت ملی شدن نفت، در جریان مبارزات سالهای ۴۰ تا ۴۲ که قیام ۱۵ خرداد

را برپا ساخت و در مبارزات سالهای ۵۶ و ۵۷ که سرانجام منجر به پیروزی انقلاب اسلامی مردم ما گردید، همه جا این دو جناح را در کنار یکدیگر می‌بینیم. این مسئله را دشمنان اسلام در این سرزمین نیز به خوبی دریافته‌اند و تلاش پیگیرشان در جهت جدا سازی ایندو از هم بوده است. نهضت ملی ایران آنموقعی سرکوب می‌شود، و کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد آنگاه بوقوع می‌پیوندد که رهبری دو جناح در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. در جریان مبارزات سالهای ۴۰ تا ۴۲ نهضت آزادی بعنوان نماینده روشنفکران مسلمان و جناح اسلامی دانشگاه، پیوسته در تماس با روحانیت مبارز بود و در ایجاد و تقویت پل ارتباطی میان دو جریان تلاش می‌نمود، آنگاه که رهبران نهضت توسط رژیم دستگیر و بزندان افکنده شدند روحانیت مبارز در دفاع از آنان قدم به پیش نهاد. و زمانی که رهبر انقلاب را ساواک شبانه دستگیر و به تهران آورد، نهضت نیز پایای دیگران در بسیج مردم و برگزاری تظاهرات پر شور ۱۵ خرداد عمل می‌نمود.

"دانشگاه تهران"، هم چون "توپخانه" و "بازار" یکی از مراکز مهم درگیری‌ها در وقایع ۱۵ خرداد بود.

در اوایل دهه ۵۰ هنگامی که معلم بزرگ انقلاب دکتر شریعتی، از پایگاه حسینیه ارشاد، در ایجاد زمینه‌های فکری مبارزه و انقلاب می‌کوشید، و در کلاسهای خویش، "شهادت" تدریس می‌نمود، رژیم شاه و ساواک، معدودی از ساده دلان یا دست پروردگان خویش را حتی در لباس روحانیت به مقابله با وی تشویق می‌نمود. چرا که بسیاری از روحانیون مبارز و آگاه را یار و همفکر شریعتی یافته بود، و از این "تقریب" و همکاری وحشت داشته، احساس خطر می‌نمود. انقلاب اسلامی ما نیز در ۲۲ بهمن با چنین یاری و همگامی دو جانبه‌ای به پیروزی رسید، و دشمنان و مخالفین در همه جا، در پیشاپیش صفوف ملت چهره‌هایی از این دو جناح را در کنار هم می‌دیدند. این بود که دیگر بار برای ایجاد انشقاق، و جدائی افکندن در صفوف دست بکار گردیدند. در همین رابطه است که تز بغایت انحرافی و ضد انقلابی "ارتجاع - لیبرال"، مطرح شد. در عمل نیز دیدیم، که منظور مبلغین و مدافعین این شعار، از "ارتجاع"، روحانیت

مبارز، و مبارزترین روحانیون بود، و "لیبرال" بر چسب کسانی گشت که سالها در دانشگاه، در مراکز علمی، در صحنه مبارزه و در میان جوانان به تبلیغ و آموزش مکتب اسلام و یافتن نیازهای زمان از درون آن و بخدمت گرفتن علم و اندیشه و تحقیق برای مکتب و سوق دادن جوانان و دانشجویان و روشنفکران بسوی مبارزه مکتبی و انقلاب اسلامی بوده‌اند!

۳-۱- شیوه عمل حزب توده

با طرح این شعار، گروهها و جریانهای مخالف و معاند، بر این آتش خانمانسوز دامن زدند و تعدادی نیز شاید ناآگاهانه در این دام افتادند. در این میان "حزب توده" که همواره در راستای منافع روسیه حرکت می‌کند و در جهت تطبیق انقلاب اسلامی با انقلاب اکبر، و وقایع قبل از آن بود و با الگوبرداری از شیوه عملکرد لنین برای انجام کودتای خیزشی از درون جامعه، نوک تیز حمله خود را متوجه مسلمانان روشنفکر یا برجسب "لیبرال" نموده در مقابل آنچه که دیگر مخالفین "ارتجاع" نام نهاده بودند سکوت کرده و حتی تایید نیز می‌نمود.

عملکرد حزب توده بر این پایه قرار داشت که با حمله به "لیبرالها"، و دفاع از "مرتجعین":

اولاً - لیبرالها افشاء گردیده و منزوی شده و بکناری رانده می‌شوند و عملاً نیروهای متخصص مسلمان پاک‌رانی می‌شوند.

ثانیاً - با قدرت رسیدن "مرتجعین"، بدلیل عدم تجربه و کارایی امکان کنترل امور را نخواهند داشت و با ایجاد نارسائی در زمینه‌های مختلف منجمله تولید و خدمات عمومی نارضایتی مردم گسترش یافته و زمینه برای کودتا آماده می‌گردد.

ثالثاً - باریختن طرح دوستی و دفاع مدام از بعضی دولتمردان، سران و مسئولین و فعالیتهای فرهنگی وسیع و گسترده منجمله انتشار روزنامه و مجله و کتاب زمینه‌های نفوذ فرهنگ و شیوههای مارکسیستی را در جامعه بویژه بین گروههای حاکم و نهادها فراهم می‌ساختند.

رابعاً - با نفوذ عناصر در ادارات و دستگاههای دولتی، در نهادهای

انقلابی، در کارخانجات و دیگر مؤسسات، وحتى در ارتش، از یکطرف درتشدید جو اختلاف و انشقاق میان مسلمانان و بی‌محتوی ساختن انقلاب کمک می‌نمایند، از طرف دیگر به کسب اطلاعات و اخبار خصوصی و محرمانه برای ارسال به روسیه و برای تدارک مقدمات خیزش دست می‌یازند.

۴- ۱- برخورد نهضت آزادی با مسئله

متأسفانه آنگاه که پرده‌ها بالا رفت و رازها برملا گردید، دیدیم که عناصر وابسته به حزب توده، حتی تا بالاترین مراجع تصمیم‌گیری در مورد جنگ نیز نفوذ نموده بودند. و اینکار نمی‌توانست عملی گردد، مگر با دفاع همه جانبه و پشتیبانی مزورانه از هر چه که مسئولین امر "غیرلیبرال" انجام می‌دهند و دیدیم که چنین نیز عمل می‌شد.

تلاش نهضت آزادی در طول این چند سال بعد از انقلاب همواره برایین استوار بوده است که نشان دهد:

الف- شیوه و روش حزب توده بر پایه فریبکاری است و پشتیبانی‌های بیدریغ آنان از جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ریاکارانه و دروغ است، این پشتیبانی با مبانی عقیدتی و فکری مارکسیسم - لنینیسم نمی‌خواند و تمامی این تلاشها در جهت تثبیت موقعیت خویش می‌باشد.

ب- حمله همه جانبه حزب توده، تحت عنوان مبارزه با "لیبرالها" به روشنفکران مسلمان و نهضت آزادی و... که با پوشش حفظ دستاوردهای انقلاب انجام می‌گیرد، در جهت ایجاد جدایی و بروز انشقاق در میان نیروهای مسلمان است و این جدایی چه در کوتاه مدت و چه در دراز مدت بنفع اسلام و انقلاب و ایران نمی‌باشد.

ج- دفاع بی‌وقفه حزب توده از عملکردهای دولت و مسئولین و متولیان امور، و پشتیبانی آنان از روحانیت و از خط امام (!) را نباید جدی گرفت. زیرا هدف این اعمال، ایجاد رابطه و طرح دوستی برای سوءاستفاده و ایجاد اطمینان کاذب نسبت به امور و وقایع جاری در مسئولین می‌باشد.

د- حزب توده با داشتن امکانات فراوان، با چاپ نشریات متعدد، بانفوذ در جهاد، در سپاه و بسیج، در کمیته‌ها، در صدا و سیما، در ادارات و دستگاههای

دولتی، و در همه جا خطری برای انقلاب محسوب می‌شود، باید بهوش باشیم. فریب ظاهرسازی و اسلام‌خواهی‌های آنها را نخوریم و مواظب باشیم یکوقت توسط آنها تحریک نشویم!

هـ- حزب توده با پیروی مارکسیسم - لنینیسم ورهروی همان راه، دنباله‌رو همان شیوه‌ها برای کسب قدرت می‌باشد. از ساده‌اندیشی مردم، مسئولان و متولیان در مورد اهداف و امکانات حزب توده باید پیشگیری شده و با چشم بازتری به فعالیت‌های آنها نگریسته شود.

و- تنها با تذکر مداوم اصل "نه شرقی - نه غربی" که از اصول اساسی انقلاب اسلامی ما است، دولت و انقلاب می‌تواند از انحراف به چپ و راست مصون مانده و حمایت‌ها و ظاهرسازی‌های شرق باوران، زمینه‌های آسودگی خاطر و خوش خیالی را در جامعه پدید نیاورد.

ز- بسا یادآوری ماجرای "تودهای - نفتی" های زمان نهضت ملی و اینکه اینها نیز فرزندان خلف و اصلا "خود همان توده‌ای‌های زمان مرحوم مصدق هستند، لازم است مردم را آگاه ساخت که علیرغم ظاهر توده‌ای و چپشان، اگر وقت یابند، اگر صلاح باشد، اگر دستور رسد و اگر شرایط مناسب افتد، سر از راست در آورده و ماهیت "نفتی" خویش را برملا خواهند ساخت.

۵-۱ - برخورد مسئولین امور

اما متأسفانه بنظر می‌رسد که گویا تبلیغات وسیع حزب توده، تیرهای درشتی که به طرفداری از بعضی مسئولین در روزنامه‌هایش می‌زد، کتاب‌هایی که تحت عنوان "۱۸ سال پیروی از خط امام" (!!) و... بچاپ می‌رساند، تفسیر نوشتن‌هایش از آیات قرآن و... و خلاصه دفاع مزورانه‌ای که از همه آنچه که اتفاق می‌افتاد انجام می‌داد، در مواردی موثر واقع میگشت. بنظر می‌رسید که این "وسوسه‌های خناسانه" بالاخره در "صدور" برخی مسئولین موثر افتاده بود. چرا که بروشنی می‌دیدیم که در قبال هشدارها، انذارها و یادآوری‌ها، حتی از سوی مسئولین، متولیان و دست‌اندرکاران هم مورد اتهام واقع می‌شدیم که گویا می‌خواهیم حزب توده را "مطرح" سازیم، یا اینکه با طرح حزب توده و ابرقدرت شرق، می‌خواهیم آمریکا جهان‌خوار فراموش شود! و نتیجه می‌گرفتند که ما "وابسته به غرب" هستیم،

چرا که خطر وابستگی به شرق را تذکر می‌دهیم. ما از خطر "توده‌های - نفتی" ها سخن می‌گفتیم و پاسخ می‌دادند که گویا "بختک توده‌ای - نفتی" به جانمان افتاده است! ما از شیوه‌های نفوذی حزب توده صحبت می‌کردیم و مسئولین از ما "لیست" افراد را می‌خواستند. ما از روشن نگری و برقراری ضوابط صحیح در استخدام‌ها، در گزینش‌ها و در انتخاب یاران حرف می‌زدیم، ما را بخاطر "تهمت زدن به مسئولین" به مراجع قضائی ارجاع می‌دادند و می‌خواستند رفع اتهام گردد. می‌گفتند "توده‌ای در کشور مرتضی‌علی؟" و اظهار می‌داشتند که "شما می‌خواهید خط‌امام را بکوبید!" ...

علیرغم همه این اتهامات، نهضت همچنان بر مواضع خویش باقی ماند و راهش را ادامه داده در سخنرانیها، در مصاحبه‌ها، در مقالات روزنامه‌ها، در اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها، در نامه‌های سرگشاده، در تماس‌های خصوصی و... و بالاخره از هر راهی که ممکن بود برای پرده برداشتن از چهره مردم فریب حزب توده اقدام نمود.

تا اینکه با پی‌گیری اطلاعات غیرمنتظره‌ای که به مسئولین رسیده بود، بالاخره پرده از خیانت‌های حزب توده برداشته شد، و صدق گفتار ما بر همگان معلوم گردید. سران فریبکار حزب توده دستگیر شدند و مشخص گردید که تا چه میزان وسیعی اعضا، عوامل و هواداران این حزب در نهادها و دستگاه‌ها رسوخ نموده و در صدد انجام کودتا بوده‌اند! ...

در خاتمه، سئوالی که باقی می‌ماند اینست که برآستی اگر این اطلاعات به دست اندرکاران رسیده، وجود نمی‌داشت، آیا تا بحال بساط حزب توده برچیده شده بود؟ و یا اینکه هنوز توده‌ای‌ها در نهان به فعالیت خرابکارانه، و در ظاهر به تعریف و تمجید از مسئولین و متولیان مشغول بودند؟ و لازم می‌نمود که هنوز ما به هشدارهای خویش ادامه دهیم! **والله اعلم.**

آنچه در این مجموعه آمده گوشه‌ای از یادآوری‌ها، هشدارها و اندازهای ما در قبال فریبکاری‌های حزب توده می‌باشد که بعنوان شاهدی بر مدعایمان ارائه داده امیدواریم موجب رضای خدا و راهیابی خلق گردد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

هشدارهای ما به مسئولین و اعترافات سران حزب خائن توده

بسمه تعالی

۲- مقدمه

الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ
أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا.

آنانکه تبلیغ رسالت خدا بخلق کنند و از خدا
میترسند و از هیچکس جز خدا نمی ترسند و
خدا برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی
کفایت میکند. (احزاب/ ۳۹)

"عده زیادی از افرادناشناخته یا نیمه شناخته که قبلاً" در روزنامه‌ها
و در صدا و سیما و وزارت کار شرکت‌ها و مؤسسات بودند و عده جدیدی
که فوج فوج از خارج وارد و یا در مدارس و موسسات تربیت شده بودند
با گذاشتن ریش و مقدس شدن و شور انقلابی، خود را وارد انجمن‌های
اسلامی، شورای کارخانجات، ادارات، کمیته‌ها، بازپرسان و پاسداران
دادگاه‌های انقلاب، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفین، احزاب و
سازمانها و حتی در جبهه‌های جنگ نمودند و از دو آتشه‌ها و گردانندگان
یا الهام دهندگان پشت پرده شدند."

مهندس بازرگان، سخنرانی در زنجان ۱۲ فروردین ۱۳۶۰

"یکی از این مسائل (که بی پاسخ گذاشتن آنها مضاری دارد) مسئله رخنه کمونیستها و توده‌های‌ها در دولت و نهادهای انقلابی است که متأسفانه پیش از همه توسط جنابعالی وعده‌ای از اطرافیان و هم‌فکران و هم‌مسلمان شما در جامعه مطرح شده و میشود"

شهید رجائی، نامه به مهندس بازرگان ۱۳۶۰/۱/۲۲

"خوب میدانید در نامه نیز اشاره کرده‌اید که پیش‌تر و بیش‌تر از هر کس بنده در اعلام دشمنی و خطرات مارکسیسم برای اسلام و ایران گفته و نوشته‌ام (از جمله در کتاب اسلام یا کمونیسم که خیلی قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ منتشر شد و کتابهای "بررسی نظریه اریک‌فرم"، "علمی بودن مارکسیسم" و "آفات توحید" که قبل از پیروزی انقلاب نوشته شده است و از این جهات مرحوم مطهری تایید و توافق کامل با من داشت.

... ملت و دولت را من باب "وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ" بشبوه پیغمبران خدا نسبت به یک مسئله اساسی عمیق‌زنده ریشه‌دار و حشتناک مملکت انداز و هشدار داده‌ام و بنابه مثل معروف کبک صفت سرزیر برف نکرده و بهانه‌هایی از قبیل اینکه خارجیان از یادآوری این حقائق (که خودشان بهتر از بنده و شما میدانند) سوءاستفاده تبلیغاتی مینمایند و یا حزب توده تقویت میشود برای خود نتراشیده‌ام."

مهندس بازرگان، پاسخ به شهید رجائی ۱۳۶۰/۱/۲۷

"مخالفین اصلی انقلاب در محیط‌های کارگری، سازمانهای سیاسی در حد بالائی هستند از جمله حزب توده را می‌شود نام برد و برای پاکسازی محیط ضرورت دارد که به این گروه توجه خاص بشود آنها که با ما مبارزه مسلحانه می‌کنند شناخته شده هستند و حرفشان معلوم است ولی آنچه که برای ما مطرح است گروه‌هایی هستند که موزیانه عمل می‌کنند و متأسفانه خودشان را در خط امام معرفی می‌کنند و از خدای

امام گرفته تا مستضعف امام به هیچ کدام اعتقاد ندارند. اینها از دشمنان سرسخت اسلام هستند و به اعتقاد من اینها کسانی هستند که مستقیماً از خارج از کشور دستور میگیرند و هرگاه دستور سازش باشد در مقابل بزرگترین حملات شما صبر می‌کنند و اگر دستور حمله باشد مظلومترین افراد جامعه را سر می‌برند . . ."

شهید رجائی، سخنرانی در سمینار بررسی مسائل کارگری ۲۹/۲/۶۵

دستگیری سران حزب خائن توده و شایعاتی که در این باره بر سر زبانهاست هنوز هم از مسائل مهم سیاسی کشور بشمار میرود. محاکمه آقای کیانوری و سایر سردمداران حزب (در صورتی که علنی و آزاد باشد) بی شک از دیدنی ترین محاکمات تاریخ معاصر ایران خواهد بود.

هدف از تهیه و توزیع این نشریه این نیست که قبل از رسیدگی و صدور حکم از جانب یک دادگاه صالحه سران حزب توده را در مورد اتهاماتی که بر آنها زده شده است در دادگاه افکار عمومی محکوم کنیم و یا حتی پرده از رازی پنهان برداریم. منظور این است که نهضت آزادی ایران بعنوان حزبی اسلامی که در اثر تجربه و برخورد، آشنائی بیشتری با مارکسیسم و بویژه حزب توده داشته است اطلاعات خود را در دسترس عموم قرار داده با انجام وظیفه توصیه بحق و امر به معروف و نهی از منکر باز هم همچون گذشته درباره یکی از خطراتی که جامعه اسلامی را تهدید میکند هشدار داده، و یکبار دیگر نتیجه مشاهدات و تجربیات خود را در اختیار ملت مسلمان ایران گذاشته پیشنهادهای در جهت اصلاح امور و بی اثر ساختن نتایج عملکرد این گروه بدولتمردان بنماید. انتظار میرود همانطور که در گذشته بیان این حقایق موجب حملات ناجوانمردانه توده‌ای‌ها علیه نهضت بوده است، این بار نیز بلندگوهای مختلف آنان از قبیل رادیو باصطلاح صدای ملی، رادیو مسکو و هواداران شناخته و ناشناخته‌شان آماج تهمت‌ها و افتراها قرار گیریم. البته نهضت آزادی ایران آماده است برای جلب رضایت خداوند و نجات خلق چنین بهائی را بپردازد و همچون گذشته خود را سیر بلا سازد.

همانطور که در بیانیه مورخه ۱۳۶۲/۲/۲۰ نهضت آزادی ایران، پیرامون دستگیری سران حزب خائن توده آمده است اعترافات کیانوری و یارانش مطلبی بر اطلاعات مادراراهین حزب نیفزود و فصلی نو در روش‌های مارکسیست‌هابویزه حزب توده ایران، لااقل جلو چشم ما و مردم آشنا به سوابق این حزب نگشود. کارهایی که سران حزب بدان اعتراف نموده‌اند هم‌آهنگ با سیاست چهل ساله آنها در نفاق، دورویی، تفرقه‌افکنی، جاسوسی برای شوروی، نفوذ فرهنگی، سیاسی و نظامی و... بوده است. شناخت ما از این سیاست این بود که هنگام خدمت در دولت موقت، علیرغم فشارهایی که از هر سو بر ما وارد میشد، حاضر نشدیم بفرج انبوه توده‌ایهایی که سالهای دراز در کشورهای بلوک شرق (روسیه و اروپای شرقی) ساکن بوده و عموماً "دوره‌هایی را در مدارس مخصوص کمونیست‌ها گذرانده بودند و پس از پیروزی انقلاب برای مراجعت بوطن اقدام نموده بودند، پاسخ مثبت بدهیم و تنها کسانی از آنان را در ایران پذیرفتیم که در اثر کهولت یا طبق قرائن دست از وابستگی به بیگانه و جاسوسی برداشته بودند. بهر حال تنها ساده دلانی از شنیدن این اعترافات به شگفت آمدند که در اثر بی‌اطلاعی یا خوش‌بینی از توده‌ای‌ها خلاف چنین اعمالی انتظار داشتند و از این رو حاضر نبودند هشدارهای برادران مسلمان بانجربه و آگاه خود را جدی بگیرند.

مابا ترفندهای این گروه از دیرباز، آشنا بوده و در نشریات نهضت و همچنین در روزنامه میزان، که گرچه ارگان نهضت آزادی ایران نبود ولی تنها روزنامه‌ای بود که نظرات نهضت را بدون اعمال سانسور منتشر مینمود، مکرراً "خطرات این حزب وابسته به اجنبی را گوشزد نموده‌ایم و اینک نیز خلاصه‌ای از کارنامه سیاه این حزب و هشدارهایی که در سه سال گذشته به دولتمردان داده‌ایم برای اطلاع هموطنان ارجمند منتشر می‌سازیم.

۳- نفاق و دورویی حزب توده

حزب توده ایران در نشریه رسمی خود در سالهای ۲۰ اعلام نمود که:

"حزب توده ایران طرفدار مذهب حنیف اسلام و شریعت حقه محمدی است" (۱)

"اکثر افراد حزب مسلمان زاده هستند و نسبت به شریعت محمدی علاقه

و حرمت خاصی دارند و هرگز راهی را که منافعی باین باشد نمی‌پیمایند و مرامی را که با آن تضادی داشته باشد نمی‌پذیرند... (۲)

آیا میتوان بصدقت حزبی که بر پایه مارکسیسم - لنینیسم تشکیل شده و الحاد و ماده‌گرایی را اساس اعتقادات خود قرار داده است و در عین حال چنین موضعی را در رابطه با اسلام رسماً اعلام میکند، معتقد بود و تأیید آن از جمهوری اسلامی را منافقانه و تزویرگونه ندانست و پذیرفت که این حزب، علیرغم اعتقاد به مارکس ولنین واقعا "معتقد است که دین افیون توده‌ها نیست؟

تأیید مستمر حزب توده از هیئت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی، برادرانی را که با "میزان" همکاری داشتند مانند بسیاری از مردم آگاه کشور بر آن داشت که در نوشتاری بشرح زیر بپرسند "آیا حزب توده مسلمان انقلابی شده است یا...":

"در بیانیه یکی از احزاب که چند روز است در یکی از روزنامه‌های صبح منتشر میشود، آمده است که تمام گروه‌هایی که به نحوی وابستگی فکری و یا تشکیلاتی به شرق و غرب دارند با وقاحت بی‌شرمانه‌ای به ما حمله میکنند.

حاشیه‌پرداز که "نامه مردم" را میخواند و با موضع‌گیری دوستان حزب در برابر ناشرین بیانیه فوق‌آشناست از خواندن جمله بالا فوق‌العاده شگفت‌زده شد، زیرا اگر این ادعا صحت داشته باشد آب تطهیر بر سر حزب توده ریخته و این حزب هم نه از لحاظ فکری و نه از لحاظ تشکیلاتی به ابرقدرت شرق وابسته نخواهد بود. بدون تردید سران حزب توده جرات آن را ندارند که چنین ادعائی کنند. نظری اجمالی به "نامه مردم" نشان میدهد که حزب توده اغلب مواضع ناشرین بیانیه را تأیید کرده است. حاشیه‌پرداز متحیر است که آیا این روزها حزب توده مسلمان انقلابی شده است و یا باز نام لال دیگران براهی میروند که دلخواه حزب توده است. (۳)

نهضت آزادی تاریخچه حزب ورهبران آنرا بخوبی می‌دانست و کاملاً آگاه بود همین کسانی که امروز آزادیخواهی را بنام لیبرالیسم محکوم کرده و آنرا ساخته و پرداخته امپریالیسم آمریکا میخوانند خود روزی اعلام نموده‌اند که:

"لازم است در ایران یک دموکراسی از نوع دموکراسی آمریکا و انگلستان که تمایل به حفظ منافع اکثریت داشته باشد ایجاد نمود." (۴)
و همین کسانی که امروز سنگ انترناسیونالیسم را به سینه زده و تحت این نام سرسپردگی خود را به کرملین پنهان میکنند زمانی گفته‌اند که:

"حزب توده ایران صریحا" اعلام میدارد که بهیچ یک از احزاب و مرام‌های بین‌المللی بستگی ندارد و از آنها متابعت نمی‌کند." (۵)
بنابراین هنگامیکه "نامه مردم" در پاسخ مطلب ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ شهید رجایی اعلام میدارد که "پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب اسلامی ایران نه از ترس، نه از روی ریا و نه با امید چشم‌داشت خاصی است" این ادعا برای ما و سایر مسلمانانی که سالها با روش‌های حزب سروکار داشته‌اند قابل قبول نبود.

۴- سرسپردگی به مسکو

حزبی که ریاکارانه اولین بند اصول مرامنامه خود را در بدو تاسیس "حفظ استقلال و تمامیت ایران" اعلام کرده ولی در طول حیات چهل ساله خود همواره گوش‌بفرمان کرملین بوده و تحت پوشش ستاد زحمتکشان جهان و دژ تسخیرناپذیر پرولتاریا، حفظ منافع مسکو را وظیفه حزبی خود میدانسته است چگونه میتواند در ادعای "حفظ استقلال و تمامیت ایران صادق باشد؟

"میزان" بیش از دو سال قبل از اعترافات سران حزب توده این صداقت را در مقاله‌ای تحت عنوان "نظری بصداقت رفقا" مورد سؤال قرار داده چنین نوشت:

"روز گذشته نظر حاشیه‌پرداز به صفحه‌ای از "نامه مردم" ارگان حزب غیروابسته!! توده مورخه ۵۹/۱۱/۲۵ افتاد که در آن چنین آمده بود "همه مردم ایران میدانند که حزب توده ایران طی چهل سال موجودیت خود، سرسخت‌ترین و آشتی‌ناپذیرترین دشمن امپریالیسم غدار بسرکردگی آمریکا بوده است... طی این چهل سال ماهمواره اعلام داشته‌ایم که هر نظام سیاسی و هر دولتی که در جهت تحقق استقلال و آزادی و بهبود شرایط زندگی مردم زحمت‌کش ماعمل‌کند ما از آن نظام و از آن عمل پشتیبانی خواهیم کرد."

حاشیه‌پرداز بر آن شده که درستی یا نادرستی این ادعا را، با مراجعه به روزنامه‌های حزب توده که طی این چهل سال منتشر شده است، بداند. بدین منظور بعقب برگشت و موضع حزب را در قبال استقلال ایران، دادن امتیاز نفت شمال به شوروی و قرارداد نفت جنوب به انگلستان که در آن زمان "سرکردگی امپریالیسم غدار" رابعه‌ده داشت بررسی کرد. در این راه به مقاله‌ای از آقای احسان طبری برخورد کرد که در شماره ۱۲ "مردم برای روشنفکران" مورخ ۲۳/۸/۱۹ یعنی ۳۶ سال قبل نگارش یافته است. آقای طبری در این مقاله می‌گوید: "به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه آن صحبتی نمی‌کنیم، باید معترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد. . . ."

باید در ایران دولت به تمام معنی دمکراتی بوجود بیاید که با دول جهانی یعنی انگلستان و آمریکا و شوروی روابط واقعا "صمیمانه خود را حفظ کند و مهمتر و بالاتر از همه اینکه این دولت عامل ائتلاف این سه قدرت بزرگ در محیط ایران باشد".

درخواست حاشیه‌پرداز از خوانندگان عزیز "میزان" این است که یکبار دیگر دو قسمت نقل شده از "نامه مردم" و "مردم برای روشنفکران" را خوانده سپس درباره ادعای حزب غیروابسته! توده که "طی چهل سال موجودیت خود سرسخت‌ترین دشمن امپریالیسم سرکردگی آمریکا بوده و از هر دولت و هر عملی که در جهت "تحقق استقلال، آزادی و بهبود شرائط زندگی مردم زحمتکش عمل کرده پشتیبانی کرده است" به داوری بنشیند. . . ." (۶)

۵- خیانت به انقلاب اسلامی

علاوه بر دورویی‌ها و دروغ‌پردازی‌های فوق که صداقت توده‌ای‌ها در دفاع از انقلاب اسلامی را زیر سؤال میکشید، گفته‌های پس از انقلاب سران حزب توده حاوی مطالبی بود که بخوبی تصمیم آنان را در براندازی رژیم جمهوری اسلامی روشن می‌نمود و جایی برای تردید نمی‌گذاشت. برپایه سوابق چهل ساله و حتی

اظهارات پس از انقلاب آقای کیانوری بی شک حزب توده مصمم بود تدریجا رهبری انقلاب را بعهده گرفته و آنرا با انقلاب مارکسیست - لنینیستی تبدیل کند. مطالعه پرسش و پاسخ‌های کیانوری بخوبی روشنگر این برنامه شوم بود. وی در پاسخ به این پرسش که "حزب توده ایران چگونه می‌نگرد" چنین می‌گوید:

"خیلی بهتر بود که اکثریت مردم حرف ما را گوش میکردند. کوشش و تلاش و نیروی ما نیز همواره در همین جهت بوده است". (۷)

وی این چنین اظهار امیدواری میکند که:

"برخاکستر همه این دروغها سرانجام طی یک نبرد طولانی، برپایه همکاری همه مبارزان انقلابی هوادار سوسیالیسم علمی با مبارزان مذهبی، پرچم سوسیالیسم در ایران باهتزاز در خواهد آمد". (۸)

در اینجا کیانوری رسماً اعلام میکند که نبرد حزب در جهت تغییر مسیر انقلاب بوده و پرچم سوسیالیسم بزودی در ایران برافراشته خواهد شد.

۶- نفوذ در ارگانها و سازمانها

حزب توده از بدو تاسیس همواره کوشش داشته است در سازمانهای مختلف رخنه کرده و از طریق بدست آوردن اطلاعات و در دست گرفتن مواضع قدرت، سیاست‌های خود را اعمال نموده راه انقلاب مارکسیستی را هموار سازد. نفوذ توده‌ای‌ها در دستگاههای دولتی رژیم گذشته بویژه در ارتش شاه و قدرت عظیمی که این گروه ششصد نفری (۹) در آن زمان بدست آورده بود، شاهدی تاریخی بر این سیاست حزب توده بوده است. میزان نفوذ حزب توده در ارتش شاهنشاهی تا بدانجا بود که اگر سرسپردگی حزب به مسکو و عدم رضایت کرملین نشینان به براندازی شاه نبود، توده‌ای‌ها براحتهی میتوانند بعد از کودتای ۲۸ مرداد رژیم شاه را سرنگون کنند.

بعد از انقلاب نیز حزب هرگز دست از این سیاست برنداشت و حتی کیانوری قبول این سیاست را بطور صریح اعلام داشته چنین گفت:

"دشمن میکوشد از طریق مرتدین و وازدگان و یا عوامل پنهان خود در احزاب و سازمانهای انقلابی رخنه کند. در نبرد نیروهای انقلابی با رژیم‌های ارتجاعی این پدیده‌ها وجود دارد البته ما در این نبرد

بیشتر توانسته‌ایم به درون سازمانهای دشمن نفوذ کنیم. " (۱۰)
 و در پاسخ به این سؤال که "آیا حزب توده برنامه ویژه‌ای برای آموزش نظامی
 اعضاء و هواداران خود دارد" چنین می‌گوید:

" به تمام دوستان نیز توصیه میکنم که بروند به مراکز بسیج مراجعه
 کنند و در این آموزش نظامی مانند تمام افراد دیگر خلق شرکت
 جویند..."

هنگامیکه چنین امکانی فراهم آمده است که بتوانند با هزاران هزار
 جوان دیگر از دختر و پسر بروند و طرز کار با اسلحه را بیاموزند چرا
 باید فرصت به این خوبی را از دست بدهند؟" (۱۱)

آیا با سوابقی آن‌چنان و اعترافاتی این چنین کسی میتواند تردید کند
 که حزب توده در نهادها و ارگانها نفوذ کرده و در صدد است با خیزش لنینی مواضع
 قدرت را در دست بگیرد؟ حزب توده از اعمال موفقیت آمیز این سیاست مودیانه
 و ریاکارانه آنچنان سرهست و ذوق زده شده بود که در مواردی دم خروس را کامل
 نشان میداد بطوریکه حتی دولت مردان نمی‌توانستند نفوذ حزب در ارگانها را انکار
 کرده و بسئالات و اعتراضاتی مانند سوءال زیرا وزارت کار که در این باره مطرح میشد
 پاسخ قانع کننده‌ای بدهند:

"نامه مردم ارگان حزب توده در شماره ۳۸۱ خود با اینکه اعتراف
 می‌کند که "کسانی هنوز مقامات وزارت کار را در تصدی دارند که
 پرورش یافته مکتب طاغوت هستند" از وزیرکار "رفیقانه" یاد کرده
 او را نخستین وزیری در وزارت کار که بتأیید حقانیت طبقه کارگر
 برخاسته است می‌نامد.

حاشیه پرداز که از یکطرف طاغوت را خدایانی غیر از الله می‌شناسد
 و از طرف دیگر از عدم اعتقاد حزب توده به الله آگاه است علاقمند
 است تعریف طاغوت را از زبان "رفقا" بشنود و بخصوص میخواهد
 بداند در نظر "رفقا" آیا کرملین نشینان طاغوت و طاغوتی هستند
 یا نه؟

ضمناً حاشیه پرداز کوشید علت محبت "رفقا" نسبت به وزیر جدید

را بفهمد. پس از مدتی پرس و جو اطلاع پیدا کرد که یکی از مشاورین مقام وزارت که اخیراً هم در خدمت ایشان به مانیل مسافرت کرده و حتی نطق آقای وزیر در مانیل را تهیه کرده است در زمره "رفقا" می باشد و علت لطف "رفقا" بجناب وزیر داشتن مشاوره چینی "ناصر و امین" است. (۱۲)

اگر چه دفتر اطلاعات و انتشارات و روابط عمومی وزارت کار ابتدا در پاسخ مطلب فوق آنرا "بی پایه" خواند ولی وقتی اعلام شد که:

"برخلاف اظهار نظر دفتر اطلاعات و انتشارات و روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی مطلب بهیچ وجه بی پایه نبوده و در صورتیکه وزارت کار علاقمند باشد ما می توانیم نام آن "رفیق" را با اطلاع همگان برسانیم" (۱۳)

وزارت کار ترجیح داد سکوت کامل اختیار کند.

۷- نفوذ فرهنگی

نهضت آزادی ایران برای العین میدید که فرهنگ تضاد دیالکتیکی و خشونت بار مارکسیستی از نوع اسنالینی آن با ویژگیهای الحادی خود با سرعت عجیبی در جمهوری نوپای ما گسترش می یابد و ایادی حزب توده اصطلاحات این فرهنگ را در رادیو، تلویزیون، روزنامهها اشاعه می دهند و این اصطلاحات تدریجاً راه خود را در مجامع مذهبی، مناظر و حتی خطبههای نماز جمعه پیدا می کنند. نهضت از حاکمیت فرهنگ بیگانه بر جمهوری اسلامی رنج می برد و به حکم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در هر فرصتی به برادران مسئول تذکر داده و توصیه بحق می نمود و در مواردی هم مراتب را به اطلاع رهبر انقلاب می رساند.

۱- ۷- گزارش شهردار تهران به امام

بعنوان نمونه آقای مهندس توسلی شهردار تهران در گزارش ملاقات ۵۹/۹/۲ خود با امام امت در مورد مسائل شهر تهران و مشکلات عمومی ب خبرنگاران چنین گفت:

"بخصوص مسئله رادیو تلویزیون و نقش تفرقه افکنانه ای که این سازمان دولتی بعهده گرفته و سخنرانی های یکطرفه ای که در برنامه های آن

اجرا میشود و بالاخره در زمینه اتحاد مارکسیستها، کمونیستها و نوده‌ای‌ها و نفوذ آنها در ارگانهای مونر مملکتی منجمله وسایل ارتباط جمعی نمونه‌های زیادی ارائه شد. چون همانگونه که این گروهها در رژیم گذشته خودشان را با ساواک وعوامل اجرائی رژیم هماهنگ کرده بودند حالا هم در لباس حمایت خود را ظاهرا" با روحانیت متعهد هماهنگ ساخته‌اند و در پشت این حمایت ظاهری خطرات بیشماری را هم برای موفقیت انقلاب اسلامی ما پدید آورده‌اند، که بایستی دقیقا" مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. امام امت در پایان این مذاکرات فرمودند "درباره کلیه مشکلات رسیدگی خواهد شد." (۱۴)

۲-۷- این ره که تو میروی به ترکستان شوری است - سرمقاله میزان
برادری دیگری ارصحت تحت عنوان "این ره که تو میروی به ترکستان شوروی

است" برادران مسلمان را مخاطب قرار داده و تذکراتی بدین شرح داد:
"وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بَيْنَ الْأَسْمَاءِ الْفُسُوقُ بَعْدَ
الْإِيمَانِ"

از خودی‌ها خرده‌گیری نکنید و یکدیگر را با لقب بد (برچسب) خطاب نکنید. زشت است که بعد از ایمان اسم فاسقانه بکار برید. مدتها بود برادران قدیمی خود را نصیحت میکردیم که اگر دلخوری ومخالفتی بعد از انقلاب با ما پیدا کرده‌اید و فحش و ناسزا میدهید لافل فحش مکتبی بدهید که امت مسلمان منظور شما را بفهمد و اینهمه دچار سر درگمی و ابهام نشود که آقایان برای توجیه و تفسیر لقب و برچسب الصاق شده مجبور به سخنرانیهای مبسوط گردند. آخر اسلام برای خودش فرهنگ وواژه‌های گسترده‌ای دارد که نیازی به وارد کردن اینهمه کلمات والقب نداریم، صرفنظر از اینکه آیه صدر مقاله هر گونه بدگوئی و برچسب و لقب‌گذاری را عملی در جهت فسق میشمارد اگر چاره‌ای از ناسزاگوئی و طرد و تحقیر و تفرقه نیست چرا از کلمات وارداتی "لیبرال"، "دموکرات"، "بورژوا" و... استفاده کنیم؟ اسلام و قرآن برای خودش واژه‌های فراوانی دارد که میتوان مصداقش را

براحتی پیدا کرد. شما بهتر از ما واژه‌های "مستکبر"، "مترف"، "ملاء"، "مستضعف"، "کافر"، "مشرک"، "منافق" و امثالهم را میشناسید، چرا در نوشته‌های خود ما را در طبقه‌بندیهای معرفی شده توسط مارکس قرار میدهید که نه خودمان منظورتان را بفهمیم و نقائص و ایرادهای خود را اصلاح نمائیم و نه مردم کوچه بازار از مقالات شما چیزی سر در بیاورند. آخر همه که کتابهای مارکسیستی خوانده‌اند که بدانند مثلاً "لیبرالیسم یعنی چه و لنین آنرا برای از صحنه خارج کردن کدام دسته از مخالفینش ابداع نمود و مثلاً" این کلمه اولین بار در چه تاریخی و با ترجمه کدام کتاب لنین وارد فرهنگ و زبان فارسی شد...

ما هرچه گفتیم برادران، شما که ما را متهم به غریزدگی و غرب‌باوری می‌کنید چرا خودتان برای کوبیدن ما از واژه‌های غربی استفاده میکنید؟! گفتیم برادران، خدا و پیامبر و قبله و امام و... رهبر ما یکی است این حرفها و شعارها را همانها بزبانها می‌اندازند که از پشت به نهضت میرزا کوچک خانها، مصدق‌ها و پیکارگران مسلح قبل از انقلاب خنجر زدند و هنوز هم "وسواس الخناس" وار به مکر و حيله و تفرقه بین نیروهای اسلامی مشغول‌اند. گفتیم اینها جنود شیطان‌اند و از شیوه‌ها و تاکتیک‌های آنها تبعیت نکنید، برای شما آیه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... را مثال زدیم اعتنائی نکردید. تا اینکه "نامه مردم" در شماره پنجشنبه ۲۰ آذرماه خود در صفحه ۶ صدق عرایض ما را برای شما ثابت کرد و اعتراف نمود که: "بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات علوم اجتماعی را نخستین بار حزب توده ایران در مطبوعات ایران و در زبان فارسی به کار گرفته است. همین واژه "لیبرالیسم" و "بورژوازی لیبرال" هم که امروز دیگر به فحش تبدیل شده و اگر در مجلس به کسی بگویند لیبرال خودش را توهین شده تلقی می‌کند، مثل این که اولین بار توسط مادر فرهنگ سیاسی ایران وارد شده است، زیرا نخستین بار ما بودیم که در مبارزات

سیاسی روی این مفهوم تکیه کردیم و حالا در مقیاس وسیع آنرا شناخته‌اند و پس طبیعی است نیروهای اصیل انقلابی بتدریج به شناخت‌هایی برسند که در گذشته نداشته‌اند... "آیا ما ناصح‌امینی نبودیم؟ آیا ما هشدار نمودیم برادران از چاله به چاه نیفتیم؟ نگفتیم برادران دوستان خود را به سفارش دشمنان نرانید؟..."

خودتان دنباله مقاله روزنامه را بخوانید ببینید "رفیق" کیانوری چگونه اعتراف میکند: "بخشی از نیروهایی که امروز شدیداً علیه امیرالایسم مبارزه می‌کنند با همین لیبرال‌ها که در دولت بودند همکاری کامل" نزدیک داشتند و اگر ما..."

برادران ما یکسال قبل هم که این خطر را احساس کردیم در جواب مقاله‌ای که جز خودتان بقیه را مشرک، غرب‌باور و شرق‌باور معرفی کرده بودید طی نامه‌ای به شما هشدار برادرانه دادیم و گفتیم راهی که تو می‌روی به ترکستان شوروی است.

شاید شما فراموش کرده باشید اما برای حضور ذهن قسمتهایی از آن نامه را مجدداً بنظرتان میرسانیم...

"مبارزه و مخالفت با دموکراسی و لیبرالیسم ابتدا از ناحیه سوسیالیست‌های دوران انقلاب صنعتی اروپا و شیفتگان مکتب مارکسیسم آغاز شد. چرا که برای طرفداران تر "دیکتاتوری پرولتاریا" آزادی عمومی پیکانه بود. لیبرالیسم یعنی آزادی و آزادی‌خواهی و دموکراسی هم یعنی حکومت مردم یا حق حاکمیت مردم. کسی نمی‌گوید ما اسلام عزیز و ارزش‌های والا و ابدی آنرا کنار بگذاریم و به مکاتب و ایسم‌های محدود و دنیائی غرب پناه ببریم. مسئله اینست که کجای آزادی و حق حاکمیت مردم مخالف اسلام و مسلمانی است که اگر کسی چنین بینشی داشت فوراً بر چسب غرب‌زدگی با و بچسانیم؟ اگر در دنیا همیشه از آزادی، قانون، علم، دین و... سوءاستفاده شده و میشود آیا میتوان به دیکتاتوری و هرج و مرج و جهل و بیدینی پناه برد؟ مسئله اینست که در این حساس‌ترین لحظات انقلاب با این روش‌ها همه طبقات را

یکی یکی طرد کرده و اسلام را دشمن این ارزشها، نه دشمن سوءاستفاده کنندگان از آن معرفی مینمائیم. آیا مردم تصور نمیکنند ما قصد دیکتاتوری مذهبی داریم و حاکمیت مردم و اصل آزادی را نفی نمیکیم؟ آیا این روش ساختن خانه خود با طرح و نقشه بیگانگان نیست؟ فکر نمیکنید ما در تأسی به "اسوه پیامبر" و شعار مقدس "نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی" به اولی کم بها داده ایم و در مورد دومی نیز بیشتر شعار و احساسات بخرج داده ایم تا مبارزه اصولی؟ ما در نمازهای یومیه بازار خدا می خواهیم ما را به صراط مستقیم هدایت کند. صراط مستقیم نه چپ است نه راست، وسط است راه وسط هم از ایمان و عمل صالح یا عبارتی از تقوی و تخصص میگذرد آنهم تو اما مانند پای چپ و راست بفرموده علی (ع):

قَبَالِإِيمَانٍ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ
(از ایمان، عمل و از عمل، ایمان هرکس را میتوان تشخیص داد.)

برادران، آفت اصلی انقلاب مانه لیبرالیسم است نه دموکراسی نه ارتجاع و نه التقاط. آفت اصولی تر و ریشه دارتر و درونی تر است. بارهم ابرمرد تاریخ امام علی (ع) این سه عامل را نشان میدهد:

۱- تکبر (حزب و گروه و دسته خود را برتر و انقلابی تر و صالح تر دیدن)

۲- حرص (دنیا طلبی، قدرت طلبی، مقام طلبی گرچه برای خدمت)

۳- حسد (رقابت های حزبی و گروهی برای کوبیدن رقبا ناشی از کینه ها و بدخواهیها و...)

هرسه بند فوق از استکبار که مادر گناهان است و از عصبیت و حمیت (شدت جانبداری و حمایت فرد از گروه و دسته خود بدون توجه به حق و معیارهای آن) حکایت میکند.

برادران! آب زلال و صاف سرچشمه پس از عبور از بستر رودخانه رنگ و طعم و رسوب مسیر را میگیرد و مذاهب توحیدی نیز در بستر تاریخ رنگ فلسفه ها، فرهنگها و شبهات... و در قرن ما که جریان خروشان سیلرهای

بخش خلق هاتاکنون عمدتاً "از سر فرهنگ سوسیالیستی می‌گذشته‌اکنون برای نخستین بار از سر چشمه لال "الله" به مسیر سنگهای آذرین صاف و صیقلی جریان پیدا کرده است. بگذاریم این جریان خالص رسوب مسیره‌های احراقی را بگیرد و صاف و گوارا داشت‌ها و مزارع تشنه دور دست را سیراب نماید و روح و حیات تازه‌ای به دنیای سراسر ظلم و خشکی بدمد.

"وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ" بقره ۲۱۰

دچار اختلاف نشدند مگر کسانی که (کتاب) بآنها داده شده بود (روشنفکران و مکتبی‌ها) آنها بعد از آنکه دلائل و بینات زیادی (برای شناخت) برای آنها حاصل شده بود (این اختلاف نه از روی منطق و دلیل بلکه) بخاطر تمایل تجاوز به حقوق و آزادی‌های دیگران حاصل شده است پس خدا کسانی را که ایمان آوردند در آنچه مورد اختلاف است هدایت نمود. " (۱۵)

۳-۷- اسلام شناسان جدید - مقاله میزان

در اسفند ۵۹، وقتی رهبری حزب توده، هم‌چنان ریاکارانه و به قصد القاه ایدئولوژی مقاله‌ای در باره "امام علی (ع)" بر اساس نظرات پتروشفسکی انتشار داد یکی از برادران تحت عنوان "اسلام شناسان جدید" چنین نوشت:

"ماهها پیش حاشیه‌پرداز روزی را که حزب غبروا بسته توده به انتشار تفاسیری از قرآن از مارکس و انگلس بپردازد برای خوانندگان عزیز میزان پیش‌بینی کرد. اگر مطالب ذکر شده توسط "رفیق" احسان طبری در برنامه مناظره تلویزیونی در مورد "خط امامی" بودن حزب و همگام و همجهت بودن آن با الهیون در خط امام برای ما شکی باقی می‌گذاشت مقاله "امام علی" که اخیراً در "نامه مردم" انتشار یافت و بانظرات ایلیا پاولوویچ پتروشفسکی در باره علی (ع) آغاز گشت نشان داد که پیش‌بینی حاشیه‌پرداز نزدیک به تحقق است. ما خطر ورود اسلام - شناسان جدید را به همه آنان که التقاط را خطری تلقی می‌کنند هشدار میدهیم و یادآور می‌شویم که اینان همان گروهی هستند که دین را

امیون توده‌ها می‌دانند، و کوشش دارند علی (ع) را نیز با موازین مارکسیستی ارزیابی کرده و به مردم معرفی کنند." (۱۶)

با این وصف، برخی برادران مسئول مملکتی باین تذکرات مشفقانه نهضت آزادی ایران واقعی ننهادند به همان صورتی که حزب توده به ما حمله می‌نمود بر ما تاختند و چنین گفتند که نهضت برای کوچک جلوه‌دادن خطر آمریکا، خطر حزب توده و مارکسیسم را بزرگ جلوه می‌دهد و رسماً "اعلام کردند که از طرف حزب توده خطری متوجه جمهوری اسلامی ایران نیست."

۴-۷- سخنان آقای هاشمی رفسنجانی

حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در یک سخنرانی چنین گفت:

"آمریکا خیال می‌کند که امروز هم که این مجلس اسلامی و این شورای نگهبان و این همه روحانی و این امام عظیم‌الشان، رهبر بزرگ و روحانی خالص در این کشور نفوذ دارد میشود این حرف‌ها را زد؟ و آمریکا می‌گوید در ایران توده‌ای‌ها دارند می‌آیند بر سرکار و خطر کمونیسم وجود دارد. توده‌ای در این کشور در مملکت امام مرتضی علی در حوزه علمیه امام صادق آیا معنی دارد؟ این نغمه‌ها سار می‌شود برای اینکه خط امام را بکوبند... و چیزی را که خط امام انجام می‌دهد توده‌ای می‌گویند." (۱۷)

۵-۷- پرسش از آقای هاشمی رفسنجانی

در پاسخ این سؤال و در جهت آزمایش صحت نظرات رئیس مجلس شورای اسلامی ما نوشتیم که:

"بی‌شک نوطه‌های شیطان بزرگ و لزوم هشاری ما امری نیست که بتوان با سانی از آن گذشت ولی شنیدن این سخنان، حاشیه‌پردازان بر آن داشت که پرسش‌های دلیل را با آقای هاشمی رفسنجانی مطرح کند:

۱- آیا آقای رفسنجانی به همه برنامه‌های صدا و سمای جمهوری توجه کرده‌اند و بخصوص آیا برنامه جنگ سیاسی را تماشا می‌کنند؟

و در صورتیکه پاسخ مثبت است آیا آنرا کاملا" در خط امام می بینند؟
 ۲- آیا رئیس مجلس به پاره‌ای از مقالات برخی از روزنامه‌ها نگاه می‌کند و اگر می‌کند آیا همه تحلیل‌ها و اصطلاحات بکار برده شده را اسلامی و در خط امام می‌دانند؟

۳- آیا رئیس مجلس بدیوارهای تهران نگاه می‌کنند و آیا توجه دارند که کلمه اسلامی از دنبال شعارهایی که کلمه انقلاب دارد اخیرا" حذف شده است؟ اگر پاسخ مثبت است آیا این عمل را اسلامی و در خط امام میدانند؟

۴- آیا آقای رفسنجانی وجود مجلس اسلامی و روحانیون و امام را اگر چه هم ساکت بنشینند، صرفا" مانع نفوذ توده‌ای‌ها میدانند؟ اگر پاسخ منفی است آقای رفسنجانی تا بحال چه اقداماتی در این مورد کرده‌اند؟

۵- و بالاخره آیا آقای رفسنجانی به پیام امام که روز چهارشنبه گذشته بمناسبت سالگرد انقلاب فرستاده‌اند توجه کرده‌اند؟ امام در این پیام فرموده‌اند "خطر کمونیزم بین الملل چیزی نیست که به سادگی بشود از آن گذشت . . . خطر کمونیزم از سرمایه‌داری غرب کمتر نیست و مردم عزیز ایران باید در مقابل دسیسه‌های آنان هوشیار باشند" اگر پیام را خوانده‌اند، آیا حزب توده را از کمونیزم بین الملل جدا دانسته و توده‌ای‌ها را آن طور که ادعا دارند در خط امام می‌دانند؟ امید حاشیه‌پردازان این است که رئیس مجلس بدین پرسش‌ها به "میزان" پاسخ دهند که مردم تکلیف خود را بدانند. " (۱۸)

و چون پاسخی از جانب آقای هاشمی رفسنجانی و سایر شخصیت‌ها و گروه‌های اسلامی بدین سئوالات داده نشد ما وظیفه خود دانستیم که مجددا" مسئله را بشرح زیر همراه با شواهدی بدون حاشیه و اظهار نظر منتشر سازیم:

"لطفا به سه قسمت زیر توجه فرموده و در صورتیکه علاقمندید خود بر آنها حاشیه‌ای بنویسید:

۱- توده‌ای‌در این کشور در مملکت امام مرتضی علی در حوره علمید

امام صادق آیامعنی دارد؟ این نعمه‌ها ساز می‌شود برای اینکه خط امام را بگویند... و چیزی را که خط امام انجام می‌دهد توده‌ای می‌گویند... (از بیانات رئیس مجلس در سخنرانی قبل از نماز جمعه ۵۹/۱۱/۲۴)

۲ - حزب معروف و غیر وابسته!! توده اخیراً" پس از تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی دست به انتشار "دفترچه مشق" زده است. روی جلد این دفترچه‌های حزبی که هم اکنون میتوان آنرا در بازار تهیه کرد، شعار همیشگی ملت مسلمان و شهیدپرور ایران (نه شرقی - نه غربی، جمهوری اسلامی) به همراه سخنان امام علی (ع) و ترجمه آیاتی از قرآن مجید درج و در داخل جلد نیز نشریه "مردم" ارگان حزب توده معرفی شده است. (به نقل از انتقادیه روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۱۱/۲۶)

۳ - ما همچنین می‌خواهیم از نزدیک با تجربه انقلاب اکثر آشنا شویم، پدیده‌های جامعه سوسیالیستی را مطالعه کنیم و یک انقلاب شناسی تطبیقی - مقایسه‌ای انجام دهیم... اینک که روابط ما با دولت اتحاد شوروی بیش از پیش صمیمانه شده است از فرصت استفاده کردیم برای تبادل نظر، دیدار با مردم و شخصیت‌های از مردم برخاسته و همکاری‌های فرهنگی بیشتر. (بیانات آقای جلال فارسی در کنفرانس مطبوعاتی ۵۹/۵/۲۳ که در مسکو تشکیل شد.) (۱۹)

(خوانندگان عزیز این مجموعه توجه فرمایند که این‌بار خیرتاکتیک جدید توده‌ای از روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری که مسئولیت اداره آن را خود آقایان بعهدہ دارند منتشر شده بود.)

۶ - ۷ - الفاء ایدئولوژی

از نمونه‌های بارز تلاش کمونیست‌ها از جمله حزب توده ایران در جهت بی‌اعتبار نمودن جمهوری اسلامی ایران و تهی ساختن تدریجی انقلاب ایران از محتوا و رنگ اسلامی آن شعارهای فراوان این گروه‌ها بدردیوار به مناسبت ۲۲ بهمن بود که در آنها قید "اسلامی" را از انقلاب حذف کرده بودند. بمنظور مقابله با این تلاشهای مودیانه بود که ما نوشتیم:

گفتم ، گفت

"گفتم : شنیدید سلطنت طلبان در لوس آنجلس تظاهرات کردند ؟
گفت : آری ولی آنها تنها نبودند ، کمونیستها نیز دست به تظاهر زدند .

گفتم : تظاهرات کمونیستها هم برای بازگشت سلطنت بود ؟

گفت : نه برای حمایت از جمهوری اسلامی !!

گفتم : پس چرا مطبوعات شوروی صفت اسلامی را از انقلاب حذف کردند مگر آنها کمونیست نیستند ؟

گفت : چراهدف هر دو کاریکی است . گروهی کمونیست در لوس آنجلس سعی می کنند با حمایت ، اسلام را نابود کنند و گروه دیگر در شوروی کوشش میکنند با حذف صفت ، ماهیت اسلامی انقلاب را از بین ببرند .
گفتم : چرا سلطنت طلبان تنها در کشورهای سرمایه داری تظاهر میکنند ؟
گفت . مگر نمیدانی کشورهای کمونیست با سلطنت و سلطنت طلب مخالفند .

گفتم : پس چرا شاه معدوم تنها در مسافرت به کشورهای کمونیست از شرط تظاهر کنندگان در امان بود و در کشورهای سرمایه داری با گوجه فرنگی تظاهر کنندگان روبرو میشد ؟

گفت : انقلاب سفید شاه را از هر کمونیستی ، کمونیست تر ساخت اگر باورنداری به تفسیر رادیو مسکو بعد از دستگیری امام و کشتار پانزده خرداد ۴۲ مراجعه کن و صداقت امروز مسکویان را در طرفداری از جمهوری اسلامی دریاب .

گفتم : از تهمت زدن به مسکو دست بردار که "رفقا" را خوش نیاید مگر نمی بینی که چگونه در راه انقلاب اسلامی سینه جاکند ؟

گفت : آری ولی به شعارهای جدید "رفقای" وطنی نگاه کن که قبل از مطبوعات شوروی ، صفت اسلامی را از انقلاب حذف کرده اند .

گفت : میخواهی بگوئی ، خدای نکرده "رفقا" از مسکو درس می گیرند ؟
گفتم : هرگز ! آنها به جاهای دیگر هم وابستگی دارند مگر اصطلاح

توده - نفتی را نشنیده‌ای؟

گفتم: پس چرا سخنان آنان پس از دو روز از زبان برخی روزنامه‌های اسلامی شنیده میشود؟

گفت: باز هم میخواهی مسئله القاء ایدئولوژی را مطرح کنی؟ (۲۰)

کوشش نهضت آزادی‌ایران همواره این بوده است که نگذارد شعار "نه شرقی نه غربی" به "نه غربی نه غربی" و یا "نه شرقی" و یا "هم شرقی هم غربی" تبدیل شود و سرگرمی مبارزه با آمریکا که وظیفه‌ای بزرگ است امت انقلابی ما را از خطر مارکسیسم بویژه نقشه‌های شوم حزب توده در زدودن فرهنگ اسلامی و نفوذ در ارگانها و سازمانها و تمهید مقدمات برای برقراری حکومت مارکسیستی غافل سازد. بنابراین همواره ضمن تاکید بر خطر آمریکای جهانخوار خطر معتقدین به مارکسیسم و کمونیستها را نیز گوشزد نموده‌ایم. دو نمونه از تذکراتی را که در این جهت داده‌ایم ذیلاً می‌آوریم:

گفتم: گفت:

"گفتم: مگر نه این است که حزب توده خیانت خود را در ملی‌شدن نفت باثبات رساند.

گفت: آری، ولی خیانت به ملی‌گرایان و نهضت آنان خیانت نیست.

گفتم: مگر در وابسته بودن توده‌ای‌ها به مسکو شکی است؟

گفت: نه ولی مگر لیبی و سوریه نیز به مسکو دلبستگی ندارند؟

گفتم: مگر گردانندگان حزب رستاخیز توده‌ای‌ها نبودند، پس چرا کسی افشاگری نکرد؟

گفت: آری ولی افشاگری اعضاء دولت موقت همه وقت دانشجویان پیرو خط امام را گرفت و فرصتی برای افشاگری دیگران نماند.

گفتم: مگر نه این بود که بعضی مشاورین عالی‌رتبه توده‌ای بودند؟

چرا دولت مسئله توده‌ای‌ها را دنبال نکرد؟

گفت: دولت را با تفتیش عقاید چکار؟

گفتم: چرا دیوارهای شهر با نقاشی‌ها و شعارهای توده‌ای پوشیده

است ولی دیگران را چنین نصیبی نیست؟
گفت: پاداش کوبیدن دولت موقت از این‌ها بیشتر است.
گفتم: چرانویسندگان پاکسازی شده توده‌های به‌روزنامه‌های کثیرالانتشار برگشتند؟
گفت: برای پاکسازی مسلمانان غیرمکتبی وجود چنین عناصری لازم است.
گفتم: چرا دولت لیست توده‌ای‌های توبه کرده و رستاخیزی شده را منتشر نمی‌کند؟
گفت: در کار رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و دستگاه‌های دولتی اختلال مکن. (۲۱)

گفتم ، گفت

گفت: "مرگ بر آمریکا" ذکر است.
گفتم: آری ذکر لازم و واجب است ولی ذکرهای واجب دیگری همچون "مرگ بر کمونیسم" نیز هستند که نباید فراموش کنیم.
گفت: بیش از دویست سال است که فرهنگ ضدبشری غربی بر ماحاکم است.
گفتم: آری بیش از دویست سال است که فرهنگ اسلامی فراموش شده و خلائق برای فرهنگ غربی ایجاد کرده است.
گفت: زمانی طولانی لازم است تا تزکیه کامل در فرهنگ ما صورت پذیرد.
گفتم: همراه با این تزکیه ارزش‌های اسلامی باید بر ما حاکم شوند تا یک‌نوع فرهنگ غربی (آمریکائی) را بنوع دیگر آن (روسی) تبدیل نکنیم.
گفت: مگر نه این است که در رادیو و تلویزیون از فیلمهای آمریکائی استفاده می‌کنیم؟ آیا این فاجعه نیست؟
گفتم: اخیراً تعداد فیلمهای روسی و نظایر آن هم کم نیست و بقراریکه

اطلاع داده‌اند بتازگی . تعداد معتنا بهی فیلم در روسیه تهیه شده و برای حل مشکل فرهنگی ما در اختیار سیمای جمهوری اسلامی قرار گرفته است!! فاجعه این است که بجای تهیه خوراک فکری اسلامی از پلنگی شرز به خرسی آدم خوار پناه بریم .

گفت: شعار " مرگ بر آمریکا " شوروی را از بهانه‌جویی و دخالت در ایران باز میدارد .

گفتم: شعار " مرگ بر آمریکا " و " مرگ بر کمونیسم " هر دو حریف را خلع سلاح می کند و حتی ابلیس را از اغواء جوانان ما باز میدارد . بعلاوه به شعار " نه شرقی نه غربی " که خواست ملت ماست پاسخ مثبت میدهد . گفت: شعار " مرگ بر آمریکا " شعار است که دین ما را به یک میلیارد مسلمان ادا میکند .

گفتم: این درست است ولی با اضافه کردن شعار " مرگ بر کمونیسم " میتوانیم دین خود را به همه مسلمانان بویژه ملت خود که " نه شرقی نه غربی " گفتند و همچنین به میلیون‌ها مسلمان که در افغانستان ، شوروی ، آلبانی و کشورهای اروپای شرقی اسیرند ادا کنیم .

گفت: با دادن شعار " مرگ بر آمریکا " دستاویز گروههای مارکسیست چپ‌نما را گرفته و آنرا خلع سلاح می‌کنیم .

گفتم: کسی را در لزوم دادن شعار " مرگ بر آمریکا " شک نیست ولی آیا بهتر نیست با اضافه کردن شعار " مرگ بر کمونیسم " آنان را که ما را متهم به افتادن در کام شوروی میکنند نیز خلع سلاح کنیم ؟ گفت: مگر نه این بود که آمریکا شاه را تا آخرین لحظه یاری کرد و با خرید نفت و فروش اسلحه او را بر ما مسلط ساخت ؟

گفتم: آری بهمین دلیل است که ما هم می‌گوئیم " مرگ بر آمریکا " ولی شوروی را از یاد میر که گاز ما را بثمان بخش می‌خرد و با فروش اسلحه و پذیرائی‌های کذائی به شاه خدمت می‌کرد .

گفت: اگر شوروی شاه را حمایت می‌کرد چرا سران حزب غیر وابسته! توده را پناه داد و سالها به تربیت آنان پرداخت ؟

گفتم: آخر برای بعد از شاه هم باید فکری کرد که منافع شوروی حفظ شود. چه بهتر "رفقا" از پیش آموزش ببینند و پس از شاه پشتیبان انقلاب شوند.

گفت: شعار "مرگ بر آمریکا" یک شعار تک بعدی نیست و در آن مفهوم مرگ بر استکبار جهانی از شرق و غرب خوابیده است.

گفتم: همه همچون توتیزین نیستند که مفاهیم "خوابیده" را براحتی درک کنند. چرا بزرگان همه فهم نمیگویی مرگ بر آمریکا، مرگ بر کمونیسم، نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی.

گفت: امام امت آمریکا را شیطان بزرگ میخواند پس "مرگ بر آمریکا".

گفتم: قبول دارم ولی امام نیز گفته است "ما با کمونیسم بین الملل بهمان اندازه در ستیزیم که با جهانخواران عرب بسرکردگی آمریکا" چرا شعاری جامع ندهیم و نگوییم "مرگ بر آمریکا، مرگ بر کمونیسم".

گفت: هر چه گفتم پاسخ گفتمی آیا توهم حرفی داری؟

گفتم: حرف من حرف همه مردم است که شعار ملت را فراموش نکنیم و فریب ندهد - نفتی ها را نخوریم و همه با هم بگوئیم "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی، مرگ بر آمریکا. مرگ بر کمونیسم." (۲۲)

باین ترتیب ما از هر فرصتی برای حفظ اصالت ارزشهای انقلاب اسلامی و جلوگیری

از غلطیدن آن به "شرق" یا "غرب" استفاده کرده و ایفای وظیفه نموده ایم.

۷-۷- خط امام از نظر رفقا

موضوع جالبی که جناحهای مختلف دشمنان انقلاب اسلامی، بخصوص رهبری

حزب توده سعی داشت خود را زیرپوشش آن پنهان ساخته و در سایه آن مفاهیم

و جوسیاسی را بفتح مقاصد خود تغییر دهد اصطلاح "خط امام" بود. ما در مقابل

با این گرایش و تلاش انحرافی تحت عنوان "خط امام از نظر رفقا" نوشتیم:

"از ویژگی های این روزها، بی اعتبار شدن تخصص است بحدی که یکی

از نمایندگان مکتبی مجلس دم زدن از تخصص را با پیروی از خط

آمریکا مترادف می داند.

"رفقا" که هرگز تخصص خود در توجیه و پیروی از سیاست مسکورا فراموش نکرده اند اخیراً "اسلام شناس شده و حتی خط امام را هم برای بقیه مردم تعریف می کنند و می نویسند "حزب ما ذیحق است که در مقابل لیبرال ها و قشریون که می خواهند خط امام خمینی را به خط مبارزه با "کفر" بدل کنند، سه محتوای اساسی خط امام خمینی را مبارزه با استبداد، استثمار و استعمار بدانند."

حاشیه پرداز معتقد است با شناخت "رفقا" از خط امام، نه تنها آنان در این خط اند که کفار بزرگ همچون کرملین نشینان هم پیرو خط - امام اند. زیرا این "رفقای" بزرگوار ضمن فروش تجهیزات نظامی به شاه معدوم و خرید گاز ایران بثمان بخش و فروختن آن به چند برابر قیمت به "رفقای" اروپای شرقی و همچنین پیاده کردن بیش از هشتاد هزار سرباز روسی در افغانستان و کشتار فجیع مسلمانان، خط فکری خود در مبارزه با استبداد و استثمار را نشان داده اند. حال اگر قشریون آنرا خط کفر می خوانند این دیگر گناه "رفقا" نیست. تا امروز "رفقا" کوشیده اند واژه های اسلامی را به واژه های مارکسیستی تبدیل کرده و نه تنها خود، که از طریق روزنامه های دیگر خورد امت اسلامی بدهند. ولی این نخستین بار است که "رفقا" درصد زدودن کلمه "کفر" از فرهنگ اسلامی برآمده و کوشش دارند خط امام را از مبارزه با کفر جدا کنند.

نگرانی حاشیه پرداز از آنجاست که با شیوه ای که برخی روزنامه ها و صدا و سیما جمهوری پیش گرفته اند بروی "رفقا" بنوشتن تفسیر جدیدی پرداخته و پیغمبری مارکس و انگلس را با تمسک بقرآن اثبات کنند

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ! (۲۳)

طرح این گونه مسائل و هشدارهای مکرر در شرایطی که تفکر حاکم به گونه دیگری بود یکی از علل عمده و اساسی جوسازیها و افتراها علیه نهضت آزادی و شخصیت های وابسته بآن بوده است. البته مواجهه با چنین جوی برای ما نازگی

نداشت. بعد از شهریور ۱۳۲۵ به تیزمارکسیست‌های ایرانی متوجه حرکت اسلامی منبعث از دانشگاه و ایراد این گونه تهمت‌ها بوده است. از همان زمان توده‌ای‌ها حرکت نوین اسلامی را که سد اساسی و عمده پیشرفت افکار خود می‌دیدند به وابستگی متهم می‌ساختند و در نوشته‌های خود مدعی میشدند که "پان اسلامیت‌ها از سفارت آمریکا دستور میگیرند". البته آن قبیل تهمت و برچسب زدن‌ها مخصوص توده‌ای‌ها و پان‌مارکسیست‌ها بوده و نه این‌پایداری و تحمل منحصر به نهضت آزادی ایران. قرآن به ما آموخته است که همواره احزاب کفرپیشه در برخورد با داعیان راه حق و فرستادگان الهی از همین شیوه‌ها استفاده کرده‌اند و همیشه پیامبران و پیروانشان با همین برچسب‌های ناچسب روبرو شده و دلیرانه مقاومت کرده‌اند.

بهر حال حرکت تاریخ و گذشت زمان نشان داد که نگرانی ما تا چه حد منطقی و اساسی بوده است. پاسخ پرسش‌ها و "گفتم گفت" هائی که ما مطرح می‌کردیم از همه طرف مورد حمله قرار می‌گرفتیم، سرانجام با انتشار بخش‌هایی از اعترافات سران حزب توده روشن گردید.

۸-۷- سخنرانی آقای مهندس بازرگان در زنجان

ولی شرایط سخت و جو سیاسی حاکم در آن روزها و عدم توجه دولتمردان به هشدارهای ما و مفید نیفتادن این تذکرات مشفقانه و اسلامی ما را از انجام وظیفه باز نداشت بطوریکه آقای مهندس بازرگان سخنرانی خود را بمناسبت روز جمهوری که در تاریخ ۶۰/۱/۱۲ در زنجان ایراد گردید تحت عنوان: "اگر آمریکا شیطان کبیر است، مارکسیسم شیطان اکبر است" (۲۴)

به همین مسئله اختصاص دادند. نظر با اهمیت تاریخی و روشن‌بینی خاصی که در این سخنرانی بکار برده شده و نتایجی که بدنبال داشته است، متن کامل آنرا عیناً نقل می‌کنیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران و خواهران عزیز زنجانی، سلام نهضت آزادی ایران و همراهان و اینجانب بر همه شما.

الْمُحْسِبِ النَّاسِ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَكَيْعَلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَكَيْعَلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ. (۲۵)

خوشبختم در آخرین روز ایام نوروز، این جشن قدیمی ملی و حتی اسلامی ایران، خدمتتان عرض تبریک بکنم. بیش از دو هزار سال است که ایرانیان همیشه باطلیعه بهار، امیدوار و مسرور گشته و رفتن سرما و سختی زمستان را نشانه و رمزی از وعده طبیعت و خدا برای خلاصی از ظلم و فساد و زورگویان و رسیدن به آزادی و عدالت و سعادت دیده و برای آن تلاش کرده‌اند. در دوران نهضت مقاومت همیشه کارتهای تبریکی که فرستاده میشد با این معنی و امید بود. پس شکر می‌کنیم خدا را که بعد از آن مدت ملت ایران به رهبری قائد عظیم‌الشان امام خمینی از زمستانهای سرد و تاریک و وحشتناک تاریخ به بهار اسلام یعنی بهار شکوفائی، بهار عدل، بهار سعادت و سلامت و انشاءالله بهار رحمت و برکت وارد گردیده است.

تبریک دوم بمناسبت سومین سال رفراندوم و وحدت عظیمی که ملت ایران نشان داد و با عدد و رقم موافقت و وحدت خود را نسبت به برقراری جمهوری اسلامی ایران بیان کرد. دعوتی که عده‌ای از دوستان همشهری شما و هموطن ما از من کردند، این سعادت را به بنده و دوستان داد که بیائیم و در راهپیمائی امروز شما شرکت کنیم و در این مسجد عبادت خدا و شکر خلق خدا را بگذاریم، که متأسفانه بعلت برف و سرمای راه موفق به شرکت در راهپیمائی و حضور در سخنرانی‌ای که مقرر بود آقای مدنی بفرمایند نشدیم و حالا قضای آن عمل را در اینجا انجام می‌دهیم. این است که دومین تبریک را خدمت شما عرض میکنم و دعائی را که هر نمازگزاری بعد از قیام و قعود و رکوع و سجود به درگاه خدا میکند و از خدا پاداش می‌خواهد می‌خوانم.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ تَبَيَّنْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ وَ اكْفِنَا يَا
فَاضِلِ الْحَاجَاتِ وَ يَا كَافِيَ الْمُهَيَّمَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۲۶)

البته شما این دعا را همیشه بعد از نمازتان می‌خوانید. ولی شاید به عمق و عظمت آن توجه ندارید که از خدا میخواهم دل‌های ما را در دین خودش مستمر بدارد و از اشتباه، اختلاف و التقاط محفوظ بدارد. خدائی که انجام دهنده حاجات

است کفایت گرفتاریها و مشکلات ما را بکند و ما متوسل و محتاج به غیر او نشویم و اوست که توانای هر چیز است .

الان دو سال از آن روز تاریخی می‌گذرد . این روز یادگار و افتخاری است برای دولت موقت که بعنوان دومین ماده فرمان امام موفق شد علیرغم مشکلات و توطئه‌های فراوان و کارشکنی‌های چپ و راست مراجعه به آراء عمومی را با موفقیت انجام دهد . در چنین روزی بود که ملت ایران وحدت خودش را در تبدیل نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری نشان داد و همانطور که خودتان میدانید بزرگترین جمعیتی که بیای صندوق‌ها رفتند ، در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بود . بدون آنکه در آن زمان هیچ اختلاف و گفتگویی روی عناوین بشود و کسی صحبت از این‌یکند که این آقا ، روحانی است یا اداری ، این روشنفکر است و آن بازاری ، دیگری کارگر است ، فلان شخص کشاورز است ، یا زن و یا مرد . فقط یکدسته بودند که از همان روز حسابشان را با دادن رای منفی یا خودداری از شرکت در رفراندوم جدا کرده و مچ خودشان را برای ملت باز نمودند و آنها چپی‌ها و فدائیان خلق بودند که معلوم شد یک درصد مردم ایران را نیز تشکیل نمی‌دهند .

اما این رفتن بیای صندوقها و دادن چنین رای‌هایی تازه اول مسئله و اول عشق بود . همانطور که در آیه صدر مقال شنیدید خداوند می‌پرسد که آیا مردم تصور کردند همین که گفتند ما ایمان آوردیم (مثلا) پای صندوق رفتند و به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند (کار تمام میشود؟ نه چنین نیست ، مسلم بدانید که امت‌های قبل از شما را آزمایش کردیم ، گرفتار کردیم ، دچار فتنه‌ها ساختیم تا در نتیجه آنها معلوم شود که چه کسانی راست می‌گویند و چه کسانی دروغ . بعد از رفتن به پای صندوق این آزمایش و این ابتلا و گرفتاری به فتنه‌ها برای ملت انقلاب کرده ادامه داشت و روز بروز شدیدتر می‌شد .

شکر سومی که می‌خواهم بکنم ، و تبریک به شما و تمامی ملت ایران بگویم اینست که ثابت کردید از عهده آن فتنه‌ها و گرفتاری‌ها در عمل بخوبی و تا سرحد شهادت بر می‌آئید . آخرین آنها و از همه شدیدتر همین حمله دولت بعثی عراق است که هرگز در ۲۵۰۰ سال تاریخ ایران ملت چنین مقاومت و استقامتی ابراز نداشته است و انشاءالله به پیروزی کامل ما و اخراج دشمن غدار و ستمگر خواهد

انجامید. این برای سومین بار بود که واقعا وحدت نشان داده شد. وحدتی که اینقدر طالب آن هستید و امام شدیداً توضیه می‌کنند. وحدت در خون، وحدت در سنگر، وحدت در عمل برای حفظ و دفاع از وطن و میهن اسلامی. می‌بینید که چگونه تمامی ارتشی‌های ما مقاومت و شهادتی بخرج میدهند که در تاریخ ایران سابقه نداشته است. (تکبیر مردم) همینطور سپاه انقلاب را می‌بینیم که بحمدالله آنها بخوبی و با صمیمیت و برادروار دوشادوش باهم نبرد می‌کنند. چه آنها و چه بسیج و عشایر و چه تمام قشرهای مختلف مملکت در جنبه‌وپشت جنبه اینطور باهم همکاری دارند. انسان بیاد آیه شریفه " **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا** " می‌افتد. یعنی مردانی هستند که نسبت به عهد و پیمانی که با خدا بستند، استوار ماندند، ملت ما نیز از روز اول که این عهد و پیمان را در آن راهپیمایی‌ها و در آن مبارزات با خدا بست بر آن استوار ماند. عده‌ای چه قبل از انقلاب و در پیروزی انقلاب و چه در این جنگ شربت شهادت نوشیدند و عده‌ای در انتظار و اشتیاق آن هستند. ما از خداوند ارتقاء درجات و شادی و غفران همراه با فراوانی و بلندی روزی و مقامشان را در نزد خدا مسئلت می‌نمائیم.

اما فتنه و گرفتاری‌های ما منحصر به این جنگ تحمیلی عراق نبود. قبل از آن هم داشتیم و بعد از آن هم نیز خواهیم داشت. زندگی انسان برخلاف حیوانات دائما همراه با گرفتاریها و فتنه‌هاست. دنیا آزمایشگاهی است که خداوند کسانی را که در جهت او باشند، خالص و پاک میکند و دیگران را نیز به آنجا که باید بروند، می‌برد. از این فتنه‌ها ما زیاد داشتیم و خواهیم داشت. چون هرکجا حق هست، هرکجا خدا هست، شیطان هم هست. عوامل فتنه زیادند. شیطان در تمامی شئون و زوایای زندگی ما حلول دارد. شیطان بزرگ داریم که امام این اسم را روی آمریکا گذاشته‌اند. ولی اگر آمریکا شیطان کبیر است، شیطان بزرگتر یا اکبر هم داریم و آن مارکسیسم است. (تکبیر مردم).

قبل از آنکه آدم اصلا "خلق شود، ضد آدم و ضد مومن که شیطان باشد، بوجود آمده بود. همانجا که خداوند به فرشتگان امر به سجده آدم میکند و به آدم علم میدهد، ابلیس که تمرد میکند صریحا" به خدا می‌گوید که: **"لَا قَعْدَنَ لَهُمْ**

صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمَ. ثُمَّ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ" (۲۷) من بر راه راست تو می‌نشینم و جلوی آنها را می‌گیرم، از جلوی رو، از پشت سر، از راست و از چپ احاطه‌شان می‌کنم، بطوریکه خواهی دید اکثریتشان شکرگزار و قدردان و بهره‌بردار از تعلیمات تو نخواهند بود. این مسئله دردعای حضرت سجاد هم آمده است آنجا که می‌فرماید: خدایا تو برای ما دشمنی قرار داده‌ای که علیه ما نقشه می‌کشد، او را بر ما تسلط داده‌ای در حالی که ما نسبت به او چنین تسلطی نداریم. شیطان را در دل‌های ما جا داده‌ای، در خون و در رگ و ریشه ما جاری ساخته‌ای... دعا مفصل است و در پایان از خدا می‌خواهد که ما را پشتیبانی داده و موفق بدارد که از شر این شیطان خلاص شویم و بر او پیروز گردیم.

البته این شیطان وقتی بخواهد انسان را اغوا کند و از راه بدر برد، همانطور که در بهشت، اولین محل سکونت آدم و حوا آمد، هیچوقت به انسان نمی‌گوید که می‌خواهم ترا آزار برسانم و از نعمت و بهشت و سلامت دور کنم. برعکس همیشه "يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ" به آنها وعده می‌دهد و به آرزوهای شیرین می‌اندازد. در بهشت وقتی شیطان برای اغوای آدم و زوجه‌اش آمده گفت: خدایا ما را از نزدیک شدن به این درخت منع کرده است چون نمی‌خواهد شما در این بهشت جاویدان و مانند فرشتگان باشید. اما من دلسوز شما هستم و شما را نصیحت می‌کنم که از این درخت بخورید، تا اولاً "زندگیتان جاوید و ابدی باشد و ثانیاً" به مقام فرشتگان برسید. این راهی است که شیطان و وزیران شیطان اعم از جن و انس برای فریب آدمها انتخاب می‌کنند. چیزهای خوب به ما وعده می‌دهند. به کارگران می‌گویند دستمزدتان می‌خواهد برود بالا، صاحب اراضی راحتی خواهید بود و از این وضع نجات پیدا می‌کنید و وعده‌های زیادی می‌دهند، ما را به آرزوها و فتنه‌ها می‌اندازند، ما را فریب می‌دهند و از سعادت و سلامتی که داریم دورمان می‌کنند. راه خودشان را که حزب الشیطان است جلوی ما قرار می‌دهند و انقلاب اسلامی را تبدیل به انقلاب مارکسیستی می‌کنند.

مادر تمام موارد، هر جارفتیم و هر کاری که کردیم همیشه با این مارکسیستها و کمونیستها روبرو بودیم. ایران هر وقت خواست علیه استیلای خارجی، علیه

سیاست انگلیس، روس و یا آمریکا، علیه ظلم و ستم و فقر کاری بکند، اینها آمدند جلو. دو سه موردش را مثال می‌زنیم.

اول: حضور عینی و اقدامات عملی

۱- اخلال در دانشگاه

آن موقع که در دانشگاه تهران بودیم و دانشگاه تنها جایی بود که برای خود استقلال گرفته بود و به آن حد از رشد و دانائی رسیده بود که میخواست خودش تصمیم بگیرد و خود را اداره کند. ولی مواجه شدیم با مزاحمت‌های فراوان و سوءاستفاده‌هایی که این آقایان توده‌ای راه می‌انداختند و اغتشاش و مشکلات بوجود می‌آوردند. دائما "دانشجویان را علیه استادان تحریک می‌کردند و هرچه به دانشجویان می‌گفتیم ما مخالف شما نیستیم. ما کارفرما و شما کارگر نیستید که بخواهیم شما زیاد کار کنید تا ما زیاد استفاده ببریم. نتیجه‌کار و کوشش شما بخودتان می‌رسد که دکتر می‌شوید و مهندس و صاحب معلومات و تخصص. ما نیز در این بین بدرس دادن فقط زحمت خودمان را بیشتر می‌کنیم، ولی فایده نداشت. به انواع مختلف مزاحمت ایجاد کردند. تا آنجا که یک روز شورای دانشگاه را محاصره کردند و همه را در یک اتاق حبس نمودند تا مجبور شوند یک عده‌ای را که بعلت رفتارشان در خوابگاه دانشسرای عالی تنبیه انضباطی شده بودند، بیخشند.

۲- اخلال در نهضت ملی ایران

در نهضت ملی شدن نفت و آن قیام عظیم ملت ایران برای بیرون کردن انگلستان که چپی‌های کمونیست از قدم اول کارشکنی کردند. یعنی از آن موقعی که اقلیت زمان مصدق از مجلس خارج شدند و نگذاشتند قوام السلطنه‌ها و سیدضیاء‌ها روی کار بیایند و کم‌کم زمین‌ها آماده کردند برای تصویب قانون ملی شدن نفت، شروع کردند به اینکه به مصدق بگویند از اشراف است، فئودال است، بنابراین نوکر انگلیس است و بعدها گفتند همکار آمریکا است. دیدند پیشرفت نکردند و ملت و مجلس تقریبا "آماده‌اند برای گذراندن قانون ملی کردن نفت که یگانگه‌راه بود برای اینکه دست شرکت غاصب نفت انگلیس و ایران، یعنی چشم و گوش و قلب و دست و پای امپراطوری انگلستان را در ایران کوتاه کنند و او را بیرون اندازند، کاسه داغتر از آتش شدند و همانطور که شیطان از خدا هم بیشتر آدم را دوست داشت و میگفت

میخواهم تو مخلد در بهشت باشی، گفتند ملی شدن نفت معنی ندارد. وقتی نفت را ملی کنی یعنی آنرا بخری باید پول تاءسیسات و خسارت به انگلیس بدهی. به اینها ما نباید خسارت بدهیم شعارمان باید "لغو قرار داد نفت" باشد. این حرف چقدر پسندیده و زیبا بنظر می آمد ولی غافل از اینکه اگر ما می گفتیم لغو قرار داد، عملی بر خلاف تعهدات و اصول و قوانین جاری در دنیا میشد و دنیا ما را بهمین خاطر محکوم می کرد، در صورتی که ملی کردن نفت عملی بود قانونی که انگلستان آنرا در داخل مملکت خود تصویب و اجرا کرده بود، بنابراین نمی توانستند بمان بگویند که کار شما غلط است. وقتی دکتر مصدق به دادگاه لاهه رفت، از بین قضات دادگاه قاضی شوروی کناره گیری کرد ولی قاضی انگلیسی بنفع ایران رای داد و نمی توانست غیر از این بکند. پس از تصویب قانون ملی شدن نفت، جمعیتی درست کردند بنام "جمعیت مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب" و در تظاهرات خیابانی که براه می انداختند، فجایع و درد سرها و توطئه‌هایی بوجود می آوردند تا بهانه برای روی کار آمدن دولت درباری فراهم شود و قانون ملی شدن نفت به اجرا در نیاید. خلاصه نمی گذاشتند ملیون، دکتر مصدق، مرحوم آیت الله کاشانی و کسانی که در این راه بودند، نفس راحتی بکشند، تا اینکه در آخر، انگلیس موفق شد رگ حساس آمریکا را بحرکت در آورد و بگوید که اگر دولت ملی مصدق روی کار باشد، ایران درست در اختیار کمونیسم و شوروی خواهد افتاد. در آن موقع شدت عمل را به حد اعلی رسانده بودند، بطوریکه یک عده اوباش و اراذل را به قم فرستادند به باغی که مرحوم آیت الله بروجردی در آنجا در بیلاق تاستانی بودند و دست به شرابخواری زدند و به زدن و کوبیدن پرداختند و نامه‌هایی با جوهر قرمز برای تمام علما فرستادند که ما عنقریب روی کار می آئیم و همه شما را از لب تیغ می گذرانیم. این کارها را کردند برای اینکه روحانیت را علیه مصدق، علیه ملی کردن نفت و ملیون برانگیزانند و برای اینکه آمریکا را بترسانند که اگر یکماه دیگر مصدق روی کار بماند مملکت یکسره بدست روسها می افتد. با این نیرنگ انگلیسها موفق شدند آمریکا را با خودشان همراه کنند و آن کودتا را، راه بیندازند. وقتی کودتا راه افتاد و آنها از آسیاب ریخت توده‌ای‌ها گفتند ما نفهمیدیم، ببخشید اشتباه کردیم و مصدق از اشراف و فئودالها و سرمایه دارها

نیست. او را بعنوان نابغه ملی معرفی کردند و مثل همان عرب بیابانی که موش را توی دیگ حاجی ایرانی انداخته و گفت "حاجی انا شریک"، با ادعای قصد کنار آمدن روزهای قبل از کودتا با مصدق خود را با مبارزات آنها بعنوان شریک جا زدند و کار را خراب کردند.

۳- اخلال در کار کمیته نفت امام خمینی

راه انداختن نفت برای مصارف داخلی: قبل از پیروزی قطعی انقلاب و مراجعت به ایران، امام به اینجانب و هیئتی ماموریت دادند برای تاءمین مصارف داخلی نفت و جلوگیری از تلفات و خسارات و ناراحتی‌های ملت در حال اعتصاب بخوزستان رفته، ضمن معانعت از صدور نفت بخارج و ضمن شکسته شدن اعتصاب عمومی کارگران، آن قسمت از دستگاهها و عملیات را که برای توزیع حداقل مصارف جهت حیات کشور لازم است براه اندازیم. هنوز اعلامیه این فرمان در نیامده و افراد و مقدمات لازم برای عزیمت به اهواز را آماده نکرده بودیم یعنی چهار ساعت بعد از تماس تلفنی با پاریس و دریافت دستور امام از طریق آقای دکتر یزدی سه نفر جوان به دفتر کارم آمده تقاضای ملاقات کردند. یکی از آن آقایان را که قد بلندتر و قدرت بیان و تحمیل کلام بیشتر و سبیل مخصوص استالینی داشت و سخنگو و گرداننده سایرین بود، بعداً در مراجعه هیئت به خوزستان مکرر دیدیم که چگونه سفسطه و توطئه برای عدم توفیق هیئت و نقشه امام میکرد. طبق سنت شیطانی کاسه داغ تر از آش شده همزبان با سایر چپپه‌های نفت میگفت مادران و پیرمردان ایران حاضرند خود و فرزندانشان در سرمای زمستان امسال فدای انقلاب شده بمیرند ولی دست به ترکیب اعتصاب کارگران نخورد و اگر قطره‌ای نفت و بنزین به شهرها فرستاده شود شکست انقلاب حتمی خواهد بود. پس از پیروزی انقلاب و روی کار آمدن دولت موقت اسم و عکس این آقا و دوستانش را در کشف اسلحه و عملیاتی که جمعیت التحریر عربستان (جمعیت تجزیه طلب خوزستان پیش‌آهنگ و کارگزار عملیات بعدی دولت تجاوزگر عراق) راه انداخته بودند و ادگانه انقلاب توقیفشان کرد، شنیدم و دیدم. و همچنین در تحریکاتی که علیه اقدامات آقای مهندس معین فر وزیر نفت در زمینه اوپک و مقابله با صدور

گاز ارزان به شوری و غیره میشد .

۴ - اخلال در انقلاب اسلامی و در دولت جمهوری اسلامی

چون شهر شما و مردم زنجان پیشرو امور کشاورزی است دو نمونه از آفات کشاورزی را خدمتان مثال میزنم تا بهتر طرز کار شیطان را بفهمیم .
 بوته‌های هست با ساقه‌های لطیف ظریف شبیه به مار خوش خط و خال با گل‌های بنفش رنگ فشنگ که در ولایات فارسی زبان به آن گل خیار میگویند . این بوته از بغل بوته خیار موقعی که شاخه و برگ شادابی داده به گل می‌خواهد بنشیند سرد می‌آورد . در جالیزهای خربزه و هندوانه و طالبی هم گاهی دیده می‌شود و طوری است که وقتی کشاورز صاحب خیار یا خربزه چشمش به آن می‌افتد عرق سرد از صورت آفتاب سوخته‌اش سرازیر و لرزه بر بدنش مستولی شده فاتحه جالیز و خرچ و زحماتش را می‌خواند و در می‌رود . این بوته حرامزاده تخم و ریشه ندارد که قبلاً شناخته و دور انداخته شود . بذرش بصورت قارچ و گرد بی‌رنگی است که روی تخمه‌های خیار یا خربزه چسبیده و قبلاً جا گرفته است . مارکسیسم نیز مثل شیطان که در لقمه و نطفه نزدیک میشود از زمان رضا شاه و حتی از انقلاب مشروطیت و مخصوصاً در جریان‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ قارچ خود را در دلها و دیده‌ها و زبانها و در نشریات و محافل و مدارس ما پاشیده بود .

نمونه دیگر خربزه کرمو است . موقعیکه گل‌های زرد رنگ و زیبای خربزه آبستن شده و با اصطلاح کونه کوچکی بسته اما هنوز نریخته‌اند یک نوع مگس یا پشه (درست نمی‌دانم ، شاید پروانه) روی نوزاد خربزه می‌نشیند و نیش خود را مثل سوزن آمپول زن از پوست نرم و نازک نوزاد به وسط آن رسانده تزریق نطفه‌ای می‌نماید و به پرواز درمی‌آید . باغبان بیچاره مرتب آب و کود به جالیز می‌رساند . شب‌زنده‌دارها می‌کند و بوته‌ها را مثل مادر عاشق در برابر باد و حیوانات ترو خشک و این رو و آن رو میکند و نمیداند آن مگس ناکس چه سمومی در دل فرزندان دل‌بندش کاشته است . آن موقع که خربزه وزن و شکلی پیدا کرد از تخمهای تزریق شده لارویا کرم‌هایی درست میشود که از گوشت خربزه و تخمه‌های داخل آن تغذیه کرده چاق و چله و پروانه که شدند سوراخی به خارج باز می‌کنند و تشریف می‌برند و یک میوه تلخ سنگ شده تحویل باغبان و بازار و بنده و شما میدهند . . .

حالا برویم سر دوزوکلک‌های مارکسیسم در جریان انقلاب پیروزمند اسلامی خودمان بطور فهرست‌وار:

– در راه‌پیمایی‌های قبل از پیروزی پایای سائیرین باعکس‌های امام و شعارهای "استقلال – آزادی – جمهوری اسلامی" و غیره در حالیکه از سالها قبل حتی پیش از خرداد ۴۲ نیش‌های تیز و تند چپی در مغزها و دل‌های نازنین جوانان دانشگاهی و دبیرستانی و طلبه‌های ما تلقین و تاثیرهایی کرده بود (چیزی که مرحوم مطهری و مراجع عظام خیلی نگران و نالان بودند، می‌توانید به سخنرانی مرحوم مطهری که تحت عنوان "نقش ماتریالیسم در اسلام" چاپ شده است، مراجعه فرمائید.)

– بلافاصله بعد از پیروزی موضعگیری و تحریک در دانشگاه تهران و در مدارس برای تبدیل محوطه دانشگاه و کلاسها به انبارهای اسلحه و تعلیم جنگ و مناقشات ایدئولوژیک و مخالفت با دولت موقت در افتتاح کلاسها.

– اولین زمره‌ها و نیش و طعنه‌ها علیه اولین انتصابات فوری دولت موقت (رئیس شهربانی، فرماندهان نظامی و بعضی روسای دیگر).

– اولین تهمت‌ها و افشاگریهای اختراعی علیه منتخبین و مسئولین امور (از جمله علیه دکتر چمران بعنوان عضو مוסاد بودن، دکتر یزدی با تهمام پاسپورت و ماموریت آمریکائی داشتن، تیمسار قره‌نی بعنوان مامور شاه بودن، امیران نظام بعنوان صهیونیست و اصالت یهودی داشتن و از این قبیل ترهات.)

– افشاکری و تصعیف و حملات شدید در روزنامه‌هایشان علیه ارتش و نیروهای انتظامی بعنوان امپریالیستی بودن و نقشه کودتا داشتن و بمنظور انحلال فوری و کامل آنها با ایجاد ارتش و پلیس خلقی انقلابی.

– توطئه‌های اجتماعی و تکاملی مسلحانه در گنبد و گرگان و سپس کردستان و بلوچستان و خوزستان تحت عناوین مختلف استرداد و تقسیم اراضی، اخراج فتودالها و غیر بومیان، اختلافات سنی و شیعه یا عرب و فارس و ترک و اجحافات و محرومیت‌های گذشته روستائیان و مرزنشینان و همچنین اغوای بعضی از علما و سران سنی مذهب یا شیعه یا عرب زبان و زمره‌های خودمختاری.

– راه انداختن راه‌پیماییهای شهری و اجتماعی و ازدحامهای مزاحم و حتی اشغال بعضی از وزارتخانه‌ها به پهنه‌های بی‌حجابی، نمره امتحانی، لغو تعهدات

خدمتی، دریافت حقوق و مزایای ساواکیها، تحویل کامیون، تصفیه حسابهای کارکنان شرکتهای طاغوتی، جگرکیها، شهرنوئیها و هر روز یک بساط و بازی...
 - در دست گرفتن کمیته‌های اعتصابات دوران انقلاب و پس از آن تشکیل و تحریک و تسلط بر شوراهای کارخانجات و شرکتهای و ادارات بیسپاهانه اخراج عمال و ایادی شاه و سرمایه‌داران یا وصول سهم سودهای سالهای گذشته که نتیجه نهائی آنها تعطیل کلی یا نسبی کارخانه‌ها و کارگاهها و شرکتهای و خوابیدن تولیدات صنعتی و کشاورزی و زمینسازی برای اقدامات وسیع ضدانقلابی و تسلط آینده بر کشور بود.
 - پخش شدن در روستاها و مزارع برای تحریک دهقانان و اخراج و ارباب مالکین...

اینها شمای و اشاره‌ای به اعمال و خطرات شیطانی "رفقای" مارکسیستی بود. اگر کار محدود به خود آنها میشد هیچ غصه نداشتیم، چون جمعشان قلیل و کیدشان ضعیف است ولی متأسفانه و صد تا سف آنها بیس‌آهنگ شدند و با بدریزی و سمشاشی که کردند بعضی افراد و گروههای خودی مسلمان و انقلابی از روی جهل و بی‌خبری با اغوا و انحراف دنباله روهای شیطان شدند.

دوم: حضور فکری و فساد روحی

آنچه تا اینجا گفته شد نمونه‌های حضور عینی و اقدامات عملی مارکسیسم در مبارزات و انقلاب ایران بود. مارکسیسم یک سلسله‌ایادی و عوامل اجرایی دارد که همان دولتهای کمونیستی اروپای شرقی و چین و غیره هستند و احزاب کمونیستی پراکنده در جهان و کارهایشان قابل قیاس با آمریکا و امپریالیسم غرب میباشد. اما خطرناکتر از حضور عینی و برنامه‌های سیاسی و حزبی، حضور فکری و فساد روحی مارکسیسم در اذهان و افکار یا در آمال و اهداف میباشد، سکونت و رخنه‌ای است که بفرموده حضرت سجاد در سینه‌ها و مجاری دماء افراد بشر و کشورهای زیرستم دنیا پرستان و مخصوصاً مسلمانان دارند. یک سلسله عقاید و روحيات که قبل از تاسیس دولتهای کمونیستی نیز پراکنده و پاشیده شده بوده است. باز برای توجه شما بچندتای از اینها اشاره مینمایم:
 - روحیه بدبینی و عقده‌داری و بدخواهی میراث قرنهای ظلم و تبعیض و تحقیر

با سوابق و سحسی‌های دوران کودکی و جوانی نظیر که برخلاف ادیان الهی و قرآن که الهام دهنده آمد و حوت‌سنی و نوکل نهدا و انتظار قیامت است، همه چیز را چشم بد می‌بینند و همه کس را دشمن می‌گیرند.

– عطش انقلاب و واژگونی هر نظام و هر جریان ملارم با روح انتقال و تصمیم به انهدام تا آنجا که انقلاب و انتقام برای آنها اصل و هدف محسوب میشود و با انقلاب فرآنی که "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ" (۲۸) وسیله‌ای برای تغییر و تحولاتی سالم و مبارک دروسی در جهت یاکمی و درستی و عدل و محبت و خدمت و خیرات است، تفاوت از زمین تا آسمان دارد.

– اصل تضاد که از درون همه اشیاء و امور و پدیده‌ها حوشیده صورت فهر و دشمنی و نابودی جلوه‌گر میشود و جنگ تعرضی را عنوان و طبعه طبیعی و اصلی عرضه می‌کند و با تفاهم و برادری آدمیرادی و ترکیب و همکاری اسلامی معارضه مینماید.

– اصالت طبعه و طبقات بعنوان اولین فلسفه اجتماعی تضاد که حاصل آن تقسیم و تفرقه اساسها و تحاصم دائمی صد وحدت است تا درون خانواده‌ها .
 حادوی سستانی "بفرقون بیدین المر و زوجه" را رحنه کرده، جامعه نوحیدی اسلامی را بحامد سر کرده "وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلٌّ جِرْبٍ بِمَا كَذَّبَ بِهِمْ قَرْحُونَ" (۲۹) مددل و متلاطم میسازد.

– اصالت اقتصاد بعنوان زیربنای جوامع و محرک و میداد تمام اعمال و احوال و افکار و مخالفت با مالکیت و درآمدهای مشروع و مشروط سبهاه دشمن شماردک بودن سرمایه و صدف مکتبی با استنمار و فئودالیزم و سرمایه‌داری، و اگر چه مبنای فقر و بیکاری و نایسامی (که خود برای آنها غنمت است) تمام سود .
 همانطور که گفته قرآن "الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْتِيَكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَقَصْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ" (۳۰) سلطان وعده دهنده فقر است . آنها عامل فقر و فحشا میشوند، در حالیکه خداوند وعده عفو و فزونی میبخشد و وسعت دهنده بسیار دانا است .

– دیکتاتور طبعه ممتازه خودشان با روح ضد آزادی و برقرار کردن حاکمت جماعی و تهدید و ترور .

– منله کردن و کطرفه ساحین سعار اصل "به شرقی، بد عربی، جمهوری

اسلامی" و انحصار و شدت حملات بر یک طرف آنطور که سیاست اصلی به نفع شوروی است.

بطور خلاصه آنچه می بینیم در جامعه امروزی حکمفرمایی می کند، دشمنی و تفرقه و بدبینی است با میل شدید به تخریب و رواج تهمت و افترا و برنامه واژگونی همه اصول، اساسها، تخصصها و نظامها.

سوم - حضور فردی

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و دست یافتن فرمانداری نظامی و ساواک به تشکیلات ورهبران و افراد حزب توده یا چپی های بعدی و زندانی کردن و شکنجه ها و محاکمات، مارکسیستها دو راه در پیش داشتند: تحمل شکنجه و اعدام و زندانهای طولانی یا امضای توبه نامه و دادن تعهدنامه برای عفو و استخلاص با اجازه حزب. تعهد نیز دو نوع بود: ابراز تنوع از مرام و از رهبران با خودداری از فعالیت سیاسی یا قبول و قول همکاری که همینطور هم میشد و به پست های چرب و نرم میرسیدند. کسانی که تن به چنین مذلت داده بودند برای توجیه عملشان به محرمان و بطور خصوصی میگفتند ما وارد دستگاه میشویم تا اولاً فرصت مناسبی پیش آید و ثانیاً در این مدت از طریق نفوذ و تبلیغات نظری زمینه سازی برای قیام بعدی میکنیم. یک وقتی آن آقای ثابتی (معروف به مقام امنیتی) بمرحوم دکتر شریعتی گفته بود شما مذهبی ها خشک و حرف هستید و از حرفتان بر نمیگردید اما چپی ها که از شما مبارزتر و تندتر و عاقلترند وقتی دو کلمه از ترفیات کشور و خدمات شاهنشاه را برایشان میگوئیم و پیشرفتها را می بینند، می پذیرند و بر میگردند... مرحوم دکتر جواب داده بود. بلی همینطور است ما در اروپا در فحش دادن به شاه و شعارهای تند و مترقی از امثال نیکخواه ها عقب تر و مرتجع بودیم حالا هم در زندان در ابراز ندامت و مترقی شدن از آنها عقبتریم.

باینترتیب که آن حضرات با سرسپردن بدستگاه مشاغل و مقامات را در وزارت کار و فرهنگ، دانشگاه، و اطلاعات و تسلیحات و روزنامه های معروف درجه یک، رادیو تلویزیون، ساواک و حزب رستاخیز پر کردند، حتی به ریاست دانشگاه و وزارت هم رسیدند و از بهترین مشاورین و اندیشمندان و گرداندگان شدند. مثلاً در

رسانه‌های گروهی ضمن اینکه بخوبی از عهده برنامه‌های تربیتی و تملق‌بری آمدند. در تجزیه و تحلیل‌های سیاسی و بحث‌های فلسفی و نمایشنامه‌ها و غیره بازرگی تمام افکار سوسیالیستی و مبنای مارکسیستی را به خوانندگان و شنوندگان و بینندگان قالب میکردند.

بعد از پیروزی انقلاب با تجربه تلخی که از مخالفت با مذهب در دوران تاسیس و فعالیت رسمی حزب داشتند و درسی که در زندان و بعد از زندان گرفته بودند اولاً دست از انکار خدا و معارضة آشکار با اسلام و با روحانیت برداشتند و حتی تایید و تحلیل هم هر وقت لازم می‌دیدند، میکردند. ثانیاً سعی نمودند با حفظ مواضع گذشته مواضع جدیدی را نیز با لباس مبدل و تغییر چهره بدست بیاورند. عده زیادی از افراد ناشناخته یا نیمه شناخته که قبلاً در روزنامه‌ها و در صدا و سیما و وزارت کار و شرکتها و موسسات بودند و عده جدیدی که فوج فوج از خارج وارد یا در مدارس و موسسات تربیت شده بودند، با گذاشتن ریش و مقدس شدن و شور انقلابی خود را وارد انجمن‌های اسلامی، شوراها، کارخانجات و ادارات، کمیته‌ها، بازپرسان، پاسداران، دادگاههای انقلاب، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفین، احزاب و سازمانها و حتی در جبهه‌های جنگ نمودند و از دو آتشها و گردانندگان یا الهام دهندگان پشت پرده شدند. حضور فردی این اشخاص، چه آنها که قبلاً در رابطه با ساواک و رستاخیز و حوزه‌های مارکسیستی بودند و شناخته شده بعضی‌ها بودند و چه آنها که تندی و تحرک و توطئه‌هایشان حکایت از سابقه و افکارشان می‌نمود، در بسیاری از رسانه‌های گروهی و نهادها و گروهها آشکار است. در میان گردانندگان امور و حتی در هیئت وزیران نیز کسانی هستند که بفرض توبه و عقیده، زمینه تربیتی و عمق آمال و افکارشان مارکسیستی است. وظیفه شرعی و انقلابی و قانونی جوانان عزیزی که در نهادها هستند و غالبشان کمال حسن نیت و اخلاص و عشق به فداکاری را دارند، این است که هم دل و مغز خود را از روحیات و افکار غیر اسلامی خاص این مکتب پاک نمایند و هم افراد خطرناک پر جوش و خروش خوش خط و خال شیطان صفت را که با مختصر دقت و یا توجه به آنچه گذشت و از روی گفته‌ها و خواسته‌ها قابل تشخیص میباشد شناسائی و طرد نمایند. حیف است که نتیجه سالهای دراز مبارزه و شکنجه و شهادت بهترین

فرزندان ایران ندانسته و نفهمیده بدست شیطان هیاء منثورا شود! برای نجات خودمان و انقلاب و اسلامان چاره بکنیم!

برای تذکر و برکت و برای توجه علاقمندان به اینان آیاتی از قرآن کریم را که آئینه‌تمام‌نمای مقاصد پلید و اعمال مارکیستی‌های پیرو شیطان است نقل مینمایم:

سوره توبه آیات ۴۷ و ۴۸ **لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا ۚ وَلَا تُصْعِقُوا خَلَائِكُمْ يَبْعُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ . لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (۳۱)**

اجازه دهید در پایان باتشکر از عنایت و استماعتان دسته جمعی دعائی بکنیم .

خدایا تو را قسم مدهم به دعای مخلصان، به خون شهدان و به حق مظلومان روحیه مارکیستی را از دل‌های ما بیرون ببر و بحای آن روحیه انسانی الهی عطا فرما، افکار مارکیستی را از مغزها و مخصوصاً از دولتمردان و دست‌اندرکاران خارج نما و اصالت اسلامی بما ببخش. افراد مارکیستی را از ادارات دولتی و از نهادهای انقلابی پاک بفرما، جای آنها را با افراد پاک پر نما.

آمین یا رب العالمین

۸- اعلام جرم حزب توده

اولین عکس‌العمل به سخنرانی آقای مهندس بازرگان از طرف حزب توده ستان داده شد و "نامه مردم" اعلام جرمی به شرح زیر منتشر ساخت:

اعلام جرم علیه مهندس مهدی بازرگان

مهندس مهدی بازرگان، که از هر فرصتی برای دشنام‌گوئی و افترازی علیه حزب توده ایران استفاده میکند، سخنرانی خود را بمناسبت سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران - ۱۲ فروردین ۱۳۶۵ - در زنجان در واقع به دشنام‌گوئی و افترازی علیه حزب توده ایران اختصاص داد و آنرا به اوج خود رساند.

چنین شیوه‌ای هم با موازین انسانی، اخلاقی و قانونی، هم با "اخلاق اسلامی" مورد ادعای مهندس بازرگان و هم با رهنمود امام خمینی آشکارا مباینت دارد. ما بدینوسیله علیه مهندس مهدی بازرگان اعلام جرم می‌کنیم و از مقامات قضائی خواهان

رسیدگی به افتراهای مهندس بازرگان علیه حزب توده ایران هستیم .
 ضمناً چون مناسفانه تاکنون به اعلام جرمهای مشابه ما رسیدگی نشده است
 و بهمین جهت ما امید نداریم که به این اعلام جرم هم رسیدگی شود ، لذا ما از
 خودمهندس بازرگان می‌طلبیم که با ما به بحث و گفتگو بنشیند ، این بحث و گفتگو
 روی نوار ضبط شود و در اختیار مردم ایران قرار گیرد .
 مردم - بگفته امام خمینی - میزان هستند و قضاوت خواهند کرد . " (۳۲)

۹ - نامه شهید رجائی به مهندس بازرگان

عکس‌العمل حزب توده برای ما کاملاً "طبیعی و قابل انتظار بود ولی آنچه
 موجب تعجب نهضت آزادی ایران گشت واکنش شدیدی بود که از طرف مرحوم
 رجائی نخست‌وزیر وقت بدین سخنرانی نشان داده شد .
 نخست‌وزیر اسبق طی نامه‌ای ، که در اینجا برای اولین بار منتشر میشود ،
 سخنان آقای مهندس بازرگان را رد کرد و در پایان اعلام داشت که "با روشن شدن
 کامل این اتهامات . . . به تکلیف شرعی و اخلاقی خود ، عمل خواهد کرد " . و
 ضمناً رونوشت نامه خود را برای مقامات قضائی مملکت فرستاد .
 متن کامل نامه مرحوم رجائی با آقای مهندس بازرگان بدین شرح است :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 جناب آقای مهندس بازرگان

در بخش آخر سخنانی که در اجتماع مردم زنجان ایراد کردید در شماره ۶۲
 روز دوشنبه هفدهم فروردینماه روزنامه میزان نیز بچاپ رسیده ، مطالبی عنوان
 فرموده‌اید که به گمان اینجانب اگر توضیحاتی درباره آن داده نشود بیم آن میرود
 که خدای نکرده حقی پایمال شود و باطلی جای حق را بگیرد . علی‌الخصوص که
 روزنامه‌ای نیز در پی القاء شبهه‌ای باشد و با انتخاب عناوین و تیترهایی برای
 سخنان شما ، ابعاد بی‌آن سخنان ببخشد که شاید منظور شما هم چنان نبوده است .
 شما بیگمان در جریان اتهاماتی که بعضی از سخنرانان و نویسندگان واحزاب
 و گروهها و شخصیتها به این دولت وارد میکنند ، هستید . خود شما نیز گفته و
 نوشته‌اید موافق تشکیل دولت از طرف اینجانب نبوده‌اید . ضمناً خود شما باز در

امجدیه و در تاریخ هفتم اسفند ماه ۵۹ سخنانی به این مضمون گفته‌اید که اگرچه به دولت رای مخالف داده‌اید ولی مادام که این دولت مورد تأیید مجلس شورای اسلامی و ملت است، در پی تضعیف آن نخواهید بود. از رور اول تشکیل دولت تا امروز هر انتقادی به اعمال و برنامه‌های دولت داشته‌اید، عنوان کرده‌اید و اینجانب نیز تا آنجا که در توان داشتم و وظیفه اسلامی و اخلاقی حکم می‌کرده است کوشیده‌ام که انتقادات را از هر کس که هست بشنوم و اگر نقایصی در کار است که حتماً هم هست با توجه به امکانات، در صدد جبران برآیم و نقایص و معایب را رفع کنم.

اتهاماتی که به دولت نسبت داده‌اند، ایرادهای بجا و نایحائی که از دولت و اینجانب گرفته‌اند، صفاتی که بحق و یا ناحق به اینجانب و همکارانم نسبت داده‌اند، مسائلی نیست که شما از آنها بی‌اطلاع بوده باشید. و در عین حال این نکته را نیز می‌دانید که اینجانب کمتر در صدد پاسخگویی به این نوع مسائل و مطالب بوده‌ام. خود شما که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی رئیس دولت موقت بوده‌اید، بهتر از هر کس از میزان مشکلات و کمبودها و نارسائی‌ها اطلاع دارید و مسلماً این نکته را نیز میدانید که به این مشکلات و کمبودها و نارسائی‌ها، مسائل دیگری هم افزوده شده است که تنها اشاره به مسئله جنگ، شاید کافی باشد. اعتقاد اینجانب این است که به یاری خداوند متعال و حمایت امام و پشتیبانی امت پیاخته و تلاش دولت و همکاران، هیچ مشکلی نیست که حل نشود. اینجانب و اعضاء دولت باتوکل به خدای بزرگ و با الهام از تعالیم اسلام عزیز و رهنمود امام امت و تلاش شبانه روزی و استفاده از نظریات و انتقادات و افراد دلسوز و مؤمن به انقلاب اسلامی، سعی می‌کنیم تا آنچه در توان داریم خالصانه در حق انقلاب و امت انقلابی انجام دهیم. اگر چه هستند کسانی که حتی در اعتقاد و صداقت مانیز شک می‌کنند! ولی ما که در راه رضای خدا گام بر می‌داریم و در اعمال خود خدارا ناظر میدانیم بدیهی است که احرومزدکار خود را نیز فقط از خدا می‌خواهیم و جز به خدا توکل نکرده و نخواهیم کرد. با اینهمه گاهی مسائلی در جامعه مطرح میشود که بی‌پاسخ گذاشتن آنها، مضاری دارد که خطر آن احتمالاً، انقلاب را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد و یکی از این مسائل، مسئله رخنه کمونیستها و توده‌های

در دولت و نهادهای انقلابی است که متأسفانه پیش از همه و بیش از همه توسط جناب عالی و عده‌ای از اطرافیان و همفکران و هم مسلکان شما در جامعه مطرح شده و میشود و شما در آخرین سخنرانی‌تان در زنجان نیز تجدید مطلع فرموده‌اید و روزنامه میزان نیز که نقش ارگان شما و نهضت آزادی را ایفا میکند، با انتخاب عنوان و تیترهای انحرافی، بیشتر به این آتش دامن زده است و تهمت‌های ناروا را با تیر درشت، در معرض دید عموم قرار داده است. شما میدانید کسی را که حساب پاکست، از محاسبه باکی نیست. ولی القاء این شبهه به افکار و اذهان که کمونیست‌ها و توده‌های در دولت و نهادها رخنه کرده‌اند، مسئله‌ای نیست که دامنه محدودی داشته باشد و دشمن از سخنان شما بسادگی بگذرد. کما اینکه پس از هر سخنرانی شما و اطرافیان شما و تکرار این اتهام، یکبار بلندگوهای خارجی و رادیوهای بیگانه فرصتی پیدا میکنند که روی این موضوع تبلیغ کنند تا بخیال خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. شما که حوادث و جریان‌ات منجر به کودتای ۲۸ مرداد را بیاد دارید و ضربه‌های سختی از همین نوع اتهامات را تحمل کرده‌اید، چگونه بیاد نمی‌آورید که نهضت ملی در آن زمان چگونه زیر رگبار همین اتهامات قرار گرفت؟

آیا مرحوم دکتر مصدق را عده‌ای از مخالفان در آن زمان عامل آمریکا و عده‌ای دیگر آلت دست حزب توده قلمداد نمی‌کردند و علیه او تبلیغ براه نمی‌انداختند؟

و یا ضرباتی که همین اتهامات به دولت مصدق وارد کرد کافی نیست که ما راهوشیار کند تا متوجه دام فریب و توطئه و خیانت دشمنان شده، خود را بدست خود در مهلکه نیاندازیم؟ چگونه است که دولت یکبار متهم میشود که با حل مسئله گروگانها، به امپریالیسم آمریکا کمک کرده است و یکبار متهم میشود که تحت القاعات و نفوذ توده‌ای‌هاست؟ شما که قبل از ۲۸ مرداد از یک نقشه مشابه لطمه دیده‌اید، آیا واقعا "متوجه این اتهام مشابه و اثرات و تبعات آن نیستید؟

آیا شما از نحوه انعکاس سخنرانی زنجان خود در روزنامه میزان خبردارید؟ و اگر خبر دارید، آیا از این کار راضی هستید؟ آیا میدانید که روزنامه میزان در آخرین بخش سخنرانی شما، این مطالب را تیر کرده است که:

"پس از انقلاب عده زیادی از اعضای حزب توده با ریش گذاشتن وارد نهادها و ارگانهای انقلابی شده و از گردانندگان و الهام دهندگان پشت پرده شدند".

اینجانب از شما سؤال میکنم شما که از پرده و پشت پرده خبر دارید چرا موضوع را آنچنان مبهم و در لفافه بیان میکنید که دشمنان انقلاب اسلامی ایران از آن سوءاستفاده کنند و هر جا مسئله‌ای پیش می‌آید، توده‌ای‌ها را گرداننده و الهام دهنده بشناسند و بشناسانند؟ آیا این حرف شما موجب تضعیف نهادها و تقویت حزب توده نخواهد شد؟

آیا مردم و طرفداران شما یگفته شما استنادنکرده و از خود نخواهند پرسید که این حزب توده چه هیولائی است که همه‌جا رحنه و نفوذ کرده و الهام دهنده و گرداننده پشت پرده شده است؟ شما در لباس مخالفت با حزب توده و مارکسیسم آنچنان خدمتی به حزب توده و مارکسیسم می‌کنید که هیچ موافقی نمیتواند چنین کمکی به آنها بکند. شما کاری می‌کنید که هر اقدامی در نهادها صورت بگیرد بدر ذهن مردم چنین نقش بسدد که گرداننده و الهام دهنده آن اقدامات، توده‌ای‌ها هستند. آیا این به ضرر حزب توده است؟ و وقتی روزنامه میزان بالای همین‌تیتر، عنوان دیگری از قول شما چاپ میکند که:

"اعضای حزب توده از بهترین مشاورین و اندیشمندان و گردانندگان رژیم سابق بودند". آیا چه چیزی از خواندن پشت‌سرهم این دو تیتر به ذهن القاء میشود؟

شما خودتان قضاوت کنید وقتی می‌گوئید توده‌ای‌ها در رژیم سابق، گرداننده مسائل بودند و حالا هم گرداننده مسائل هستند، در پی اثبات و القاء چه چیزی هستید؟ و گیرم که شما در پی القای مسئله‌ای نباشید، خود این مطلب گویای چه مسئله است؟

آیا این سخنان شما به حزب توده فایده میرساند و به دولت مورد تایید امام و مجلس و ملت لطمه نمی‌زند؟ شما که به انتقاد سالم و سازنده اعتقاد دارید، یک لحظه یا خدایان خلوت کنید و ببینید که این اتهام، در جهت سلامت و سازندگی است یا در جهت تحریب و تضعیف؟

به اعتقاد من دولت که بیش از هر چیز یک ارکان اجرائی است بجای اینکه درگیر گفت‌وگوهای بی‌حاصل شود، باید برای جامعه کار کند. در روزهایی که مملکت بیش از هر وقت نیازمند کار و تلاش است، مرد حق و حقیقت و مرد اعتقاد

و آئین و مرد اسلام و انقلاب و مرد وطن و آرمان، کسی است که با طرح و برنامه و یاری و همکاری و انتقاد و بیان نقایص و نارسائی‌ها، بدولت و توده مستضعف و محروم جامعه کمک کند و قدمی در راه اصلاح امور بردارد. نه اینکه با وارد کردن اتهامات ناروا و برجسبهای خلاف واقع، بکوشد که اعتقاد و اعتماد مردم را نسبت به دولتی که جز خدمتگزاری قصد و هدف دیگری ندارد، سست و متزلزل و نابود کند.

شما، تمام انجمنهای اسلامی، شوراهای کارخانجات و ادارات، کمیته‌ها، بازپرسان، پاسداران، دادگاههای انقلاب، جهادسازندگی، بنیاد مستضعفان و حتی جبهه‌های جنگ را با این بیان که توده‌های‌ها در آنها رخنه کرده‌اند بدون ارائه حتی یک نمونه مورد اتهام قرارداد دهید. من از شما سؤال می‌کنم چرا تمام نهادهای انقلابی باید بدینوسیله از ناحیه شما بی اعتبار جلوه داده شوند؟

انقلاب اسلامی ما جز همین نهادها که شما اخیراً "از رخنه توده‌های‌ها در آنها داده‌اید، دیگر چه چیزی دارد که سمبل انقلاب ما باشد؟

اگر بزعم شما توده‌های‌ها در کارها رخنه کرده‌اند، در دولت رخنه کرده‌اند، در نهادها رخنه کرده‌اند، در همه جا رخنه کرده‌اند، در پشت پرده، نفس گرداسده و الهام دهنده دارند. . . . پس بر شماست که محض رضای خدا، محض دِوام و قوام اسلام، محض اصلاح امور مسلمین، اسم و مشخصات آنها را بما هم بدهید. اسقدر در پرده سخن نگوئید. راضی نشوید همان عده‌ای که هنوز شما را به راستگویی و مسلمانی می‌شناسند، به استاد سخن شما، بگویند توده‌های‌ها در کارها رخنه کرده‌اند. محض رضای خدا، در مقام مخالفت با دولت، از معایب موجود و واقعی بگوئید. اتهامات خلاف واقع نسبت ندهید. شما که با حزب توده‌های‌ها تعارفی ندارید، اگر نمونه‌ای مشاهده کرده‌اید بوضوح اعلام کنید. اگر نمی‌خواهید یا نمی‌توانید در میان جمع بگوئید، کتباً "موارد رخنه و نفوذ توده‌های‌ها را با ذکر نمونه به خود من بنویسید. اگر کتبی نمی‌تویسید، شفاهی بگوئید تا به تکلیف خود عمل کنم. من ادعای مسلمانی دارم. من اعتقاد دارم که **إِلَّا سَلَامٌ يَّعْلَمُونَ وَلَا يُعْلَىٰ عَلَيْهِ**. اگر شما خبر از رخنه توده‌های‌ها دارید و نمونه‌ای مشاهده کرده‌اید و اعلام بکنید، در پیشگاه حق تعالی مسئولید. شما در زنجان گفتید که "در میان گردانندگان امور و حتی در هیئت وزیران نیز

کسانی هستند که بفرص تویه و عقیده؛ زمینه تربیتی و عمق آمال و افکارشان مارکیستی است" در این مورد دو موضوع را خاطر نشان ساخته، انتظار جواب فوری دارم.

۱ - من بواقع میدانم قصد شما از "گردانندگان امور" چه کسانی هستند. شما که این عبارت را بکار برده‌اید، بدون شک باید بدانید که منظورتان چه بوده است؟ تقاضا دارم اسم آن عده از گردانندگان امور را که در ارتباط با دولت هستند و به گفته شما عمق آمال و افکارشان مارکیستی است به اینجانب اعلام کنید.

۲ - در مورد هیئت وزیران نیز فهرست کامل وزرای کابینه را به ضمیمه این نامه برای شما می فرستم تا اعلام کنید عمق آمال و افکار کدامیک از این وزیران مارکیستی است تا من اسم و رسم آنها را برای اطلاع عموم ملت مسلمان ایران اعلام کنم و خواستار اقدامات قانونی باشم.

بدیهی است که اینجانب خود را موظف میدانم تا روشن شدن کامل این اتهامات در رابطه با مسئولیتی که طبق فرامین اسلام بعنوان یک فرد مسلمان، و طبق اصول قانون اساسی، بعنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران دارم، به تکلیف شرعی و اخلاقی خود عمل کنم.

"خداوند خدمتگزاران اسلام را موفق و موید بدارد"

محمد علی رجائی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

رونوشت:

- ۱- هیئت بررسی حل اختلافات، برادران حجة الاسلام والمسلمین مهدوی کئی - حجة الاسلام والمسلمین محمد یزدی - حجة الاسلام والمسلمین اشراقی جهت رسیدگی.
 - ۲- آیت الله موسوی اردبیلی دادستانی کل کشور جهت رسیدگی.
- پیوست نامه مرحوم رجائی:

فهرست اسامی وزراء

- | | |
|-----------------------|---------------------|
| ۱ - عباس دوزدوزانی | وزیر ارشاد اسلامی |
| ۲ - حسن سادات | کفیل وزارت نفت |
| ۳ - محمد شهاب گنابادی | وزیر مسکن و شهرسازی |

- ۴ - دکتر محمد علی فیاض‌بخش
وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی
- ۵ - حجة الاسلام مهدوی‌کنی
وزیر کشور
- ۶ - دکتر هادی منافی
وزیر بهداشت
- ۷ - حسن عارفی
وزیر علوم و آموزش عالی و فرهنگ
- ۸ - نعمت‌زاده
وزیر صنایع و معادن
- ۹ - دکتر حسن عباس‌پور
وزیر نیرو
- ۱۰ - سرهنگ فکوری
وزیر دفاع
- ۱۱ - دکتر قندی
وزیر پست و تلگراف و تلفن
- ۱۲ - موسی کلانتری
وزیر راه و ترابری
- ۱۳ - سلامتی
وزیر کشاورزی
- ۱۴ - میر محمد صادقی
وزیر کار و امور اجتماعی
- ۱۵ - بهزاد نبوی
وزیر مشاور در امور اجرائی
- ۱۶ - حجة الاسلام محمد جواد باهنر
وزیر آموزش و پرورش
- ۱۷ - دکتر احمدزاده
وزیر مشاور و سرپرست صنایع فولاد
- ۱۸ - مهندس خیر
سرپرست سازمان برنامه و بودجه
- ۱۹ - حسین نمازی
وزیر اقتصاد و دارائی
- ۲۰ - کاظم پور اردبیلی
وزیر بازرگانی
- ۲۱ - محمد علی رجائی
نخست‌وزیر
- ۱۰ - پاسخ مهندس بازرگان به شهید رجائی

دبیرکل نهضت آزادی ایران باز هم مثل همیشه بالحنی مشفقانه اتهامات این عضو سابق نهضت و یار قدیم را طی نامه‌ای رد کرد و شواهدی دال بر نفوذ توده‌ای‌ها و مارکسیست‌ها بوی ارائه داد.

متن پاسخ آقای مهندس بازرگان به شهید رجائی چنین بود:

تهران ۶۰/۱/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای محمد علی رجائی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه مفصل مورخ ۶۰/۱/۲۲ بشماره ۲۹۰۶/م و با تشکر، اولاً"

از توجهی که به سخیرانی ۱۲/۱/۶۰ زنجان بنده کرده‌اید و ثانیاً "مطلب و ایرادتان را با خودم در میان گذارده‌اید (صرف نظر از تهدید و پرونده‌سازی آخر) بدینوسیله خیرخواهانه اشعار میدارم:

ظاهراً از نامه چنین بر می‌آید که توجه‌تان بیشتر به تیتراژهای روزنامه میزان بخش آخر سخیرانی رفته‌دقت چندانی در متن و منطق سراسری مقاله نفرموده‌اید و برداشت عمده‌تان این بوده است که غرض گوینده و نویسنده حمله و تضعیف دولت حاضر بوده است در حالی که خوب می‌دانید و در نامه نیز اشاره کرده‌اید که پیشتر و بیشتر از هر کس بنده در اعلام دشمنی و خطرات مارکسیسم برای اسلام و ایران گفته و نوشته‌ام (از جمله در کتاب اسلام یا کمونیسم که خیلی قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ منتشر شد و کتابها بررسی نظریه اریک فروم، علمی بودن مارکسیسم و آفات توحید که قبل از پیروزی انقلاب نوشته شده است و از این جهات مرحوم مطهری تایید و توافق کامل با من داشت).

اگر چنین توجهاتی را کرده بودید بجای گلایه اظهار امتنان هم میفرمودید زیرا که بدون حمله بدولت و وارد شدن در شخصیات (که رنگ غرض و نظر و جنجال آفرینی بی جهت به آن میداد) ملت و دولت را من باب "و ذکر فان الذکری تنفع المومنین" بشیوه پیغمبران خدا نسبت به یک مسئله اساسی عمیق زنده ریشه‌دار و حشتناک مملکت‌انذار و هشدار داده‌ام و بنا به مثل معروف کبک صفت سرزیر برف نکرده بهانه‌هایی از قبیل اینکه خارجیان از یادآوری این حقایق (که خودشان بهتر از بنده و شما میدانند) سوءاستفاده تبلیغاتی می‌نمایند و یا حزب توده تقویت میشود برای خود نتراشیده‌ام. خارجیان بحمدالله! صدها مستمسک و سند برای تبلیغ علیه ما دارند و مارکسیسم هر قدر نقشه و دستش رو شود از قدرت و اثرش کاسته خواهد شد.

اگر به متن و منطق آن مقاله مراجعه فرمائید خواهید دید که اولاً با راهنماییها و افشاگریهای اصولی که از شیوه‌ها و طریقه‌های نفوذ مارکسیسم کرده‌ام شناسائی "خطوات الشیطان" و ذریه شیطان چندان مشکل نبوده، دولت شما و مشاورینتان، اگر بخواهند، قادر به تشخیص آنان هستند. ثانیاً منشاء قضایا را خیلی جلوتر از تشکیل کابینه رجائی و حتی پیروزی انقلاب اسلامی برده‌ام. معذالک و با آنکه

پیشتر و بیشتر از سایرین در این امر پافشاری داشته‌ام برای آنکه در انتشارات و جریانات روزهم ببینید که آنچه در باره رخنه مارکسیسم در نهادها و گردانندگان امورگفته‌ام از طرف نهادهای انقلاب و حزب توده و حتی شخص امام نیز صریحاً، مستنداً و مصراً ابراز شده است و ایراداتان نباید انحصاراً به سخنرانی زنجان و به روزنامه میزان باشد ذیلاً چند نمونه برایتان می‌آورم:

۱- در نشریه نگهبان شماره ۳۵ مورخ ۶۰/۱/۱۲ ارگان کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در مقالاتی تحت عنوان "اسناد رخنه عوامل حزب توده در مراکز مهم" چنین می‌خوانیم: *

"حزب توده پس از انقلاب تمام سعی خود را بر روی نفوذ در نهادهای مختلف گذارد تا از این طریق بتواند قدرت خود را در بین مردم بیشتر نماید. توده‌ایها چهره مذهبی و فریب‌کارانه به خود گرفته و در کارخانه‌ها و نیروهای مسلح، جهاد سازندگی، کلاسهای پیکار با بسواد، مساجد و حسینیه‌ها، انجمن‌ها و شوراهای مدارس و دانشگاهها نفوذ کرده و با صبر و حوصله بسیار یک برنامه درازمدت را جهت جذب اعضاء برای خود پیدا می‌کنند."

همین پیگیریها باعث شده است که تصفیه‌هایی در سپاه پاسداران که یکی از حساس‌ترین و مهمترین نهادهای انقلاب اسلامی ایران است، صورت گیرد. این تصفیه‌ها، که در برخی از مراکز حتی با درگیری‌هایی نیز همراه بوده است (نظیر تغییر فرماندهی سپاه در ارومیه) باعث سروصدا و جنجال و تحریکات وسیع همین عناصر ضدانقلاب و دشمنان انقلاب اسلامی ایران شده است. برای اطلاع شما، یک نمونه اخیر آن را فقط ذکر می‌کنیم:

"سپاه پاسداران ارومیه و سایر نهادهای وابسته بدان در اسفند ماه گذشته بطور وسیع و همه‌جانبه‌ای مورد تصفیه قرار گرفت. و بسیاری

* نشریه نگهبان تحت همین عنوان مقالاتی در شماره‌های ۳۱ تا ۳۹ دارد که برای مزید اطلاعات خوانندگان در پایان این مجموعه عیناً آورده‌ایم.

از افراد مترقی و مبارز آن از جمله شورای فرماندهی سپاه توسط هیئت باصطلاح پاکسازی به سرپرستی "آیت الله محلاتی" از کار برکنار شدند. (کار - ارکان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - سه شنبه ۱۱ فروردین ماه ۶۰ - سال سوم - شماره ۱۰۳ صفحه ۱۷).

ودر همین شماره از "کار"، فحاشی‌ها و تهمت‌ها و افتراهای زیادی به استاندار سابق آذربایجان عربی آقای دکتر جمشید حقگو زده شده است. همین شورای فرماندهی تصفیه شده در طی دو سال گذشته مرتباً در بسیاری از خرابکاریها بطور غیر مستقیم دست داشته است. شما می‌توانید گزارش مبسوط عملیات این عناصر را از استاندار سابق و همچنین آقای ملاحسنی نماینده ارومیه بخواهید.

۲- چند شماره از "نامه مردم" ارگان حزب توده را پیوست کرده‌ام تا بفهمید پیگیری کرده ببینید آیا ادعای حزب توده در مورد افراد وابسته بخود تا چه حد درست است و این افراد تحت چه پوششی به جبهه‌های جنگ رفته‌اند. آیا مستقیماً بنام واحد حزب توده رفته‌اند یا از طریق رخنه در نهادهای انقلابی؟ البته ممکن است آقایان بفهمند که چه شکالی دارد آنها رفته‌اند به جبهه جنگ و علیه دشمن جنگیده‌اند و کشته شده‌اند، در آن صورت باید این امر را با صراحت بیان کرد و از بیان و بازگو کردن و گوشزد نمودن آن به مردم ناراحت نشد و آنرا دلیل، "بی‌اعتباری" معرفی نکرد. *

۳- امام در پیام اخیر خود بمناسبت سومین سالروز جمهوری اسلامی ایران مثلاً در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته‌اند که:

"بعضی از پاسداران در بعضی نقاط کشور از طریق اعتدال و شرع خارج و از ما موریت قانونی خود تجاوز و در اموری که مربوط به دادگاهها یا نهادهای دیگر میباشد دخالت ناروا میکنند، بر روسای پاسداران در سطح کشور است تا از این نحو دخالتها که خلاف قانون و خلاف طریقه اسلام است جلوگیری و خودداری نمایند. و اگر بعضی اشخاص

* کیی روزنامه‌های "مردم" در بخش ضمیمه در این مجموعه آمده است.

این نحو دخالت‌هایی کنند و ممکن است از گروه‌های منحرف بین آنان رخنه کرده باشند آنان را تصفیه نموده و اگر خلاف انجام داده‌اند تحویل دادگاهها نمایند".
سپس امام اطهار نگرانی کرده‌اند که:

"این ارگان فداکار مومن و متعهد حیثیت خود را در بین ملت از دست بدهد و نفوذ افراد بعضی از گروه‌های منحرف و اعمال خلاف عقل و شرع آنان خدای نخواستہ این جوانان عزیز انقلابی را بدنام کنند".
امام در اجتماع انجمن‌های اسلامی در رابطه با نفوذ عناصر منحرف و غیر متعهد به اسلام و دشمن انقلاب اسلامی چنین فرموده‌اند:

"توجه‌باین معنی باشد که در این انجمن‌ها اشخاص منحرف غیر متعهد به اسلام بلکه دشمن به اسلام نباشد. آنهایی که میخواهند اسلام در این کشور تحقق پیدا نکند و از اسلام سیلی خورده‌اند آنها در همه جاهائیکه با اسم اسلام یک انجمنی و مساجدی است و جاهائی دیگر کوشش دارند که در آنها نفوذ کنند".
در همین پیام باز آمده است:

"مکرراین مطلب بمن گفته شده است که در انجمن‌های اسلامی اشخاصی هستند که اسلامی نیستند، اشخاصی هستند که به نام اسلام و صورت اسلام در این انجمن‌ها آمده‌اند و میخواهند انحراف ایجاد کنند".
در سخنان امام خطاب به جمع پرسنل شهربانی و افراد پلیس تهران در ۵/۱۲/۵۹ آمده است:

"شماها یک مردم صحیح، یک مردم صادق و صاف دل هستید و بعضی از سیاسیونی که نفوذ پیدا کرده‌اند از طرف اجانب در بعضی از جاها اینها یک مردم شیطانی هستند و میخواهند با همان مسائل شمارا وادار کنند در سیاستهای شیطانی و افتراق بین شما بیاندازند".
همین مضامین را امام در سخنان خود خطاب به پرسنل نیروی هوایی در ۲۰/۱۱/۵۹ عنوان کرده‌اند:

"شما آقایان توجه داشته باشید که یک‌گرایشهای سیاسی، یک تبلیغات

سیاسی در ایران هست و شاید گروهها و یا اشخاصی بیایند در بین شما نفوذ کنند در بین شما، و با آن دیدهای سیاسی که انطباق با دین اسلام ندارد، سیاستهای شرقی یا غربی مسائل را القاء کنند. شما در این گرایشهای سیاسی و در این مسائل سیاسی وارد نشوید. دیدهای سیاسی را داشته باشید، مطالعات سیاسی مانع ندارد".

باز امام در جای دیگری خطاب به شورای عالی تبلیغات اسلامی در ۵۹/۱۱/۱۸ بر مسئله رخنه عناصر نایاب و دشمنان انقلاب اسلامی ایران در ارگانها و نهادهای انقلابی تاکید نموده‌اند:

"نه اینکه ما نمیدانیم که الان ما گرفتاریهایی داریم و اشخاص فاسدی هستند که در همه ارگانها نفوذ کردند، در همه کمیته‌ها، در همه دادگاهها، در همه جاهای دیگر نفوذ کردند، و برای خاطر مشوه کردن این جمهوری کارهای خلاف میکنند".

امام با توجه باین مسائل و ضرورتها در گفتاری در ۵۹/۱۱/۱۶ به مسئولین کشور هشدار شدیدی در همین مورد داده‌اند که لابد خوانده‌اید و به عمق گفتار ایشان توجه کرده‌اید.

امام خطاب به دولتمردان می‌گوید:

"باید این سران و دولتمردان شم سیاسی پیدا کنند، اینهاشم سیاسی ندارند. توجه به مسائل و مسائلی که برای این کشور است ندارند. اینها را اشخاصی که تعهد به اسلام ندارند تحریک می‌کنند چه از خارج و چه از داخل و به جان هم می‌اندازند و برخلاف مصالح کشور خودشان عمل میکنند".

بالاخره با ارسال سند پیوست توجه شما را به مفاد آن جلب مینماید. این مطالب در هزاران نسخه چاپ و در سر تا سر ایران پخش شده‌اند و بدست نه تنها هزاران هموطن ایرانی رسیده است، بدست دهها خبرگزاری خارجی هم افتاده است. در صورتیکه جنابعالی علاقه‌ای به پیگیری قضیه داشته باشید میتوانید با شخص نویسنده این مقالات تماس بگیرید و مدارک لازم را از نامبرده دریافت

نمائید. *

گمان می‌کنم توضیحات و شواهد فوق کافی برای رفع شبهه و کدورت و غفلت از ذهن آن یار قدیم و برای راهنمایی به آنچه وظیفه اسلامی و ملی هر دوی ما است کافی باشد. معذالک اگر اصرار بداشتن نام یا نشان افرادی هم داشته باشید میتوانیم قرار ملاقاتی بگذاریم.

با سلام و آرزوی توفیق در آنچه رضای حق و خیر ملت ایران است.

مهدی بازرگان

رونوشت:

- ۱- هیئت بررسی حل اختلافات، حضرت آیت الله مهدوی کنی - حضرت آیت الله اشراقی - حضرت آیت الله محمد بیزدی.
- ۲ - حضرت آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور.

۱۱ - پیامدهای این پاسخ

اگرچه بعد از ارسال این نامه پاسخی از نخست‌وزیر اسبق دریافت نشد و از اقدامات ایشان اطلاعی بدست نیامد ولی شاید اثر این نامه بود که شهید رجایی خود چندی بعد در سمینار مسائل کارگری در تاریخ ۶۰/۲/۲۹ خطرات حزب توده را بکارگزار گوشزد نموده و چنین گفت:

"مخالفین اصلی انقلاب در محیط‌های کارگری، سازمانهای سیاسی در حد بالایی هستند از جمله حزب توده را می‌شود نام برد و برای پاکسازی محیط ضرورت دارد که به این گروه توجه خاص شود. آنها که با ما مبارزه مسلحانه می‌کنند، شناخته شده هستند و حرفشان معلوم است ولی آنچه که برای ما مطرح است گروه‌هایی هستند که مودیانه عمل می‌کنند و متاسفانه خودشان را در خط امام معرفی میکنند و از خدای امام گرفته تا مستضعف امام به هیچ کدام اعتقاد ندارد. اینها از دشمنان سرسخت اسلام هستند و به اعتقاد من اینها کسانی هستند

* توضیحات در باره این سند در پاورقی شماره ۳۳ آمده است.

که مستقیماً از خارج از کشور دستور میگیرند و هرگاه دستور سازش باشد در مقابل بزرگترین حملات شما صبر می کنند و اگر دستور حمله باشد مظلومترین افراد جامعه اسرمی برند اینها در دو دوره مشخص خودشان را شناسانده اند .

در دوره نهضت دکتر مصدق اینها لحظه ای مجال ندادند به این مرد که به کار مبارزه با انگلستان بپردازد . هر روز که به خیابان می آمدم از صبح روزنامه چلنگر و به سوی آینده پخش می شد و در معرض دید قرار می گرفت و اعتصابات کارخانجات را راه می انداختند و آنقدر پیش می رفتند برای بیمایه کردن مسئله دولت که حتی سئوالات امتحانات نهائی را هم در بین بچه ها پخش میکردند . هر شب در خیابانها درگیری بوجود می آوردند . شاه و پلیس به اینها می خندیدند و اینها به جان نیروهای ملی می افتادند . اینها به میان مردم میرفتند و تبلیغ میکردند و می پرسیدند آیا خدا هست؟ در نتیجه بزرگترین نیروهای مادر آن موقع مجبور شدند در جهت اثبات وجود خدا کتاب بنویسند از قبیل آقای مهندس مهدی بازرگان و عبدالعلی کافی و بسیاری از دوستان دیگر . . . " (۳۴)

حزب توده که ناآزمان از خط و گرایش دولت حمایت میکرد بمقابله با مرحوم رجائی پرداخت و تحت عنوان "از اظهارات آقای رجائی علیه حزب توده ایران متعجب و متأسفیم و نسبت به آن بشدت معترضیم" ضمن رد سخنان نخست وزیر اسبق ویرا به پیروی از خط امام دعوت کرد و نوشت :

"آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر، در سمینار بررسی مسائل کارگری، که اخیراً در سالن اجتماعات وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل شد، طی نطقی از جمله گفت :

"مخالفین اصلی انقلاب در محیط های کارگری سازمانهای سیاسی در حد بالائی هستند، از جمله حزب توده را می شود نام برد و برای پاکسازی محیط ضرورت دارد که به این گروه توجه خاص بشود . آنچه برای ما مطرح است گروههایی هستند که مودیانه عمل می کنند و متأسفانه

خودشان را در خط امام معرفی می‌کنند و از خدای امام گرفته تا مستضعف امام به هیچکدام اعتقاد ندارند. اینها از دشمنان سرسخت اسلام هستند و به اعتقاد من اینها کسانی هستند که مستقیماً از خارج از کشور دستور میگیرند و هرگاه دستور سازش باشد در مقابل بزرگترین حملات شما صبر می‌کنند و اگر دستور حمله باشد مظلومترین افراد افراد جامعه را سر میبرند و در دو دوره مشخص خودشان را شناسانده‌اند. در دوره نهضت دکتر مصدق اینها لحظه‌ای مجال ندادند به این مرد که بکار مبارزه با انگلستان بپردازد." (میزان ۶۰/۲/۳۰)

ما معمولاً به ناسزاگوئی‌هایی که علیه حزب توده ایران میشود کمتر پاسخ میدهم، ولی موقعی که گوینده نخست‌وزیر باشد، از بررسی مطلب و دادن پاسخ ناگزیریم.

خلاصه سخنان آقای رجائی علیه حزب توده ایران چنین است:

اولاً - یکی از "مخالفین اصلی انقلاب" حزب توده ایران است.

ثانیاً - در "پاکسازی محیط" باید به توده‌ایها "توجه خاص بشود."

ثالثاً - حزب توده ایران نه تنها به "خدای امام" حتی به "مستضعف امام" نیز اعتقاد ندارد.

رابعاً - این حزب "مستقیماً" از خارج از کشور دستور میگیرد " و اگر دستور حمله داده شود "مظلومترین افراد جامعه را سر میبرد".

و دلیل هم‌این افتراها و ناسزاگوئیها هم اینست که حزب توده ایران "به مصدق مجال نداده که این مرد بکار مبارزه با انگلستان بپردازد. . . ."

بشدت متعجب و متأسفیم که نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران مطالبی میگوید که نه بسود انقلاب است، نه با واقعیت مطابقت دارد و نه با موازین معمولی رفتار اجتماعی، زیرا که:

۱ - "دشمن اصلی انقلاب" امپریالیسم، سرکردگی آمریکا است و نه حزب توده ایران، که دفاع جانانه‌اش از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مشهور خواص و عوام ایران و پنج قاره جهانست.

چه چیزیک مقام مسئول و متعهد را مجبور میکند که مزدوست و دشمن

را مخدوش کند و دوست صمیمی و فداکاری چون حزب توده ایران را، که گروهی از بهترین فرزندانش در جبهه جنگ برای دفاع از انقلاب جان می‌دهند، در صف "مخالفین اصلی" بنشانند؟

۲- دستور "توجه خاص" به توده‌ایها در امر "پاکسازی محیط" قبل از هر چیز برخلاف عدل و قسط و منافع انقلابیست، زیرا نمی‌توان جمعی از صادق‌ترین و فداکارترین مدافعان انقلاب را به "گناه" داشتن جهان‌بینی سوسیالیسم علمی، از صف مدافعان انقلاب طرد کرد. علاوه بر این، پاکسازی شدن بعثت توده‌ای بودن، نقض قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که تفتیش عقاید را ممنوع می‌کند. همین چند روز پیش بود که رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور گفتند کسی را که هوادار انقلاب است، به جرم داشتن عقاید سیاسی معین نمیتوان از کار اخراج کرد. پس چگونه میتوان توده‌ایها را، که در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان خود را بر طبق اخلاص نهاده‌اند، مشمول پاکسازی کرد؟

۳- هزار بار اعلام کرده‌ایم که حزب توده ایران حزب مذهبی نیست، حزب سیاسی است، حزب طبقه کارگر است. ضمن اینکه در صفوف حزب ما کارگران و زحمتکشانی هم وجود دارند که یا مسلمان‌اند و یا از ادیان و مذاهب مختلف دیگر پیروی میکنند.

واما در مورد اعتقاد داشتن توده‌ایها به "مستضعف امام" باید بگوئیم که حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، حزب همه مردم زحمتکش و محروم این جامعه است. ما حزب همان طبقه‌ای هستیم که امام خمینی آنها را "کوخ‌نشینان" و "گودنشینان" می‌نامد و یک موی آنها را بالاتر از همه کاخ‌نشینان میداند. حزب ما با تمام تار و پود وجودش، با سیاست و جهان‌بینی خودش، با طبقه کارگر و همه زحمتکشانی و فکری ارتباط ناگسستگی دارد. حزب مادر راه دفاع از همین مستضعفین در طول چهل سال زندگی خود، هزارها قربانی داده است.

چگونه می‌توان چنین حزبی را مخالف مستضعفان نامید؟

۴- مطالبی که آقای رجائی در مورد "سربریدن" گفته‌اند، چنان عجیب است که انسان از سخن گفتن باز می‌ماند. ایشان باید بدانند و خوب میدانند که توده‌ایها "سربر" نیستند و تاکنون سر کسی را نبریده‌اند و برعکس همیشه سر توده‌ایها بوده که بوسیله دشمنان استقلال و آزادی و ترقی ایران بباد فنا رفته است.

چگونه میتوان چنین اتهام فجیعی را به حزب توده ایران زد؟
 ۵- "گرفتن دستور مستقیم از خارج از کشور" نیز افترای کهنه‌ای است که ۶ سال است درباره حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، از جانب دشمنان مردم ایران، تکرار میشود. بغایت تعجب‌آور و تاسف‌انگیز است که نخست‌وزیر حکومت انقلابی ایران، با الفاظ و اصطلاحات و سلاحهای ساخت خبیث‌ترین دستگاههای امپریالیستی و طاغوتی علیه مبارزترین و با سابقه‌ترین حزب کشورمان سخن بگوید.

۶- درباره "مجال ندادن" به دکتر مصدق برای "مبارزه با انگلستان" یعنی در واقع مبارزه حزب توده ایران در دوران نهضت ملی کردن نفت و مناسبات آن با دولت دکتر مصدق، ما بارها و بارها توضیح داده‌ایم و آخرین آن کتاب "تجربه ۲۸ مرداد" است. باید تاریخ را بدون پیشداوری خواند و آنوقت قضاوت کرد. چگونه میشود به حزبی که پرچمدار مبارزه با امپریالیسم انگلستان و امپریالیسم آمریکا بود، حزبی که حداقل سه بار حکومت دکتر مصدق را از سقوط نجات داد، حزبی که در آستانه کودتای ۲۸ مرداد تنها سازمان سیاسی پشتیبان دکتر مصدق بود، حزبی که بر اثر کودتای ۲۸ مرداد، دهها نفر از بهترین اعضایش، که بهترین فرزندان این خلق نیز بودند، تیرباران شدند و صدها نفر از آنها را به سیاهچالهای زندان افکندید، چنین نسبتی داد؟

۷- در شرایط کنونی که ما با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم بسرگردگی آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، و ضدانقلاب پرورده‌اش روبرو هستیم، در شرایطی که طبق فرمان امام خمینی میباید محیط آرامش برقرار

باشد، از اختلاف و تشدید اختلاف بین نیروهای هوادارانقلاب پرهیزشود، تمام نیروهای انقلاب، صرفنظر از عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، باید علیه دشمن اصلی، علیه جنگی که توسط دشمن اصلی بد میهن انقلابی ما تحمیل شده، بسیج و متحد شوند، ناسزاهو افتراهای آقای رجائی به یکی از گردانهای اصلی مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - حزب توده ایران - بسود چه کسی تمام میشود؟ ما از اظهارات آقای رجائی علیه حزب توده ایران بغایت متعجب و مناسفیم. مانسبت به این اظهارات خلاف واقع، غیرمنصفانه و افترا آمیز بشدت معترضیم. ولی ما، علیرغم همه اینها، از راه راست خود منحرف نخواهیم شد و مشی اصولی و انقلابی خود را با پیگیری ادامه خواهیم داد. پشتیبانی بیدریغ حزب توده ایران از انقلاب جمهوری اسلامی ایران نه از ترس، نه از روی ریا و نه به امید چشم خاصی است. ما توده ایها دهها سال است در پیشاپیش کاروان انقلاب همراه با خلق خود، به پیش میرویم. ما در این راه دشنام و افتراها، تبعیدها و زندانها، شکنجهها و اعدامها را تحمل کرده ایم، ما در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز آماده تحمل هرگونه ناملایمی هستیم، زیرا که در طریقت ما کافری است رنجیدن! ولی مایار دیگر کلام حکیمانه امام خمینی را یادآور میشویم که خلق ما با وحدت انقلاب کرده و بر طاعت و شیطان بزرگ پیروز شد و خلق ما فقط با وحدت خواهد توانست انقلاب را به پیروزی قطعی و نهائی برساند.

امید و انتظار داریم که آقای رجائی، بعنوان نخست وزیر بیروخط - امام، کلام حکیمانه امام خمینی را همواره در مدنظر داشته باشند". (۳۵)

البته خوانندگان عزیز این مجموعه میتوانند ادعای حزب توده مبنی بر "پرچمدار مبارزه با امپریالیسم انگلستان" بودن را با محک نوشتار آقای احسان - طبری" به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافی قائلیم و بر علیه آن

صحبتی نمی‌کنیم" (۷) آزمایش کرده و صداقت توده‌ایها در "دفاع جانانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران" را با دقت در اعترافات اخیر سران حزب آرزویابی کنند.

۱۲ - تذکرات ما پس از خرداد ۶۰

حوادثی که در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ در کشور رخ داد، بتوقیف روزنامه‌میزان منجر شد و دیگر قلمی آزاد نبود که بتواند از برناسه‌ها و نقشه‌های ایادی شرق و غرب و توده - نفتی‌ها پرده بردارد. اگر چه "نامه مردم" نیز توقیف شد ولی نشریات متعدد حزب توده و سایر گروههای مارکسیستی از قبیل "اتحاد مردم"، "کار" (ارگان چریکهای فدائی اکثریت) مانند گذشته به سیاست تفرقه‌افکنی، فحاشی، تبلیغ و ترویج جاسوسی و القاء ایدئولوژی ادامه داده و خدمتگزاران مردم و انقلاب اسلامی را گستاخانه مورد یورش قرار میدادند. و این روش شوم در حالی ادامه داشت که برخی افراد و احزابی که سالها سابقه مبارزه با استبداد و الحاد و خدمت با اسلام را داشتند از داشتن روزنامه محروم بوده و نمی‌توانستند در برابر خیانت‌ها، بیگانگی‌پرستی‌ها، فحاشی‌ها، تهمت‌ها و سمپاشی‌های این گروه از جمهوری اسلامی و خود دفاع کنند.

روشهای ضد اسلامی تهمت و افتراء که از همین گروهها نشئات میگرفت حتی کسانی چون سردار شهید اسلام دکتر چمران را که با خالصترین وجه ممکن در جبهه‌ها علیه دشمن متجاوز می‌جنگید در بر گرفته بود تا آنجا که همزمان با تهمت‌ها و فحاشی‌های مطبوعات و رادیوی ملی و صدای فارسی رادیو مسکوبرخی از محافل وابسته به گروههای اسلامی نیز تا آخرین روز شهادت دکتر چمران او را جاسوس موساد و سیا معرفی کرده و خواستار محاکمه و اعدام او بودند.

در این دوره نهضت آزادی ایران تنها میتوانست بوسیله نشریات زیراکسی (بدلیل عدم چاپ نشریات آن توسط چاپخانه‌ها) خود به مسئولان دولتی هشدار دهد که این عمل نیز عکس‌العمل‌هایی از قبیل حملات مکرر بدفتر نهضت و حادثه شرم‌آور لیلہ القدر را بدنبال داشت.

ولی علیرغم این برخوردهای خلاف قانون و تضییقات فراوان علیه نهضت

وفقدان امکانات وسیع، همچنان به انجام وظائف خود در شناساندن چهره‌های مختلف دشمنان انقلاب اسلامی ایران ادامه دادیم. از جمله آقای مهندس صباغیان در جلسه ۶۰/۱۰/۱۰ در مجلس شورای چنین گفت:

گروه دیگر که به توده نفتی معروفند و رهبر انقلاب هم بارها از آنان بعنوان "مارکسیست‌های امریکائی" نام برده‌اند تحت پوشش ظاهر فریب همراهی با انقلاب بصورت خزنه و نفوذ در نهادها بتوطئه پرداختند تا بتوانند علاوه برمختل کردن امور از داخل، محتوای اسلامی انقلاب را از بین ببرند و در هنگام مقتضی ضربات لازم را برپیکر اسلام و انقلاب اسلامی وارد آورند و مجدداً "مملکت را بدست ابرقدرتها یعنی اربابان خود بسپارند... . . . جریان خزنه توده - نفتی‌ها مقاصد خود را در خالی ساختن انقلاب از محتوای اسلامی آن دنبال میکنند و قصد دارند فرهنگ الحادی و مادیگری را جانشین آن کنند. واژه‌های قرآنی را از مابگیرند و واژه‌های مکاتبی که منکر خدا، وحی، نبوت و معادند، بما بدهند و یا مثله ساختن سخنان رهبر انقلاب و مسخ واقعیت‌های تاریخی انقلاب، لکه‌دار نمودن خدمتگزاران صدیق اسلام و ایران و جوسازیها و بالاخره نابود ساختن تدریجی اسلام و انقلاب اسلامی را دنبال می‌کنند... . . .

خط مشی کلی جریان توده - نفتی اقدام به جنگ سیاسی - روانی مستمر می‌باشد و همگام و همزمان با صدای آمریکا، صدای اسرائیل، بی‌بی‌سی لندن و صدای ملی به نشر اکاذیب و شایعه‌پراکنی می‌پردازد... . . . کافی است که در مطبوعات، این جریان که تعدادشان هم کم نبوده و در حال حاضر هم منتشر میشوند جستجو کنیم و موضع‌گیری‌های ریاکارانه و مرموز آنها را در برابر موضوعات و مسائل مختلف انقلاب بررسی کنیم... . . .

دست جنایتکار ابرقدرتها از آستین توده - نفتی‌ها بیرون آمده و

این جریان خزنده در کارهای برخی از ارگانها و نهادهای انقلابی مشغول توطئه است..."

ما در "توضیح نهضت آزادی ایران پیرامون مکتوب هفته اطلاعات" مورخ ۶۰/۱۰/۱۷ تذکر دادیم که:

"هشدار مبادا فریب قسم و آیه و سوگندهای او (نویسنده "نامه مردم") که مدعی خط امام است بخورید... صحبت از طیف وسیع شیوه‌های عملکرد دشمنان انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری خائن و وابسته حزب توده است. صحبت از آن است که دشمنان انقلاب اسلامی از جمله عناصر و ایادی وابسته به امپریالیسم آمریکا همان‌ها که از بدو انقلاب تاکنون مسلحانه در برابر انقلاب ایستاده‌اند و عمل می‌کنند زیر پوشش چپ و چپ‌نمائی، زیر پوشش کمونیسم و مارکسیسم، زیر پوشش افراطی‌ترین شعارها رفته و در برابر انقلاب ایستاده‌اند... صحبت از وابستگی به ابرقدرتهای شرق و غرب است که در هر حال دو روی یک سکه هستند..."

نهضت آزادی ایران در قطعنامه کنگره سوم خود رسماً اعلام نموده که: "نهضت آزادی ایران، احزاب و گروههای الحادی را که در مراسم اعتقاد و اعتراف به خدا و انبیاء وجود ندارد و رسماً و علناً مبلغ و مدافع سیاست‌های بیگانه هستند و منافقانه خود را پیرو خط امام و جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند و منشاء اتهامات و تهمت‌ها و اشاعه اکاذیب علیه انقلاب اسلامی ایران هستند و تاکنون از هرگونه ضربه زدن به انقلاب و تلاش برای به بن‌بست کشانیدن آن خودداری نکرده‌اند شدیداً محکوم می‌نماید."

نهضت در نشریه "پاسخ به حملات وسیع" چنین نوشت که:

"حزب توده که این چنین به نهضت آزادی حمله و بعضی گروههای اسلامی و روحانیت را تایید و حمایت می‌کند در واقع نه بخاطر اعتقادی است که به امام یا آن احزاب و گروههای اسلامی و یا روحانیت دارد بلکه دقیقاً بخاطر تشدید بحران در میان مسلمانها

می‌باشد. پایان چنین خطی تشنت و فرسودگی و نابودی تمامی نیروهای مؤثر اسلامی و یکپارچه و محفوظ ماندن نیروهای کمونیستی آنها خواهد بود."

۱۳ - اعترافات سران حزب خائن توده

سرانجام بمصداق *وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدُوا دُؤْلَهُمْ وَلَكُمَّ عَذَابٌ مُّهِينٌ* . (۳۶) کوس رسوائی گروههای مارکسیستی از جمله حزب توده و چریکهای فدائی اکثریت بصدا درآمد و صدق گفتار و خیرخواهی نهضت با اعترافات به آذین، کیانوری، عموی و... و حمایت بیدریغ چریکهای - فدائی اکثریت از آنان بر همه آشکار شد.

۱ - ۱۳ قائم پناه

قائم پناه یکی از سران حزب توده ضمن اعتراف بجاسوسی برای اتحاد جماهیر شوروی چنین گفت:

"در موارد جاسوسی میشود این مورد را روی سه محور تقسیم کرد .
اول - عضویت اعضای رهبری مرکزیت حزب در سازمانهای جاسوسی بلوک شرق و اتحاد شوروی .
دوم - جمع آوری اخبار بطور کلی در داخل حزب و جمع شدن این اخبار و اطلاعات در شبکه اخبار و اطلاعات و رسیدن بدست مرکز یعنی کمیته مرکزی حزب و شخص کیانوری .
من بعلت شغل و مسئولیتی که در کمیسیون رسیدگی و بازرسی داشتم به بسیاری از شهرستانها و سازمانهای حزبی سرکشی کردم و در آنجا در حوزههای حزبی و در جلسات حزبی کاملاً "دیدم اصولاً" یکی از وظایف اعضاء حزب این بود که موقعی که به جلسات می آیند گزارش بدهند که در این هفته از کجا خبر جمع آوری کردند یا در کدام نهاد آشنا دارند و نفوذ کردند . و تمام این اخبار بترتیب جمع میشود و به مرکز حزب می آید و بصورت کلیاتی از اخبار ، طبقه بندی شده

بدست رهبری حزب میرسد .

نفوذ حزب توده در نهادها و ارگانها

طرف دیگر آشنائی‌هایی که اعضای حزب داشتند یا عوامل نفوذی که حزب در داخل نهادها و ارگانها و یا اشخاص شناخته نشده داشت تمام این اخبار در اختیار دبیر اول قرار میگرفت و او هم بموقع خودش این اخبار را به سفارت میداد .

بطورکلی میشود گفت که از حزب یک شبکه وسیع جمع‌آوری اخبار و اطلاعات تشکیل داده بودند که یک‌عده جوان بیگانه که واقعا" تصورات نادرستی از حزب دارند و داشتند اینها می‌آمدند و عملا" در جریان جاسوسی و جمع‌آوری اخبار بنفع یک کشور بیگانه قرار میگرفتند که شاید قسمتی از این اخبار هم به سفارت افغانستان داده میشود .

مثلا" خود همین شخصی که در این شرکت بود و اخبار را از من میگرفت و به سفارت شوروی می‌برد در باره اینکه با سفارت افغانستان هم رابطه دارد که من در بازجویی خودم مفصل این جریان را گفتم رسما" خودش بیان کرد که یک ملاقاتی داشته و اینطور تبادل اخباری با سفارت افغانستان داشته است . " (۳۷)

۲ - ۱۳ - شلتوکی

شلتوکی چهره دیگری از رهبران حزب توده در رابطه با جاسوسی برای شوروی ، جمع‌آوری سلاح و مقابله با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اینگونه اعتراف کرد که :

جاسوسی برای بیگانگان

مسئله مهمتر از همه آنها مسئله جاسوسی است ، که واقعا" انسان شرم دارد از بیان جاسوسی ، من گویاترین مثالی که برای شیوه جاسوسی میتوانم به زبان بیاورم عبارت از اینکه در جامعه خودمان ضرب‌المثل فوق‌العاده جالبی است که بچه‌های ناخلفی که موقعی که شیر مادرشان را می‌خورند پستان مادر را گاز میگیرند اینها زبازند عام و خاص‌اند . بنظر من هیچ لفظی و هیچ مثالی گویاتر از این برای لفظ جاسوسی نیست که یک انسان از دسترنج زحمتکشانش یک آب و خاک یک مملکت

اعاشه وزندگی کند ، از آب و هوای یک مملکت پرورش پیدا کند و بعد با تمام قدرت بر علیه منافع همین مردم ، همین مردمی که با همه قدرت با قوای خودشان انقلاب کردند بدون اینکه این گروهکها کوچکترین نقشی در این انقلاب داشته باشند و حالا حاصل مبارزات اینها را بدست جاسوسی و بدست خیرچینی سپردن آیا این کار انسانیت است؟ این کاری است که میتوان اسمی بر روی آن گذاشت

جاسوسی یکی از آن مواردی است که جز خیانت هیچ نامی نمیشود بر روی آن گذاشت . بخصوص با فرهنگ جامعه ما که ما جاسوسی را بد میدانیم . کسیکه محرم خانه خودش است . کسیکه محرم زندگی خودش است خیانت بخاواده اش و به حریم خودش گناه نابخشودنی است .

جمع آوری سلاح در حزب

مسئله بعدی که باید به آن اشاره کنم ، مسئله تهیه سلاح بود . حزبی که میبایست بعنوان یک حزب در درون یک حاکمیت طبق تعهداتی که نسبت به قوانین آن مملکت بعهدده دارد باید عمل کند آیا ما چنین کردیم ؟ بنظر من نه . ما در واقع هر جا که توانستیم مثل یک دولت کوچک و ناتوان عمل کردیم ، در قبال یک دولت دیگر . ما حاکمیت را نقض کردیم ما روی قوانین پا گذاشتیم یک حزب قانونی که بشکل قانونی در درون یک جامعه می خواهد زندگی کند تهیه سلاح چه معنایی دارد ؟ گیرم امروز این سلاح مصرف نداشته باشد ولی آیا در درازمدت تهیه این کارها و توجیه اعمالی از این قبیل که از اول من دانه دانه آنرا برش مردم همه اینها بشکل تصادفی در کنار همدیگر قرار گرفته بودند ؟

نه ، بنظر من همه این اعمال هر کدام در جای خودشان بطور حساب شده و از قبل پیش بینی شده و طرح ریزی شده عمل کردند . و این نیست مگر اینکه انسان یکبار و برای همیشه با عملی از این قبیل خط بطلان یکشد و اعمالی از این نوع را برای همیشه محکوم کند .

اگر هدف انسانیت است ، اگر هدف رفاه انسان است چه چیز میتواند

مانع این‌شود. آنجائی که تعلقات فکری، حزبی مانعی بر سر راه یک چنین هدف‌والا و بزرگی بشود، براحتی انسان میتواند پا روی تعلقات فکری و حزبی بگذارد. " (۳۸)

۳-۱۳ عموئی

عموئی از رهبران سابقه‌دار حزب درباره اقدامات حزب توده در فریب‌کاری، جمع‌آوری اسلحه، وابستگی بشوروی چنین اظهار نظر کرده‌که:

"عمل چه بود، یکدنیا دروغ و فریب، یکدنیا ریا، طوماری از خیانت و اقدامات غیرقانونی، به وزارت کشور ریاکارانه لیست ۲۴ نفری را بجای صورت اسامی تمام رهبری حزب ارائه میدهد. داعیه قانونیت دارد و سعی میکند پروانه فعالیت قانونی برای حزب دریافت کند ولی همزمان به سازمان‌دهی تشکیلات مخفی می‌پردازد.

رعایت مقررات و ضوابط را ادعا میکند ولی سعی در نفوذ و رسوخ در ادارات و ارگانها از طرق غیرقانونی دارد. بخشنامه درون حزبی دایر بر منع نگهداری سلاح برای اعضاء صادر میکند ولی در عمل مانع از تحویل سلاح موجود میشود و حتی به اعضا خودش هم دروغ میگوید. بر استقلال و همستگی با اصطلاح احزاب برادر تاکید میورزد ولی آنچه در عمل انجام میدهد دستورالعملی است که از طریق تماسهای پنهانی از شوروی دریافت میکند.

وابستگی حزب به شوروی

درجه وابستگی را به آن حد میرساند که جاسوسی یکی از وظائف اساسی او میشود. واقعیت اینست که درجه وابستگی حزب به شوروی از همان آغاز فعالیت بحدی بود که بصورت صفت مشخصه آن در آمده بود. نظری اجمالی بر آغاز فعالیت حزب نشان دهنده این واقعیت است که شعب و دفاتر آن بدوا "در چه شهرها و مناطقی، رشت، انزلی، آستارا، پدیدار میشود. بطور کلی استانهای گیلان و مازندران و آذربایجان نخستین مناطق و استانهای بودند که فعالیت حزب در آن نقاط آغاز شد. " (۳۹)

و بلاخره کیانوری دبیر اول حزب توده ایران خیانتها و تخلفات خود در حزب توده ایران را بتفصیل ذیل بیان کرده و برای جوانان حزب پیام فرستاد . متن اعترافات کیانوری از آموزنده‌ترین و هشدار دهنده‌ترین مطالبی است که میتواند راهنمای آینده دولتمردان و حتی نسلهای آینده باشد . ما بدلیل اهمیت این اعترافات قسمتی از آن را ذیلاً نقل میکنیم :

محور تخلفات عمده ما

" این تخلفاتی که ما کردیم . من در ۶ محور عمده اینها را خلاصه کردم . البته باین معنی نیست که ما غیر از این ۶ محور عمده تخلف دیگری نداشتیم . بلکه تخلفات دیگری هم داشتیم ولی بنظر من ۶ مورد عمده‌ترین و تعیین کننده‌ترین محورهای تخلفات ما بوده است . اولین و شاید مهم‌ترین تخلف ما عبارتست از زیر پا گذاشتن شعار عمده و اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که بوسیله امام خمینی اعلام شد و بعد رسمیت کامل یافت .

شعار نه شرقی نه غربی . این شعار نه شرقی نه غربی مفهوم درستش این است که افرادی که در ایران هستند و مطابق قوانین ایران حق فعالیت آزاد سیاسی دارند اینها میبایستی اجتناب کنند از هرگونه تماس با کشورهای خارجی ، با نیروهای خارجی اعم از شرق یا غرب ، اعم از ابرقدرت آمریکا یا ابرقدرت شوروی . ما این شعار را در حرف پذیرفتیم ولی در عمل بعلت آن چسبندگی و وابستگی که طی چندین ده سال بین حزب ما و حزب کمونیست اتحاد شوروی برقرار شده بود نتوانستیم خودمان را از این وابستگی خلاص کنیم و صرفاً در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران فعالیت سیاسی خودمان را آنقدر که قانون اساسی اجازه میداد انجام دهیم . نتیجه این شد که ما بگمراهی افتادیم و این گمراهی ما را روز بروز بطرف عمق بیشتری یعنی ورطه خطرناکتری کشاند . یعنی در فعالیت ما دیگر مسائل سیاسی جای خودشان را در مواردی بمسائل جاسوسی و خیانت به جمهوری اسلامی

کشاند و من در موارد مشخص درباره‌ی جوئی‌ها روی این نکته‌ها تکیه کردم و مسائلی از قبیل مسائل مربوط به نظامی، سیاسی در گزارشهای ما بطرف شوروی داده می‌شد.

موارد جاسوسی

سپس کیانوری موارد جاسوسی را بشکل کلی بیان کرد و گفت:

"موارد جاسوسی در زمینه‌های نظامی و سیاسی بوده است یعنی مسائلی مربوط به موقعیت نظامی ایران و نیروهای نظامی و مسائلی مربوط به سیاست کلی ایران. آنچه که مربوط به سیاست کلی بود در یک تحلیل‌هایی از طرف من بطور کلی تهیه میشد و هر چند وقت یکمرتبه برای شورویها فرستاده میشد. اخبار نظامی هم چیزهایی بود که بدست ما از راه‌های مختلف نفوذی که پیدا کرده بودیم بدست می‌آمد به آنها می‌رساندیم. این بزرگترین تخلف ما که مسلماً "خیانت است" بوده و بنظر من مادر کلیه تخلفات دیگر است، یعنی اگر این تخلف نبود ما امکان داشت تخلفات دیگر را بتوانیم خودمان را از آن آزاد کنیم و بطرف آن نرویم. دومین تخلف ما مسئله سلاح است، این امروز مشخص است که در روزهای بهمن ۵۷ سلاحهای قابل ملاحظه‌ای از سلاحهای مربوط به ارتش بدست نیروهای مختلفی که در جریان روزهای بهمن شرکت داشتند افتاده است. و از آن جمله هم مقداری بدست بعضی از گروههای کوچکی که بنام حزب توده ایران فعالیت میکردند افتاد. واقعیت اینست که انقلاب بهمن را توده‌های وسیع مردم ایران بر رهبری امام خمینی زیر شعارهای اسلامی، زیر شعار واقعی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی انجام دادند و به موفقیت رساندند و نقش گروههای کوچک سیاسی دیگر از هر قبیل و از آن جمله ما، نقش فرعی بسیار کوچکی بوده است که اگر هم نبودند انقلاب پیروز میشد و هیچ تغییری هم پیدا نمیشد. ولی بعداً" ما بجای اینکه واقعیت را بطور عمیق درک کنیم و بفهمیم چه در کشور ما روی داده نتوانستیم این واقعیت را درک کنیم و در

همان چهارچوب وابستگی‌ها و چسبندگی‌های گذشته که در مورد اول شرح دادم باقی ماندیم .

از جمله در مورد سلاح، وقتی امام دستور دادند که همه سلاحها به مقامات جمهوری اسلامی و کمیته‌ها تحویل داده بشود ما بجای اینکه این دستور را اجرا کنیم ظاهراً "با افراد دستور دادیم ولی واقعیت این است که مقداری از این سلاحها را نگاه داشتیم و مقادیری را جاسازی کردیم و مقادیری را مخفی نمودیم و با این یک کار یک‌تخلف بسیار بزرگی را انجام دادیم . من در بازجویی هم این را گفتم به نظر من اگر تا قبل از تجاوز عراق بایران نگهداری این سلاحها فقط یک تخلف بزرگ و خیلی شدیدی ممکن بود بحساب بیاید از آن تاریخ مسلماً " خیانت است برای اینکه این سلاحها هرکدامش برای جبهه ضرورت داشته است . از این جهت من خود را مسئول سنگین میدانم .

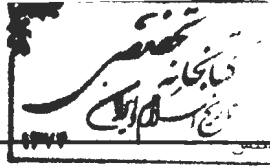
یکی از عمده‌ترین موارد تخلف ما از اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل کشور است . بنظر ما این اعلامیه عبارت بود از یک رحمت بزرگی که از طرف امام نسبت به گروه‌ها و گروهکها انجام میگرفت . ایشان دستور دادند که هرکس هر کاری که کرده است بجای خودش از این تاریخ گروه‌ها و دسته‌ها بیایند سازمان‌های مخفی خودشان را منحل بکنند و سلاحهایی را که جمع کرده‌اند تحویل بدهند و به کار سیاسی بپردازند مطابق عقاید و اعتقادات و نظریات خودشان . اعلامیه فوق‌العاده پر ارزشی بود . ما قدر و ارزش این اعلامیه را درک نکردیم . اینهم باز بعلت همان خواصی بود که حزب ما متأسفانه داشت . بجای اینکه سازمان مخفی خودمان را که تا آنوقت هنوز وسعتی نداشت آنرا منحل کنیم آنرا تقویت کردیم . عده‌ای از افسراد را به آنجا اضافه کردیم و این سازمان را تبدیل بیک سازمان مخفی که کارش عبارت بود از سعی در جمع‌آوری اطلاعات و چیزهای دیگر تا حد اطلاعاتی که به طرف جاسوسی میرفت . باین ترتیب ما یک خطای بزرگی را انجام دادیم که قابل مجازات است .

تشکیل شبکه مخفی در میان افسران

چهارمین محور در خطاهای بزرگ ما مسئله افسران است. امام بدرستی اعلام کردند که نیروهای مسلح میبایستی از برخوردهای احزاب سیاسی برکنار باشند و در جهت فرمان حاکمیت جمهوری اسلامی عمل کنند، نه اینکه هرکسی مطابق سلیقه سیاسی خودش عمل کند. این دستور سیاسی بسیار درستی بود.

ما با کمال تأسف باز هم بهمان علت‌های گذشته این دستور را زیر پا گذاشتیم. تا آنوقت عده‌ای از افسران بوسیله دوست خودشان با حزب نزدیک میشدند و تماس میگرفتند و بطور متشکل ماکاری در بین افسران انجام نمیدادیم ولی از آن تاریخ ما این افسران را از آن شکل پراکنده‌ای که داخل شبکه حزبی بودند جدا کردیم و (با پیوستن) به شبکه مخفی یک جریان مشخصی را بوجود آوردیم برای ارتباط با آنها و باین ترتیب متشکل‌تر از سابق شد و وسیله‌ای شد برای ما و گرفتن خبر و در مواردی هم انتقال خبر به مقامات شوروی یعنی همان کاری که سابقاً هم انجام میدادیم. بنظر ما این خودش یک خیانتی به جمهوری اسلامی بوده است.

محور پنجمی که مهمتر از همه تشخیص میدهم محور برخورد ما است با قانون پاکسازی تصویب شده از طرف مجلس شورای اسلامی. در این قانون حق هر حاکمیتی است که افرادیکه سیاست آن حاکمیت را نمی‌پذیرند در مقامات مسئول کشوری و انتظامی باقی نمانند. در این قانون در عین حال که اسمی از حزب توده ایران صریحاً برده نشده ولی بطور تلویحی گفته شده است که افراد وابسته به حزب توده ایران یا به احزاب وابسته به خارج که مقصود حزب توده ایران است اینها میبایستی از دستگاه دولتی، فرهنگ و دانشگاه از بعضی از مقامات و بویژه از نیروهای انتظامی تصفیه بشوند و کنار گذاشته شوند. این قانون کاملاً بحق است. هیچگونه ایرادی به آن نمیشود گرفت حق جمهوری اسلامی ایران است که چنین قانونی را بگذراند. ما بجای



اینکه این را بپذیریم و افراد را آزاد کنیم از عضویت حزب توده ایران، کسانی که در مشاغل دولتی بودند، پایه آنها بگوئیم خودشان را معرفی کنند و اگر مقامی مجاز میدانند که بمانند و کارشان را ادامه بدهند و گرنه کار دیگری نکنند ما اینجا ریاکارانه برخورد کردیم و کوشش کردیم افراد را با نوسل به دروغ و ریا به اینکه بستگی خودشان را به حزب توده انکار نکنند در همان مقامات خودشان نگاه داریم و جاهائی حتی کوشش کنیم که جلو بگیریم. ما سعی کردیم که با افراد مختلفی در دستگاه تماس بگیریم و اینکه افراد را به جاهای حساستری بگذاریم و یا اینکه افراد تازه‌ای را برای تماس با حزب جلب کنیم که آن عبارتست از همان کارنفوذی که از طرف جمهوری اسلامی ایران محکوم شده است. ششمین محوری که باز بعنوان یکی از خطاهای بزرگ قائل هستیم عبارتست از این کاری که ما در دوران اخیر شروع کردیم که کوشش برای پیدا کردن راههائی برای عبور غیر قانونی از مرز است. در درجه اول این برای بیرون بردن عده‌ای از کادر رهبری حزب بود. برای اینکه ما احساس میکردیم که حزب زیر ضربه قرار خواهد گرفت بعزت همین تخلفاتی که انجام داده و در یک مورد هم من می‌خواستم استفاده کنم برای یک مشورتی به خارج بروم. و اینهم یکی از گناهان بزرگ و کبیره ما است. اینها است اصول اساسی تخلفات ما که من فکر میکنم مهمترین تخلفات را تشکیل میدهد.

مشورت با حزب کمونیست شوروی

کیانوری در مورد مشورت و مذاکره با حزب کمونیست شوروی گفت:

"من تقاضائی کرده بودم از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که اوضاع منطقه فوق العاده بغرنج است و روز بروز بغرنج تر میشود در نتیجه وضعی که الان بوجود آمده من دچار سردرگمی هستم و علاقمند هستم که با آنها مشورت کنم و نظر خواهی نمایم."

سپس کیانوری چگونگی ارتباط خود و دیگر اعضای حزب را با سفارت شوروی

شرح داد:

"من در سال ۱۳۲۴ برای اولین بار با یکی از اعضاء سفارت شوروی آشنا شدم بوسیله عبدالصمد کامبخش، ولی این طول زیادی نکشید برای اینکه جریانات آذربایجان پیش آمد و کلی این ارتباط مختل شد. بعداً جریان بهمین سال ۱۳۲۷ پیش آمد که ما زندانی شدیم و از زندان هم که بیرون آمدیم دیگر برقراری چنین ارتباطی برای من وجود نداشت، تا وقتی که به مهاجرت رفتیم. در آنجا من مدتی در اتحاد شوروی بودم تقریباً یکسال و نیم و بعد از آنجا هم به جمهوری دمکراتیک آلمان رفتیم. در این دوران من با حزب کمونیست اتحاد شوروی در ارتباط بودم البته چند سالی که من از فعالیت مستقیم در رهبری برکنار بودم این ارتباط فوق العاده ضعیف و بی اثر بود ولی پس از آنکه دوباره بمركز رهبری آمدم و فعال شدم از سال ۵۱ به بعد این در باره ارتباط سایر افرادیکه در دستگاه حزب و کمیته مرکزی با مقامات شوروی ارتباط داشتند هم‌ماش بنظر من نبوده. من آنها را که در جریان بازجوئی‌ها توضیح دادم آنها با نظر من بوده ولی با احتمال میبایستی ارتباطات دیگری هم بین سایر افراد کمیته مرکزی و رهبری ما وجود داشته و دارد که از آنها در بازجوئی بهتر اطلاع پیدا کردید."

آنگاه کیانوری نظرات خود را در مورد تخلفاتی که انجام داده ذکر کرد و

چنین گفت:

"بنظر من این تخلفات خیلی سنگین است در چارچوب جاسوسی، خیانت، تخلف همه اینها در آن می‌گنجد و بقدری سنگین است که بنظر من سنگین‌ترین مجازات‌هایی که جمهوری اسلامی بخواهد حق دارد که در مورد این تخلفات ما و من که مسئول این تخلفات هستم تصمیم بگیرد. این دیگر بسته است به جمهوری اسلامی و برخوردی که با این نوع جریانات در جمهوری اسلامی مطابق قوانین انجام میگیرد." (۴۰)

اینکه که برای مقامات مسئول مملکتی برده از خیانات حزب توده برداشته شده و حتی کسانی که تا دیروز خطر کمونیسم و حزب توده را زائیده توهما ن نهضت آزادی ایران

دانسته و معتقد بودند در کشور حضرت مرتضی علی (ع) چنین خطری وجود ندارد، در خلوت و جلوت از خطر نقشه کودتای این سرسپردگان بیگانه سخن گفته‌اند. باز هم لازم میدانیم بحکم وظیفه اسلامی و توصیه بحق تذکراتی چند بدولتمردان بدهیم شاید بدینوسیله تا حدی اشتباهات گذشته جبران شود و یا لاقلاً از تکرار آنها جلوگیری عمل آید. تاکید میکنیم هدف اصلی از این تذکرات و هشدارها چیزی جز انجام وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر و حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و تحقق کامل شعارهای آزادی و استقلال نمی باشد.

۱۴- هشدارهای ما به مسئولین و مردم

۱-۱۴- ما معتقدیم حضور افراد یا گروههایی با اعتقادات مخالف اسلام و یا با آرزوی براندازی رژیم اسلامی زمانی ممکن است خطرناک باشد که این اعتقادات و آرزوها در متن فرهنگ جامعه نفوذ کرده و بصورت روشها، شعارها، اصطلاحات و... در گوشه و کنار خود نمائی کنند. اگر افرادی در جامعه وجود داشته باشند که اعتقادات خود را در دل پنهان دارند و در راه پیاده ساختن آنان هرگز اقدامی نکنند چنین افرادی نخواهند توانست خطری برای نظام حاکم در جامعه پدید آورند. از طرف دیگر اگر کلیه رهبران و حتی هواخواهان یک گروه مخالف نظام حاکم قلع و قمع شوند ولی بقایای فرهنگی آن گروه در جامعه باقی باشد چنین شرایطی برای سلامت و بقا نظام حاکم خطرناک خواهد بود.

دولتمردان ما برخی از رهبران حزب توده نظیر، کیانوری، عموی و شلتوکی و بالاخره به ادعای خودشان هزار نفر از سردمداران حزب توده را دستگیر کرده و بزدان انداختند، ولی آیا در مقابله با فرهنگی که این حزب طی سالها، بدلیل مسامحه دولتمردان و یا سیاست بازی سیاستمداران در جامعه، رائج ساخته است قدمی برداشته‌اند؟ آیا پس از دستگیری سران حزب توده کسی را سهامت آن هست که بدین واقعیت اعتراف کند که روشهایی از قبیل فحاشی، تهمت زنی، هتاکی، تفرقه افکنی، افشاگری و... که امروز در میان ما حاکم شده و حتی در رادیو تلویزیون، روزنامه‌ها و گهگاه ستادهای نماز جمعه بکار گرفته میشود، رابطه‌ای با فرهنگ اسلامی نداشته و از ره‌آوردهای تربیت شدگان مکتب مارکس و مهاجران مسکو و اروپای شرقی میباشد؟ آیا کسی را یارای آن میباشد که از مردم بخواهد اینک که سران حزب توده

بزدان افکنده شدن وقت آن رسیده است که مسلمانان انقلاب کرده نیز این شیوه‌های اهریمنی را در چاه فراموشی دفن نموده و با دست برداشتن از این روش‌های جاهلی بدامن پرمهر اخلاق اسلامی باز گردند؟

در هر حال پیشنهاد ما بدولتمردان است که در این راه بخاطر رضای خدا و نجات خلق، از هرگونه سیاست بازی دست بردارند و جمهوری اسلامی را از خطرانی که نفوذ فرهنگ مارکسیسم، بویژه روش‌های حزب توده برای آن ایجاد نموده است نجات دهند.

۲-۱۴- هر چند آمریکای جهان‌خوار و روسیه متجاوز در دشمنی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خدمتگزارانش دارای سیاست واحدی بود و هر دو درصد براندازی این نظام و بدنام ساختن خدمتگزاران آن هستند ولی، بی شک، هریک از این دو ابر قدرت با دیگری دشمنی و رقابت داشته و بدون تردید فعالیت‌های سیاسی رقیب را دنبال میکنند. بنابراین آمریکا در طول ربع قرن تسلط کامل بر ایران فعالیت‌های جاسوسی شوروی و اقدامات اعضاء و سران حزب توده را زیر نظر داشته و گزارشات مفصلی نیز در این باره تهیه نموده و مدارک ارزشمندی در لانه جاسوسی بجای گذاشته است. سوالی که در اینجا مطرح میشود این است که چگونه در نشریاتی که توسط دانشجویان پیرو خط امام منتشر شده است بجز چند سند قدیمی و بی ارزش سند دیگری در باره حزب توده بچشم نمیخورد (۴۱)؟ آیا کلیه اسناد حزب در روزهای اول اشغال جاسوسخانه و یا حتی قبل از آن نابود شده است؟ و اگر چنین فرضیه‌ای صحیح باشد آیا نباید علت این امر را جستجو کرد؟ هنگامیکه امام بارها خطر "مارکسیست‌های آمریکائی" را گوشزد نموده اند آیا میتوان باور کرد اسنادی از مارکسیست‌های آمریکائی در لانه جاسوسی نبوده است؟!

بهر حال اگر چنین اسنادی موجود بوده و دانشجویان به ملاحظاتی به ترجمه و نشر آن نپرداخته‌اند پیشنهاد ما این است که دولتمردان ضمن ترجمه و انتشار این مدارک علت تاخیر را برای مردم توضیح دهند تا سوء تعبیری بوجود نیاید.

۳-۱۴- با آنکه خبری رسمی در مورد عضویت برخی از فرماندهان عالی نیروهای مسلح در حزب توده اعلام نشده است ولی بر کناری فرمانده نیروی دریائی همزمان با دستگیری سران حزب توده از یکطرف و اعترافات سران حزب بتشکیل

سازمان افسری از طرف دیگر شایعاتی را در میان مردم پدید آورده است که نیاز بتوضیح دولت‌مردان دارد. بنظر ما پنهان نگاه داشتن حوادثی که در کشور میگذرد و نامحرم انگاشتن افراد جامعه اسلامی بهمان اندازه خطرناک است که آزاد گذاشتن گروهی که طی چهل سال سابقه خیانت با استقلال کشور و خصومت با اسلام را با ثبات رسانیده‌اند. چگونه میتوان از مردم انتظار داشت که در صحنه حاضر باشند و در عین حال مشاهده کنند دولت‌مردان حوادثی را که در صحنه میگذرد از آنان پنهان میدارند؟ پیشنهاد ما بمستولان این است که افسرانی را که در رابطه با حزب توده دستگیر شده و بنگاه خود اعتراف کرده‌اند به مردم معرفی کنند و اعترافات آنان را همچون اعترافات سران حزب در معرض قضاوت عموم بگذارند.

۴-۱- محاکمه سران حزب توده میتواند از آموزنده‌ترین حوادث سالهای اخیر ایران باشد. بویژه که تا بحال قسمتی از اعترافات این افراد از طریق سیمای جمهوری اسلامی بنمایش گذاشته شده و مردم علاقمندند این مسائل را با دقت دنبال کنند.

بنظر ما محاکمه علنی سران حزب توده در دادگاههایی که طبق قانون اساسی جمهوری تشکیل شود و وکیلانی خوش‌نام بتوانند از این از خدا بیخبران دفاع کنند بروشن شدن بیشتر ماهیت این حزب و سران آن کمک خواهد کرد. ضمناً درس آموزنده‌ای برای همه فریب خوردگان خواهد بود. از طرف دیگر سری بودن این محاکمات و یا تاخیر در آغاز آنها موجب بروز شایعات و دروغ پردازی رادیوهای بیگانه و ضد انقلاب و تفاسیر گوناگون خواهد شد که مقابله با آن مستوجب صرف وقت و انرژی خواهد گشت. براین پایه ما پیشنهاد میکنیم بخاطر حفظ منافع کشور این محاکمات علنی باشند. ضمناً پیشنهاد میکنیم در این محاکمات به پرونده قتل‌های سیاسی، نظیر شادروان محمد مسعود، که به اعتراف رهبران حزب توده توسط باند کیانوری اما بحساب دربار منفور پهلوی صورت گرفته است رسیدگی شود (۴۲) و مخصوصاً امکان بکار گرفتن همان شگردهای قدیمی در ترورها و انفجارات اخیر توسط عناصر نفوذی احتمالاً وابسته به حزب توده مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۱۴- و بالاخره نهضت آزادی ایران پیشنهاد میکند در مواردیکه مسائل امنیتی مطرح نیست گزارش کامل از تشکیلات از هم پاشیده حزب و رده‌هایی که

دستگیر شده‌اند در اختیار مردم قرار گیرد تا امکان رشد شایعاتی از قبیل فرار برخی از توده‌ای‌ها به شوروی و عقیم ساختن نقشه دولت در پیگیری این مسئله و... از میان برود و دشمنان اسلام نتوانند اذهان عمومی را مشوش ساخته از اعتماد مردم به جمهوری اسلامی بکاهند.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.
رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا" وَتَبَّتْ أَعْقَابُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ .

نهضت آزادی ای—ران

۱۳۶۲/۶/۱۵

۱۵- مآخذ یادداشتها:

- ۱- روزنامه رهبر شماره ۲۸۱ مورخه ۲۳/۲/۱۸ مقاله "این پاسخ ماست"
 - ۲- روزنامه رهبر شماره ۲۷۵ مورخه ۲۲/۱۲/۲ مقاله "مذهب اسلام در نظر ما"
 - ۳- میزان مورخه ۵۹/۹/۲۴
 - ۴- روزنامه سیاست مورخه ۱۳۲۰/۱۲/۳
 - ۵- روزنامه رهبر شماره ۳۰۶ مورخه ۲۳/۳/۱۶
 - ۶- میزان مورخه ۵۹/۱۱/۲۸
 - ۷- بررسی مسائل گوناگون ایران در سال ۵۸ صفحه ۷۷ انتشارات توده
 - ۸- همان مدرک صفحه ۹۶ - لطفاً "باین جمله بامبارزان انقلابی و مذهبی که هم میتواند بکلمه همکاری و هم نبرد مربوط شود توجه فرمایند .
 - ۹- کیانوری این رقم را کمتر از پانصد شمرده و با تجزیه و تحلیل‌های مخصوص بخود کوشیده است از اهمیت و قدرت سازمان نظامی حزب توده بکاهد و در نتیجه عدم اقدام این سازمان علیه رژیم شاه را که بدستور مسکو انجام گرفته است توجیه کند . همان مدرک .
 - ۱۰- بررسی مسائل گوناگون ایران در سال ۵۸ - صفحه ۸۳ - انتشارات توده
 - ۱۱- همان مدرک
 - ۱۲- روزنامه میزان مورخه ۵۹/۱۰/۴
 - ۱۳- میزان مورخه ۵۹/۱۰/۹
 - ۱۴- گزارش شهردار تهران - میزان مورخه ۵۹/۹/۳
 - ۱۵- میزان مورخه ۵۹/۹/۲۰ - سرمقاله
 - ۱۶- اسلام شناسان جدید - میزان مورخه ۵۹/۱۲/۳ .
 - ۱۷- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی - خطبه نماز جمعه - جمهوری اسلامی
- مورخه ۱۳۵۹/۱۱/۲۴
- ۱۸- میزان - مورخه ۵۹/۱۱/۲۶
 - ۱۹- روزنامه مردم مورخه ۵۹/۱۱/۲۶
 - ۲۰- میزان مورخه ۵۹/۱۲/۱۲
 - ۲۱- میزان مورخه ۵۹/۱۱/۱۷

۲۲ - میزان مورخه ۶۱/۱/۱۷

۲۳ - میزان مورخه ۵۹/۱۲/۶

۲۴ - میزان مورخه ۶۰/۱/۱۵

۲۵ - عنکبوت - ۳ - آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما به خدا ایمان آورده‌ایم رهایشان کنند و برای دعوی امتحانشان ننمایند؟ و ما کسانی که پیش از ایشان بودند به امتحان آوردیم تا خدا دروغگویان را از راستگویان کاملاً معلوم کند.

۲۶ - ای خدا - ای بخشاینده، ای مهربان، ای گرداننده دلها، دل‌های ما را در دین خود استوار بدار و کفایت مشکلات ما را، تو ای برآورنده حاجت‌ها و ای کفایت کننده امور مهم، بفرما. همانا تو بر همه چیز توانائی.

۲۷ - اعراف - ۱۷ من (شیطان) نیز بندگان را از راه راست تو گمراه گردانم، آنگاه از پیش روی و از پشت سر و از طرف راست و چپ آنان در می‌آیم تا بیشتر آنان شکر نعمت را بجای نیاورند.

۲۸ - رعد - ۱۱ خداوند وضع هیچ گروهی را تغییر نمی‌دهد، تا وقتی که آن گروه شرایط خود را دگرگون نسازند.

۲۹ - روم - ۳۲ - ۳۱ از مشرکینی که تفرقه در دین فطرت افکندند و گروه گروه شدند نباشید. هر گروهی بدانچه دارد شادمان است.

۳۰ - بقره - ۲۶۸ شیطان بر شما وعده بینوائی داده و شما را به زستی‌ها وادار می‌کند و خداوند به شما وعده آمرش و فضل میدهد و او واسع و داناست.

۳۱ - اگر (از جمع خود) بداخل شما خارج شوند، جز تباهی و تضعیف (مراکز حساس) خیری بر شما نمی‌افزایند و حتماً خود را بقصد فتنه‌انگیزی در لابلای شما قرار میدهند و در میان شما گوشها (جاسوسانی) برای آنها هست در حالیکه خداوند نسبت به کار ظالمین بسیار آگاه است. مسلماً پیش از این نیز در صد فتنه‌انگیزی بودند و برای تو انقلاب در کارها کردند و تا بالاخره حق رسید و امر خدا علیرغم اکره آنها آشکار گشت.

۳۲ - روزنامه مردم مورخه ۶۰/۱/۱۸

۳۳ - سندی که آقای مهندس بازرگان در نامه خود بآن اشاره کرده و

پیگیری آنرا به علاقمندی مرحوم رجائی واگذار نموده‌اند مجموعه‌ای است بقلم مرحوم آقای محمدمنتظری که تحت عنوان "استمرار توطئه‌های منافقین" در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۰ توسط سازمان انقلابی توده‌های جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است. در این مقالات نویسنده مسائل مختلفی را به شخصیت‌های سیاسی و اسلامی از جمله به آقای مهندس بهزاد نبوی (وزیر مشاور در امور اجرایی دولت مرحوم رجائی) در نشریه فوق صفحات ۸۴، ۹۰ و ۹۱ نسبت داده است.

ما بر اساس اخلاق اسلامی نمی‌توانیم برهیچیک از این ادعاها صحه بگذاریم و آنان را از مقوله تهمت و افترا می‌دانیم که در جهت حفظ مصالح کشور باید بآنها رسیدگی شود. علت اشاره به آن در این مجموعه به خاطر بهائی است که آقایان به‌نوشته‌ها و سخنان آن مرحوم داده و در مبارزه قدرت علیه دیگران از آنان استفاده و بآنها استناد می‌نمایند.

۳۴ - میزان مورخه ۶۲/۲/۳۰

۳۵ - نامه مردم ارگان حزب توده ایران - مورخه ۵ خرداد ۱۳۶۰

۳۶ - آل عمران ۱۷۸ و البته آنان که براه کفر رفتند گمان نکنند که مهلتی که ما بآنها میدهیم بحال آنها بهتر خواهد بود بلکه مهلت میدهیم برای امتحان تا بر سرکشی و طغیان خود بیفزایند و آنانرا عذابی رسد که بآن سخت‌خوار و ذلیل شوند.

۳۷ - روزنامه کیهان، شماره ۱۱۸۵۸، مورخه ۶۲/۲/۱۳

۳۸ - روزنامه کیهان، شماره ۱۱۸۶۴، مورخه ۶۲/۲/۲۰

۳۹ - روزنامه کیهان، شماره ۱۱۸۶۰، مورخه ۶۲/۲/۱۵

۴۰ - روزنامه کیهان، شماره ۱۱۸۵۶، مورخه ۶۲/۲/۱۱

۴۱ - اسناد لانه جاسوسی جلد ۲۴ - احزاب سیاسی در ایران (۵) (بدون

تاریخ)

۴۲ - پیام انقلاب - ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران طی شماره‌های

متعددی درباره حزب توده اسنادی را منتشر ساخته است. برای دخالت و شرکت حزب توده در قتلها و ترورهای سیاسی به خصوص به شماره‌های ۵۰ و ۵۲ و ۵۴ مورخه بهمن و اسفند ۶۰ رجوع کنید. همچنین به کتاب "من متهم میکنم کمیته مرکزی حزب توده را" بقلم دکتر فریدون کشاورز، آذرماه ۱۳۵۷، دسامبر ۱۹۷۸.

ضمائم

پیکر خونین رفیق شهید، عسکر دانش شریعت پناهی، بر شانه‌های خلق تشیع شد



✽ روحانیت مبارز، سپاه پاسداران، گارد احترام شهربانی، دسته موزیک ژاندارمری، اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم تشییع جنازه رسمی رفیق شهید شرکت داشتند.

✽ شهر سمنان برای تشییع جنازه شهید شهر، یکپارچه تعطیل شد.

✽ جنازه رفیق شهید در صحن امامزاده یعنی در کنار مزار سرباز گمنام به خاک سپرده شد.

✽ مادر رفیق شهید، آنها را کمری گریستند. تسلی می‌داد و می‌گفت: «بر شهادت او گریه نکنید. او به آنجا رفت که دلش میخواست. او براه وطنش، براه حزبش رفت. استوار باشید. راهش را ادامه دهید.»



صفحه ۷

مراسم تشییع جنازه رفیق شهید عسکر دانش شریعت پناهی در سمنان

پیکر خونین رفیق شهید، عسکر دانش شریعت پناهی بر شانه‌های خلق تشییع شد



فرزند شهید خلق، رفیق عزیز، عسکر، در میان خلق

راه، که بر پیشری از گل خفته
بود، بر شانه‌ها میبردند.

ساعت ۲ بعد از ظهر، وقتی
جمعیت عظیم به حرکت درآمد،
شهر سمنان تعطیل بود و شهید
شهر بر شانه‌ها میرفت و فریاد:

**این گل بر سر ماست
خونین رهبر ماست**

شهر را می‌رزاند.
بر پنجره‌های پیرزنان می‌گریستند
و مادران شقایق خونین شهر را
گلباران می‌کردند. در اطراف
خیابان اصلی شهر، گارد احترام
شهبازان و ناسپندگان سپاه
پاسداران ایستاده بودند. جمعیت
برنات می‌گشت و فریادها در
هوا می‌گوشید: گریه‌ها گره سخورد:
شهید، راهت ادامه دارد

در صفوف پرهیزان مردم، زنان
چادری کودکان خود را بر سینه
مرفشردند، کارگران مشت‌ها را
گره می‌کردند، جوانان پای بر
زمین می‌گوبیدند و یک دهان
فریاد می‌زدند:

تا شقایق خونین را که تازه از
سنگر شهادت رسیده بود و عطر
راز و پروری خلق را از دهان
خونین خویش می‌راکد، تشییع
کنند.

مرد سمنان، یکبارچه و متحد،
در این تشییع شهید راه استقلال
و آزادی وطن شرکت داشتند.
در صف اول تشییع کنندگان،
دسته موزیک زاهد امیری مارش
میزد و صفوف فترده مردم، که
پنشایش آنها روحانیت مبارز،
سپاه پاسداران سمنان، رفقا
روح الله میزالی (چوآنشیر) عضو
هیئت سیاسی و دبیر کمیته
مرکزی حزب توده ایران،
ابوتراب مسافرزاده عضو هیئت
سیاسی، **سپاسک خسروی** عضو
کمیته مرکزی و **گوهرت ژوب** -
نماینده عضو مشاور کمیته
مرکزی، خانواده شهید عسکر
دانش شریعت پناهی و گروه
کثیری از اعضاء هواداران و
دوستان حزب توده ایران، به
نشانه وحدت خلق در حرکت
بودند، پیکر خونین رفیق عسکر



پیکر گلگون شهید توده‌ای،
رفیق قهرمان، عسکر دانش
شریعت پناهی، که به سنت
توده‌ای‌ها در سنگر نبرد دویادو
با امپریالیسم امریکا به شهادت
رسید، بر شانه‌های خلقی که او
از میانشان برخاست و جان خویش
را نثارشان کرد، در راه گشتن
سمنان تشییع شد.

روز سهشنبه ۲۲ سپتامبر ماه
۱۳۵۹، مردم سمنان گره آمدند.

جزئیات شهادت رفیق عسکر در جبهه نبرد خرمشهر قهرمان

رفیق عسکر (سید عسکری دانش شریعت‌نجاهی)، مسئول سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، در حدود ساعت ۱۱ صبح یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۵۹، در گرماگرم نبرد خونین خرمشهر قهرمان با جانیگانان تجاوز صدام حسین، بر اثر اسابت ترکش خمپاره دشمن، به شهادت رسید. جزئیات حادثه بنا بر گزارش هم‌زمان رفیق عسکر، بقرار زیر است:

صبح روز حادثه، بر اثر فشار شدید آتش توپخانه دشمن، فرمانده جبهه فرمان عقب‌نشینی می‌دهد. رفقای ما و مردمی که در پشت جبهه خرمشهر، آماده دفاع بودند، به کمک می‌آیند. رفیق عسکر در این تلاش حماسه‌آمیز، نقش درجه اول و نمایان داشت. وی این بار نیز، همچون گذشته، با تمام قوا به سازمان دادن مقاومت و دفاع تودهای در مقابل تجاوزین صدامی برخاست و از جمله با مسجد جامع (مقر فرماندهی ستاد مشترک و تدارکات شهر) و نیز مرکز سپاه پاسداران تماس گرفت.

رفیق عسکر، به‌راه دیگر هم‌زمانش، موفق شدند که در مقاومت نقش مهمی ایفا کنند. آنها همراه سربازان و دیگر مردم قهرمان شهر، به مقابله با فشار دشمن برخاستند. دشمن به حاشیه شهر نزدیک شده و به حوالی کشتارگاه خرمشهر رسیده بود. ولی خرمشهر قهرمان بازهم حماسه آفرید. عسکر، از پاسداران جانباز و دلیر و سربازان مبین‌دوست و رشید گرفته تا مردم دلاور و انقلابی و رزمندگان تودهای، متحد و یکپارچه، به دفاع از خانه و کاشانه و انقلاب خود برخاستند، فشار دشمن جانیگاران را خنثی کردند، او را شکست دادند و چند کیلومتر عقب راندند.

رفیق عسکر در حدود ساعت ۱۱ در سنگر واقع در چهارم خیام بود. سربازی از جبهه پلیس راه به سنگر او و یارانش می‌آید و می‌گوید که احتیاج به روغن سلاح دارند. رفیق عسکر، در گرماگرم جنگ، برای تأمین روغن کفنگ از سنگر بیرون می‌آید، و در همین هنگام پسر آتر انصاری خمپاره‌ای به شهادت میرسد.

بدینسان این رفیق عزیز و جوان ما، یک انسان پرورش یافته در دامان حزب طبقه کارگر ایران با ارائه یک نمونه برجسته از ایثار، جانفشانی و فداکاری انقلابی، بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و آرمانهای طبقه کارگر، در خون پاکش می‌طبد.

رفیق عسکر نمونه‌ای برجسته از یک انسان طراز تو بود. قلش ملامال از عشق به مردم، به میهن، به حزبش، به طبقه کارگر و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بود. او استواری و پلادین در قبال امپریالیسم و دشمنان طبقاتی زحمتکشان و فروتنی و متقن نسبت به توده‌های میلیونی رنج‌دیدگان و نیز نسبت به یاران حزبی و نیروهای راستین ضدامپریالیست را توأم در خود داشت.

رفیق عسکر در سازماندهی تشکیلات حزب در سراسر خوزستان نقش فعال و درجه اول داشت. او یسه‌ماهه یک انقلابی حرفه‌ای، تمام زندگی خود را وقف پیشبرد جنبش انقلابی ایران و رشد و گسترش حزب توده ایران در خوزستان کرد.

نام رفیق عسکر میان تمامی رفقای حزبی و هواداران حزب در همه شهرهای خوزستان، نامی آشنا، احترام‌انگیز و محبوب است. او برای برپا نمودن تشکیلات و خانه‌های حزب و نامه مردمی، در شهرهای خوزستان خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کرد و سازمان کمونی حزب در خوزستان، از نام و تلاش او جدایی‌ناپذیر است.

یادش گرامی و آرامشش برقرار باد!

سهرده شد، پیکر او در خاک مدفون شد، اما از همان لحظه که خمپاره دشمن پیکر قهرمانش را تکه‌تکه کرد، او نبرد در سنگر دیگری را آغاز کرد:

سنگر شهید!

هموطنان! تودهای! گوش کنید! این رفیق عسکر است که دست‌در دست هزاران شهید خلق از پاسدار و ارتشی و مردم‌پسندی، با دهان خسته خویش فرمان می‌دهد:

« به‌پیش! متحد و استوار، تا فتح همه سنگرهای دشمن اصلی خلقهای جهان - امپریالیسم امریکا، به پیش!

و تودهای ما، چنانکه رسم تار خویش است، در همه سنگر - های رزم به‌پیش می‌تازند.

رفیق شهید، تودهای قهرمان، عسکر دانش شریعت‌نجاهی همه شد. این قافله را سر بازاریستان نیست...

برادر شهید، براهت ادامه دارد مادر قهرمان عسکر، جلوتر از همه، با قامت استوار مادری که از فتح و قهرمانی فرزندش بر خویش می‌بالد، حرکت می‌کند. بر نگاهش خاطر عسکر می‌گفت و مشتایش گرم می‌شد. لاجدی چون رنگین کمان بر چهره‌اش گشوده می‌شد، و آغان را که می‌گریستند، دل‌سبازی میداد.

در شهادت عسکر گسریه نکند. او به آنجا رفت که دلش میخواست. او براه وطنش، به راه حزبش رفت. استوار بناید و راهش را ادامه دهد.

خلق‌درد شمار و خروش‌خورشید شهید شهر را می‌برد و بسیر شده‌های مردم قهرمان سنان،

شهید دیگری بنامه می‌آید: شهیدای تودهای می‌بویست شهید دیگری از تبار هزاران ایرانی، که خون خویش را نشد، استقلال و آزادی

خلق از سلطه امپریالیسم کردند، به خانه ابدی خود میرفت و خون جوشانش خلق را بیم پیوند می‌داد. این صدای یکنانه تودهای پاسدار، این فریاد گر خورده بیروان امپریالیسم علمی و بیروان ما! خویشی و مبارزان راستین اسلام انقلابی بود، که جنبش آسمان را پلرزه انداخته بود:

عسکر قهرمان، شهید راه حق شدی

این گل بربر ماست
خویشی رهبر ماست

سپل خروشان مردم در امام زاده بحیرت توقف شد و بعد از احد مراسم، پیکر خونین رفیق عسکر، در صحن امامزاده، در کنار سرباز گمشده و در مزار شهید به خاک سپردند. پیکر گرفته در گل و خون رفیق عسکر، که همه نیروی عظیم سازماندهی برای بسیج توده‌ها علیه دشمن خونخوار به کار انداخت و سرانجام دستسنگر نبرد به خون خویش درخفتید، در میان شمار:

این گل بربر ماست

برادر شهید، راهت ادامه دارد به خاک سپرده شد و یابین ترتیب بار دیگر خون مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، سرمنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی، درهم آمیخت. رفیق عسکر در میان خروش و حلقه‌گر به خلق به خاک

رفیق عسکر بدرود!

نسبت به دشمنان مردم و فروتنی انقلابیات را نسبت به مردم و یاران جزئی و دلستگي مطلقیت را به راه حزبمان و تمامی جنبش جهانی طبقه کارگر و عشق عمیقت را به مردم میهنمان و پیروزی نهایی خلقهای ایران و جهان بر امپریالیسم، صهیونیسم، نژاد پرستی و هرگونه استثمار فرد از فرد، هرگز فراموش نمی‌کنیم.

رفیق عسکر! ما پیمان می‌بندیم که راه ترا ادامه دهیم.

رفیق عسکر! درودهای همه اعضای حزبمان در خوزستان را، درودهای تمامی گردان حزب توده ایران را و درودهای تمامی مردم به‌خاسته و انقلابی ایران را، که اکنون در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با امپریالیسم، بدرکردگی امپریالیسم آمریکا و با صهیونیسم و رژیم جنایتکار صدام حسین و سائیس رژیمهای ضدانقلابی منطقه ما، جانانه پیکار می‌کنند، بپذیر!

رفیق عسکر! غریشهر حماسه‌آفرین، آبادان و تمامی خوزستان قهرمان و تمامی جنبش انقلابی ایران و مخصوصاً حزب‌مفودت، حزب توده ایران، خاطره قهرمانی و جانبازیات را گرامی خواهند داشت.

رفیق عسکر! بدرود!

هنگام حمل جاززه شهید قهرمان، رفیق عسکر دانش شریعت‌بنامی از غریشهر به تهران، رفیق پشی‌طرفی از جانب سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، چنین گفت:

رفقا!

حزب پرافتخار ما، حزب توده ایران، باردیگر در راه پیروزی جنبش انقلابی و ضدامپریالیستی مردم ایران فرزندی از بهترین فرزندان خویش را قربانی داد.

رفیق عسکر، با قلبی مالامال از عشق به مردم میهن ما و جنبشهای جهانی ضد امپریالیستی و کارگری و عشق به پیروزی نهایی انقلاب خلقی، ضداستبدادی و ضد امپریالیستی ۲۲ بهمن، که خود از آهازواج انقلاب و بلافاصله پس از بازگشت به میهن، قهرمانانه در آن شرکت کرد، درگرمایم پیکار حماسه‌ای و تاریخی مردم قهرمان غریشهر و پاسداران جان‌برگف انقلاب و سربازان دلیر ارتش یا نیروی رژیم‌جنایتکار صدام‌حسین و امپریالیسم آمریکا و درجریان سازماندهی مقاومت و دفاع توده‌ای، در صفوف مقدم جبهه نبرد شهید گردید و برای رهروان راه‌های از امپریالیسم، استبداد و استثمار، شاره‌ای فروزان شد.

رفیق عسکر! چه زود از میان ما رفتی! ما محصال انقلابیات را، سرافراشتگیات را

شناسنامه احزاب
و گروهها

۱

مجموعه اول

تنبیه

۲۴ صفحه

نشریه امپریال

انتشارات امپریال

شناختنامه احزاب

وگروه‌ها

۱

حزب توده

نگهبان انقلاب اسلامی

پنجشنبه ۷ آبان ماه ۱۳۵۹
صفحه (۶)
۲۵ ربیع الاخر ۱۴۰۱

خان را به ملت ما تحمیل کردند . بطور کلی در زمان رضا خان تمامی روشنفکران سواست از کارهای بااصطلاح مرفهانه‌اس همچون مازره با حساب و مراسم عزاداری و روحانست کاملاً " حمایت منکرند ، تحلیل آنها از - مبارزه با اعمال رضاخان این سو دکه میگفتند رضاخان میتواند جامعه را از مرحله "فئودالی به مرحله " سرمایه‌داری نزدیک کند . بدس خاطر از او شنیدند " در برابر روحانست معهد آن‌رمان حمایت منکرند ، در همان دوره - رضا خان بود که عده‌ای را جهت تحصیل بخارج از کشور فرستاد . از میان این عده تعدادی در غربت پس از سرحدود با مظاهر تمدن غربی و اندیشه‌های مادی آن فریسه این افکار شده و برق و برق غربیها شدند تحت تاثیر شان قرار داد . بطوریکه وقتی به‌ایران باز گشتند همه حا فریاد ایران باید غربی شود را سردادند ، که یکی از این ها غی راده و دیگری اراسی و دار و دستفان بودند . بالاخره همساری سوسالسنها و رضا خان به سرانجام خود رسید و رضاخان که قدرت مطلقه را درکشور برای خودش می خواست و در نهایت هم یک سرپیچیده انگلستان بود تا گروه غی اراسی که وابسته به سوری بود اختلاف پیدا کرد . در اینجا بود که آنها را دستگیر کرده و زندانی نمود . تا اینکه اکثریت آنها از میان رفتند و سها چند غری از آنها نامی ماند ، پس از پایان دوره احسان رضاخان و شروع جنگ جهانی دوم عده‌ای از غنای دسسه اراسی که در ریدان بودند آزاد شده و سهای حزب توده را گذاردند ، از جمله آنها سها پسنه‌وری بود که پس از آزادی فروراهه آزر را براه اداخت ، حزب توده در سالهای ۲۰ تا ۲۴ سواسته بود عده زیادی طرفدار پیدا کند (که سیرس علت قدرت گرفتن اوصفت

حزب توده یک شکلبات مارکسیستی است که در سال ۱۳۲۰ با حمایت کامل و علمی شوروی در زمان انغال ایران تاسیس شد فعالیتهای حزب توده منحصر به حرکات سیاسی او در دوران فضای سارسیسی بود . در دوره جنگ جهانی دوم که مملکت بین روس و آمریکا و انگلیس عسسم شده بود و یک هرج و مرج کلی بر سرآسر کشور حاکم گشته بود ، این حزب همساکه گفته شد با حمایت مادی و مبنوی روسیه شوروی پاکرت . حرکت حزب توده دنباله حرکت گروه مارکسیستی غی اراسی قبلار - شهریور ۲۰ بود - این گروه نیز که تحصیل کرده‌های خلوج از کشور بودند ، دنباله‌سرا ن بااصطلاح روشنفکرانی همچون تقی راده و - حیدر عمواعلی در زمان شروطه بود ند . بررسی زادگاه این حزب خود میتواند راهنمایی در جهت معرفی ماهیت این حزب باشد . حیدر عمواعلی ، کسی بود که در - زمان شروطه ، پس از روی کار آمدن شروطه خواهان بنام شروطه در مقابل آرادجواها استاد و آنها را با خلج سلاح نمود و پا کشت و پا زندان افکند و افرادی همچون عین‌الدوله حاش را بروی کار آورد . بایسد این مسئله را متذکر شد که در آن زمان روسیه مدافع محمدعلیناه بود . صدت این شخص عرب رده پیشاز همه با اسلام و مسلمانان اصیل بود ، حیدر عمواعلی بعدها در جریان قیام میرزا کوچک خان نیز به او خیانت کرد . او چون خود فروخته روسیه بود با همکاری رژیم حاکم ایران و روسیه بهمت جنگل را - سرکوب کرد ، غی راده نیز از فغانس همس روشنفکران بود که میگفت اگر بخواهیم تمدن غنیم باید سرنا پایمان غربی شود ، همس تقی راده و صیال‌الدین طباطبائی بهمسراه یاران غرب زده‌شان بودند که مقابل مرحوم سید حسن مدرس در مجلس ترماده و رسنا

شناسنامه احزاب و...

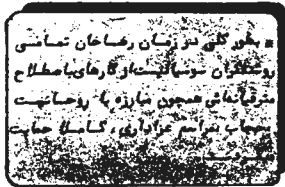
بقیه از صفحه ۶

حزب توده بود که توانست دولت خود را تشکیل دهد.

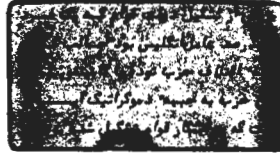
مقاله نامه قوام - سادچیکف:

این قرارداد که در سال ۱۳۲۵ میان دولت قوام و اتحاد شوروی منعقد گشت و منجر به آشتی حزب توده و قوام شد مهمترین مسئله آن بدین شرح بود: اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی، از طریق ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که درآمد این شرکت در بیست و پنج سال اول به نسبت ۲۹۰، ۵۱ و در بیست و پنج سال دوم به نسبت مساوی میان دو طرف تقسیم شود، بدین ترتیب قوام منعقد شد که جهت تصویب این موضوع در مجلس کوشش کند اما این مقاله نامه با اکثریت آراء در مجلس دور پنجم رد شد اما به همراه عقد این مقاله نامه شوروی نیز که تعهد کرده بود در اینجا را تخلیه کند، سیزدهای نظامی خود را از آنجا به عقب کشید، در اینجا فرقه دموکرات آذربایجان به سردمداری پیشه‌وری از اعضاء اولیه حزب توده که تحت سرپرستی سربازان روسی حکومتی برای خود تشکیل داده بود، به محض عقب نشینی سربازان - شوروی فرار کردند و مردم بیگناه آذربایجان را در مقابل هجوم بی امان سربازان قوام السلطنه قرار دادند. و تازه اینجا بود که حزب توده متوجه شکست مفتضحانه خود از دولت قوام گردید و حزب خود را منحل اعلام کرد و ظاهراً "به تصفیه کادرهای خود پرداخت و در همین زمان بود که انشعابهای مختلفی نیز در حزب توده صورت گرفت. اما از نکات جالبی که بیانگر قدرت طلبی این حزب و روش منافقانه آنها برای فریب مردم از ابتدای تشکیل حزب تا کنون بوده - است میتوان موارد زیر را برشمرد:

تشکلاتی حناهای دیگر بود) این حزب توانست یک نیروی متمرکزی را بوجود آورد ولی هیچگونه عملی جهت مبارزه فاطح با رژیم انجام نداد و تنها سرگرم فرسادن نامیده در مجلس و دفاع از مافع شوروی در ایران بود. پس از خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم، دول آمریکا و انگلیس بعد از مدتی ایران را از نیروهای خود تخلیه کردند اما آذربایجان که در انحال روسها بود خالی نشد، پس از تشکیل دولت قوام که یک مرد

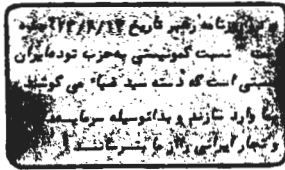


صد درصد عامل انگلیس بود، جالبترین نکته، اختلاف حزب توده در کابینه او و پیوستن حزب به جبهه دموکراتیک ایران است که به انگار قوام تشکیل شده بود اسرچ اسکندری، محمد بزدی و فریدون کشاورز سه تن از رهبران حزب نیز وارد کابینه قوام شدند و اعتصاب نفتگران محوب نیز که در همین امام صورت گرفته بود، بدنبال رفتن رضا روستا و رادمنش که از رهبران دیگر حزب بودند به جنوب خانه یافت. و تمام اینها همزمان با توافق بود که بین قوام و اتحاد جماهیر شوروی بر سر اعطای امتیاز نفت شمال صورت گرفت. و همین توافق بود که منجر به دفاع سرخخانه حزب از قوام السلطنه شد، و قوام در مجلس پانزدهم با حمایت



منشأ* این گونه روشهای حزب توده را در سه مورد زیر میتوان گفت:

۱- قدرت طلبی و خودخواهی رهبران حزب توده، تا جائیکه چون خود را در مصدر قدرت می یافتند دیگر مبارزه نشان پایان می یافت.



۲- سرسپرده بودن و پیروی کورکورانه از کرمطین تا جائیکه تمام کوشش حمایت از منافع شوروی در ایران بود. (بدیسر خاطر چون شوروی و قوام برسر آذربایجان توافق کردند، پس حزب توده هم دیگرار قوام باید حمایت میکرد.)

۳- ساختگاری و راحت طلبی رهبران (در نظر رهبران توده مبارزه باید آجینار باشد که به اسلحه کشیده نشود) و اگر مبارز مبارزه سخت شده باید کوتاه آمد (ادامه دارد)

حزب توده از آنجائیکه درجه اعتقاد مردم ایران را نسبت به ایدئولوژی اسلامی میدانست و از طرف دیگر به ضعف تشکیلاتی و رهبری مسلمانان واقف بود، تمام کوشش خود را در جهت جذب نیروهای مسلمان تحت شعار برابری - برادری مینمود تا جایی که برای عضویت در حزب هیچگونه محدودیتی ایدئولوژیکی، طبقاتی، و... فائل نبود. و حتی کارش تا آن اندازه پیش رفته بود که علیرغم ماهیت ضداسلامی اش خود را حامی اسلام معرفی مینمود در روزنامه "رهبر" ازگان مرکزی حزب توده تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۱ - آمده است "حزب توده ایران طرفدار مذهب حنیف اسلام و شریعت حقه محمدی است." اکثر افراد حزب مسلمان و مسلمان زاده هستند و نسبت به شریعت محمدی علاقه و حرمت خاصی دارند و هرگز راهی را که منافعی با این دین باشد نمی پیماید و مرامی را که با آن تضادی داشته باشد نمی پذیرد. حزب توده از طرف دیگر بخاطر اینکه بتواند خود را بهاریکه قدرت نزدیک کند از هرگونه سازش و مدهائنه ای با جناحیتکساران امتناع نمیکرد، تمام اعتقادات و مرزبندیهای خود را بخاطر قدرت زیر پا مینهاد و خیلی راحت سازش مینمود.

در روزنامه "رهبر" تاریخ ۱۷/۲/۱۳۲۴ باز آمده است که: "نسبت کمونیستی به حزب توده ایران نسبتی است که دسته سیدضیاء میگویند بها وارد سازند و بدابوسیله سرمایہ داران و تجار ایرانی را از ما بترسانند." و با آنجا که میگوید: "حزب توده ایران حزبی است طرفدار مشروطه و مبارزه او به خاطر اجرای مشروطیت است." بطور خلاصه

شناخته‌های احزاب

و گروه‌ها

۱

حزب توده

تکپهان انقلاب اسلامی

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
۲۷ ربیع الآخر ۱۴۰۱
صفحه (۹)

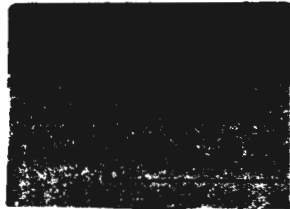
بسمه تعالی

حزب توده پس از سال ۱۳۳۰

بدنبال جریانات سالهای ۲۶-۲۵ و شکست و انشعاب حزب توده در زمان دولت قسوام السلطنه، حزب توده دیگر آن قدرت و اعتبار اولیه خود را که در بین پارهای از اقبشار مردم دارا بود، از دست داد و اقبای دوباره حزب چند سالی طول کشید، در زمانهای بعد از سال ۱۳۳۰ حزب توده بار دیگر با عرصه جریانات سیاسی گذارد و طبق روال گذشته خود همچنان مبارزاتی در جهت حمایت نوکریانه از منافع شوروی در ایران جمع کردن نیرو و وارد کردن نماینده در مجلس و شرکت در مبارزات پارلمانتاریستی آن زمان بود.

در این مرحله از فعالیتها نیز حزب توده بخاطر قدرت نسبی تشکیلاتی اش و مصف جناحهای دیگر از این لحاظ توانست در باره ایجاد اقتدار و گروهها یک پایگاه نسبی برای خود بوجود آورد.

بخصوص با آزادیهای لیبرالمنشانه‌ای که دکتر مصدق در زمان نخست‌وزیری خویش در جامعه بوجود آورده بود باعث رشد بیشترش شد بطوریکه حزب توده تنها در ارتش دارای هفتصد افسر عضو بود.



حزب توده این بار نیز همچنانکه حسط مشی مزدوریش ایجاد میکرد مبارزاتی با رژیم حاکم تنها محدود به طرح یک سری مسائل صنفی و نه سیاسی بود که همچنان در محدوده قانون اساسی برای آن کوشش میکرد و این در حالی بود که در زمان مصدق با برنامه های موازنه منعی دولت و مجلس شدت مخالفت مینمود. عنوان مشال: حزب توده در اوائل مبارزه برای ملی کردن نفت جنوب از آن حمایت کرد، اما هنگامی که در کنار مبارزه برای استقلال نفت حیویب موضوع ندادن اعتبار نفتی به شوروی در شمال مطرح گشت با اساس ملی کردن نفت شدت مبارزه برداشت و متشنگ و تبلیغات بود که بکسره بر علیه این جریان براه انداخت.

۲۸ مردان و حزب توده

قبل از کودتای ۲۸ مرداد بیش از هسه مینوان دست حزب توده را در تضعیف دولت مصدق و باران او دید، که نام این دشمنها طاهرا "بحاطرمبارزه برای تصویب لایحه اعتبار نفت شمال در مجلس و در باطنس همدستی با امپریالیسم آمریکا بود.

مواردی را که مینوان بطور عمده در جریان

کودتای ۲۸ مرداد دخیل دانست و نقش حزب توده در این جریانات بطور مستقیم هماهنگ با کودتاچیان بوده است بدین ترتیب مینوان

شمرد:

۱- ایجاد اعتمادات و نظاهرات گسترده - علیه دولت مصدق توسط حزب توده قبل از کودتاسا.

۲- تبلیغات وسیع حزب توده و تهدیدات آنها در باره ملنا و مراجع تقلید بخصوص آخوندکاشانی و آخوند بروجردی.

۳ - حمایت نسبی مصدق از توده‌ها در مقابل آیه‌الله‌کاشانی که به‌همراه آن تهدیدها موجب بدبینی شدید جناح مذهبی نهضت (آیه‌الله بروجردی، آیه‌الله‌کاشانی، وفدائیان اسلام) به مملکت مصدق شد.

۴ - اختلاف در بینش آیه‌الله کاشانی و فدائیان اسلام و مصدق که اولی و دومی معتقد به پیاده کردن احکام اسلام و اجرای حدود آن و طرد جناحهای آمریکائی همچون زاهدی و نصیری و توده‌ها از دستگاه دولتی و رهبری بودند و دومی معتقد به میانه روی و آزادبخوایی بی حساب و کتاب و ملی‌گراشی و اجرای دموکراسی بسبک غربی بود.

و با مراجعه به پلنوم‌های بعدی می بینیم حزب توده تمامی مملکدهای خود را درقبال دولت مصدق اشتباه خوانده و خود را مقصر می‌شناسد و میگوید در آن روزگار جبهه اصلی مبارزه علیه استعمار در حکومت مصدق منبلیور بود و کسی جر‌وی قدرت رهبری ملت را علیه استعمار نداشت، و سقوط مصدق پیروزی حزب توده نبود.

و یا در تحلیل‌های خود گفتند که ما در بررسی‌های خود بوزواری زمان مصدق دچار اشتباه شدید و بجای در نظر گرفتن امیرالیهیم

بعضی محور مبارزه مکه مخالفت با بوزواری حاکم برداختیم که البته این غلط کردیم، همه دام فریب نازهای بود که حزب توده در فعال خیانت‌های فراوانش در پیش روی خلق می‌گسترده. حریبان کودتای ۲۸ مرداد علاوه بر اینکه ماهیست سیاسی حزب توده‌ها بخوبی

شان داد بدنیال آن برده‌ها چهره‌های گریه سردمداران این حزب نیز برداشت آنچنانکه سازمان انبیت محمدرضای معدوم با کمک اعضای قدیمی حزب توده و تجربه آنها شکل گرفت و عده زیادی از رهبران حزب توده هسر روز در روزنامه‌ها تنفر خود را از حزب توده اعلام می‌کردند.

از حمله کسانیکه میتوان ناشان را دراین رابطه ذکر کرد: بزدی (یکی از رهبران اصلی حزب) پرویز نیکخواه (پس از ابراز تنفرنامه خود رئیس دفتر فرح شد) و محمودجعفریان (سرپرست رادیو و تلویزیون در زمان عسکاه معدوم) که هر دوی اینها در دادگاه‌های انقلاب به اعدام محکوم شدند-همچنین کوروش‌لاشانی - فیزاوا اینها چند نفری نیز که پس از کودتا دیگر زمینه لازم را برای فعالیتهای پارلمنتاریستی و سازشکارانه خود در ایران نمی دیدند مجبور به فرار از ایران شده و به دامن کشورهای غربی پناه بردند و در کافه‌تریاهای آن دیار سرگرم حل‌مسائل محفل سیاسی ایران شدند. بقایای این حزب نیز که اکثر آنها افراد درجه سوم به‌پا فین بودند تا سالهای ۴۱-۴۰ که اختناق کامل سیاسی برکشور حاکم بود، سر در لاک خود فرو برد و حرکت نفس کشیدن نداختند.

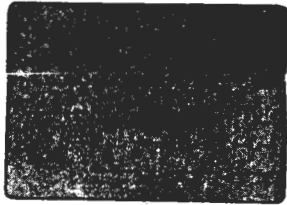


استراتژی حزب توده و تحلیل او

از رژیم محمد رضا پهلوی:

بوجود آمدن این جو باعث شده بود که یک باس سیاسی بهرراه بی تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی به رهبران نهضت دست دهد، آنچنانکه پس از واقعه کودتای ۲۸ مرداد چندان مخالفتی از جانب جناحهای مختلف سیاسی برنخواست، اما جالب ترین نکته هشدارهایی است که حزب توده قبل از ۲۸ مرداد بیکره در روزنامه‌های خود در شماره پیش بینی وقوع کودتا می داد. آنچنانکه هر چه روزهای کودتا نزدیکتر میشد، فریادتهای حزب توده نیز در روزنامه‌هایش بلندتر میگشت، بدین ترتیب همه انتظار داشتند که حزب توده از طریق کادر نظامی عبود (سپهبد هفتصد نفری افسران) و همچنین دعوت به راهپیمایی از طرفداران خود به مقابله با کودتا بشتاید ولی این انتظار سیبیه بود افسران توده‌ای چشم انتظار دستور ضد کودتا از جانب رهبرانشان ماندند تا بالاخره کودتاگران پس از چند روز همگی آنها را قلع و قمع کردند، و طرفداران و اعضای حزب توده نیز بامید دعوت این هشدار دهندده به کودتا از خانه‌های خود بیرون نرفتند. لایانکه مصدق سقوط کرد و حزب توده نیز از هم پاشید. به این ترتیب دولت مصدق سقوط کرد و این سقوط غیر از اینکه زمینه‌اش را همین توده‌ایها فراهم کرده بودند نیروی نظامی و غیر نظامی حزب توده نیز پس از کودتا هیچ مقاومتی از خود نشان نداد و از اینها جالب تر برسمیت شناختن فوری حکومت پس از کودتا توسط مادر حزب توده یعنی دولت سوسیالیستی شوروی بود. بدنیال دستگیری یکی از افسران حزب توده، این شخص عده‌ای دیگری از دوستانش را لو میدهد و بدنیال او... تا اینکه تمامی این افسران توسط فرمانداری نظامی تیموربختیار دستگیر میگرددند. سهمین طریق اسامه افسران حزب توده نیز درهم پیچیده گشت و عده‌ای اعدام و عده‌ای نیز محکوم گشتند.

وازیان افسران تنها اسمی باقی ماندند که حزب توده علیرغم اینکه خود عامل فرستادن اینها به کشتارگاه بود در عکس آنها به شهید نمایی پرداخته و از توده‌ای بودن آنها که لکه ننگشان است استفاده برد. این کودتا که باهدستی امپریالیسم امریکا و توسط مزدورانی همچون تیمور بختیار، شعلایی مخ، زاهدی، اشرف پهلوی، نصری



و... و روسیه شوروی (توسط مزدوری همچون حزب توده) واقع گشت. برای حزب توده تکرار همان توافق سادچیکف - قوام (قوام السلطنه و شوروی) بود که در این میان حزب توده خدمت خود را به اربابش شوروی تکمیل کرد و چون دیگر ارباب نیازی نبود نداشت او را در مقابل منافع دیگرش قربانی نمود.

۱۵. اخرداد و حزب توده

در سالهای ۳۰-۳۹ که شاه کم و بیش خیالش از قدرت احزاب مخالف آسوده شده بود، بخاطر اینکه فضای موجود سیاسی کشور را یک ارزیابی دوباره نموده و برای مدتی سوپاپ هوای دیگ بر جوش ملت را بردارده تا از انفجار آن جلوگیری نماید، برنامه‌ای را جهت اعطای پاره‌ای آزادیها از نو برراه انداخت، علی‌امینی، شریف‌امامی وحسنعلی منصور، نوکران دربار بودند که در جهت اجرای این سیاست جدید امپریالیسم امریکا به نخست وزیر رسیدند، در این فضای باز سیاسی اعطائی‌کاری از مهری‌احزاب و گروهها



شناختنامه احزاب و...

بقیه از صفحه ۱

دوباره شروع به تنفس کردند، و مبارزات سه اصطلاح سیاسی احزاب دوباره پا گرفت حزب توده، جبهه ملی، نهضت آزادی در این زمان از نو به برگزاری سخنرانی و میتینگ و تظاهرات و اعتصاب و... پرداختند و این جریان بهمین ترتیب ادامه یافت تا پس از فوت آیه الله بروجردی شاه برای جذب نیروهای بااصطلاح مرفقی و از بین بردن نیروهای مذهبی و بطور کلی مبارزه علنی با احکام اسلام برنامه انقلاب سفید را بدستور آمریکا پیاده کرد.

پس از مطرح شدن اصول بااصطلاح انقلاب همچنان که انتظار میرفت جناح مذهبی نهضت به مخالفت با آن برخاست و در این مرحله بود که امام خمینی ابتکار مبارزه با شاه و انقلاب بااصطلاح سفیدش را در دست گرفته و رهبری نمود، با وارد شدن روحانیت در میدان کارزار جنبش اسلامی بطور غیرمنتظره ای ناگهان توسعه یافت و این جریان بخصوص با تصویب قانون کاپیتولاسیون در مجلس بیش از پیش اوج گرفت، در این زمان اسام و توده مردم تجزای از تمام احزاب و گروهها و تشویشهای مسالمت آمیزشان به مبارزه مستقیم با شاه و امپریالیستهای حامی ایشان پرداختند که این نهضت منجر به پیدایش نهضت ۱۵ خرداد و تبعید امام به ترکیه و سپس عراق گشت و از این مرحله بنیان جنبش اسلامی گذارده شد. و گروههای محافظه کار که جرات چنین مقابلهای را با رژیم نداشتند به گوشه عزلت خزیدند از این میان جالب ترین قضیه موضع گیریهای شاهنشاهی حریف توده در قبال این واقعه

است. حزب توده همچنانکه رادیو مسکو نیز تفسیر مینمود انقلاب شاهنشاهی را تحولی می دانست که جامعه فتووالی آن روز را به سوی سرمایه داری پیش می برد و طبعاً چون مرحله سرمایه داری یک مرحله پیشرفته تر از مرحله فتووالی است بنابراین طرح انقلاب سفید از نظر حزب توده یک حرکت واقفانه انقلابی بود به این ترتیب حزب توده و رادیو مسکو یکسره به تبلیغ و حمایت انقلاب سفید همت گماشتند و در این میان از هیچ کوششی جهت ضربه زدن به نهضت امام که در ۱۵

خرداد به اوج خود رسیده بود دریغ نکردند، حزب توده و رادیو مسکو پیوسته در تحلیل هایشان، حرکت روحانیون و ملت را یک جریان ارتجاعی و حمایت از فتووالیسم

نامیدند که می خواهد با اصلاحات محدود شاه! مبارزه کند و اینجا بار دیگر بلندگوهای توده و مسکو و شاه و آمریکا یکی شدند تا فریب داد ملت و اسام را خاموش کنند %

شکستنامه احزاب

و گروه‌ها

قسمت سوم

۱

حزب توده

نگهبان انقلاب اسلامی

پنجشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۵۹
صفحه (۷)
۵ جمادی‌الاول ۱۴۰۱

حزب توده پس از ۱۵ خرداد ۲۲

پس از واقعه پانزدهم خرداد سیاست حزب توده در ایران به پیروی از سیاست شوروی بالا و پاشن می‌رفت. آنتگام که بر شوروی سیاست خروشچف حاکم بود روابط بیسین محمد رضا شاه معدوم با شوروی حسنه بسود ماهنامه دنیا ارگان کمیته مرکزی حزب توده و رادیو بیگ و رادیو ملی (صدای توده‌نپهای فراری از ایران) دشم در بی تمجید و تعریف از پیشرفتهای صنعتی و نسین دیالکتیکی انقلاب سفید ایران و توسعه دیوکراسی در ایران بود و آنتگام که مقداری روابط تیره میشد حزب توده نیز بطرف شعارهای مبارزه با استبداد و دیکتاتوری متمایل میگشت، زمانی نبود که یک موافقتنامه اقتصادی، سیاسی بین ایران و روس بسته شود (که در واقع باجهائی بود که شاه به شوروی میداد) مگر اینکه رادیوهای توده‌ای همصدا با رادیو مسکو به تبلیغ آن پرداخته و این موافقتنامه را زمینه‌ای جهت پیشرفت صنعتی ایران می‌دانستند رهبران حزب نیز همچنان با دپدی شاهانه تحولات ایران را بررسی مینمودند، آچنانکه ایرج اسکندری در بهام خود به دهمین کنگره حزب کمونیست بلعارستان (مردم شماره ۶۹) میگوید: "حزب توده در مین اینکه از اقدامات ترقی خواهانه که به صورتی جزئی در جهت توسعه صنعتی تولید و نیز اقداماتی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور میشود پشتیبانی میکند. . . . حزب ما و سایر سازمانهای دیوکراتیک در بدست آوردن فعالیتهای قانونی در گادر قانون اساسی! مبارزه میکند" و یادر مدخ اصلاحات ارضی شاه در روزنامه مردم شماره ۷۱ خود می‌گوید "اصلاحات

ارضی با افزایش نسبی علاقه دهقانان به نمرات کار خود و با تسریع رسوخ سرمایه - داری امکانات بیشتری برای رفاه دهقانان و رشد اقتصادی روستائی فراهم می‌آورد" و حالب ترین نکته طرفداری صریح حسرب توده از شاه در مقابل جناحهای دیگر حکومتی است حزب توده در تحلیل‌های خود از انقلاب سفید جناح حاکم را به دو دسته تقسیم کرده است. یکطرف طرفداران بقای فتودالیسم و جناح دیگر طرفداران بورژوازی که در آن مقطع تاریخی حزب معتقد بود باید جناح شاه را که معتقد به انقلاب است در مقابل قشر فتودالی و ارتجاعی رژیم تقویت نمود.

حزب از جریان انقلاب سفید به بعد همیشه در تحلیل‌هایش سخن از این دو جناح میکند که یکی جناح مترقی و دیگری مرتجع است و وقتی هم میخواهد ملگردهای رژیم را بگوید (متلاوتی رابطه شوروی با رژیم خوب نیست) میگوید جهات ارتجاعی رژیم تشدید یافته است. منظور این که جائی برای ترقیها باز گذارده است و همچنانکه در بهام اسکندری [یکی از افراد کمیته مرکزی حزب توده] گفته است با ید مبارزه در چهار جوب فانسوس اساسی باشد، بنابراین مبارزه تنها برای انجام رفرم و اصلاحات می‌باشد و نه اینکه توده خدای نکرده! قصد مبارزه بر علیه رژیم سلطنتی داشته باشد. مگرا " در روزنامه‌های خود میفرموده است هدف جنبش از مبارزه واگذاری سلطنت به جناح مترقی رژیم شاهنشاهی است و در جبهه متحد ضد دیکتاتوری این حزب حتی از جصاحبهای مترقی رژیم حاکم نیز مینوان استفاده کرد. حتما " بیرویز نیکخواه یکی از سردمندان حزب توده که رئیس دفتر فرح شد و بسا

محمود جعفریان سرپرست رادیو و تلویزیون نیز بر اساس همین سیاست وارد دستگاہ طاغوت شده بودند. ۱۱ در این دوران مهمترین مبارزه حزب توده بر علیه رژیم فعالیت آنها در کارخانہها و شرکت در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری بود که عوظم‌ساواک به خاطر سرگرم کردن کارگران و جاوید شہاء گفتن آنها ایجاد شده بود. حزب توده طاهرا "میخواست از این طریق در بین کارگران برای خود جای پائی باز کند که بعدها با استفاده از این قدرت درجهت استیفای حقوق کارگران بکوشد (حتما همانطور که قبل از ۲۸ مرداد انجام داده بود)

مبارزات کارگری حزب توده نیز محدود به تصویب قانون کار و ساعت کار و اموری از این قبیل بود که با توجه به آن شرایط اختناق آمیز حاکم مملو است که طرح چنین خواسته‌های پیش پا افتاده تنها خیلت به انقلاب و سرگرمی کارگران است.

دستگاه رهبری حزب توده در این زمان هرگونه مقابله مستقیم با رژیم و بخصوص مقابله مسلحانه را حرکت چپ روانه میدانست و تنها معتقد به انتقال مسالمت آمیز قدرت در چهار چوب قانون اساسی بود.

یکی از افتخارات مرتضی یزدی، که از رهبران اصلی حزب توده و نماینده حزب در مجلس شورای ملی بود ویس از انحلال حزب توده بدست بوسی شاه رفته، چنین است (من یکی از خدماتم در دستگاہ رهبری حزب توده ایران به آن عظیم‌الشان "شاه" این بود که پس از ۲۸ مرداد دستگاہ رهبری حزب را از اقدام مسلحانه علیه شما پر حذر داشتم).

دو فرزند پردی نیز بنا به خواست پدر به سازمان امنیت رفته و در آنجا مشغول فعالیت گشتند. از جمله جریانات عمده حزب توده در این سالها رهبری عباس شهبازی در شاخه تهران و جنوب ایران میباشد. عباس شهبازی که موسوم به اسلایی بود توانست رهبری

شاخه خوزستان و تهران حزب توده را بدست بیاورد و از طریق رفت و آمد متوالی بین ایران و عراق و همچنین تماس با جمہوربختیار توانست دو کامیون اسلحه از دولت عراق تحویل بگیرد تا آنها را در تهران تحویل مبارزین بدهد لیکن او کامیونها را آورده و در مرز تحویل دولت ایران میدهد. شهبازی با فریبکاری تمام از آنجا که خود رهبری حزب را در این مناطق در دست داشت مستقیما "از دستگاہ ساواک دستور گرفته و بعنوان برنامه‌های حزبی تحویل اعضا میداد، و اعضای حزب توده نیز به تصور اینکه ساواک دستگاہ مبارزه میکنند ناخودآگاه مزدوران ساواک گشته بودند. از جمله وقایعی که در این دوران حزب توده در آن شرکت داشت اعتراض به گران شدن بلیطهای اتوبوس بود که، خود عباس شهبازی محرک مستقیم این جریان گشته بود، پس از مدتی که بدین ترتیب گذشت، عباس شهبازی که احساس کرد مورد شک اطرافیان خود واقع شده است، کلیه اطلاعات خود را به اختیار ساواک گذارد. و بدین ترتیب ناگاه کلیه اطرافیان و وابستگان حزب توده که در ارتباط با شهبازی فعالیت میکردند بدام ساواک می‌افتند و بدین ترتیب شاخه‌های تهران و خوزستان حزب توده که مدتی تحت رهبری های داهیانہ! ساواک بر علیه رژیم مبارزه میکردند بدام افتادند.

از دیگر تحولات این دوره حزب توده انشعاب گروهی از این حزب است که در خارج از کشور با نام سازمان انقلابی توده بوجود



آمد و متنی صلحانه برای مبارزه اقتصاد کرد و مدهای از افراد خود را جهت تعلیم به کوبا و چین و... فرستاد. این افراد پس از ورود به ایران و آغاز فعالیت توسط ساواک شناسایی شده و چند تن آنها در زد و خورد کشته و مدهای دستگیر شدند. دستگیرشدگان طی بازجوییهای خود هر آنچه اطلاعات داشتند لو داده. بدین ترتیب کلیه افراد این سازمان در این جریان گرفتار میگردد و پس از مدتی مدهای از آنها با نوشتن توبه نامه موافق آزاد می شوند.

از این زمان به بعد فعالیتهای حزب توده منحصر به شرکت در پلنوم ها و تبلیغات رادیویی از طریق رادیو بیگ آلمان و صدای ملتی کشته بود. و در خارج از کشور این روشنفکران بیگانه از وطن با بودجهای روسی به عیاشی مشغول بودند تا اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران راهی وطن گشتند.

پدیده دارد

دیوکل اسبق حزب توده چه میگوید؟

دکتر بهرامی دیوکل حزب پسا از جریان ۲۸ مرداد اعلام کرد که دیگر حاضر نیست نشان خیانت به دهان بیگانگان گذارد. گوشه ای از متن تنفرنامه و اعترافات بهرامی:

۱- آن چند نفر بعد از مدتی از صفیها که هنوز دستگیر نشدهاند صلاح کارشان در این است که فوراً خودشانرا به مقامات انتظامی معرفی کرده هرچه در اختیار دارند تحویل داده و اطلاعات خودشان را تسلیم کنند. مخصوصاً خسرو روزبه و علی متقی، شما باید بدانید که دیر یا زود دستگیر خواهید شد. نمونه کاربن باید سرمشق همه باشد. بلافاصله بعد از دستگیر شدن فقط یکجا را بلد بودم و آنجا سفیگاه مهندس ملوی بود که محل تشکلات هیئت اجرایی بود فوراً در جیب نشسته آنجا را شخصاً به مقامات انتظامی نشان داده و بالنتیجه مهندس ملوی هم گرفتار و حزب

تفرقه و جدایی

۲- تمام توتلیهای باقی مانده و کسانی که از بیخه سفیگاه ها اطلاع دارند فوراً جریانسرا به اطلاع فرمانداری نظامی برسانند با مامورین تنفر نامه.

۳- کادرهای درجه ۳ و افراد ساده لااقل تماس خودشانرا قطع کرده دنبال کار روزندگی خود بروند.

۴- در باب سازمان جوانان توصیه احمدی سمعی دبیر اول سازمان را تأکید کرده و بنیامین رابط سابق کمیته مرکزی سازمان جوانان را توصیه انحلال کامل بقایای آن سازمان متلاشی را می نمایم.

آقای بهرامی که اول به دستگیر شدگان می گفت ای روسی صفات تنفرنامه های تان را به بهشتی تان بچسبانید خود پس از دستگیری این گونه عمل نمود دکتر بهرامی در ادامه تنفر نامه می نویسد: درخاسته بسا کمال شرمناوی از خاکهای همایونی طلب مغر می نمایم و قول میدهم که اگر مورد عفو قرار گیرم از راه طبابت که شغل جان نثار است ارتزاق خواهم کرد و دیگر لقمه جاسوسی و خیانت بدهان خود و فرزندانم نخواهم گذاشت. از مقامات دولتی و انتظامی هم طلب مغر می کنم و قول میدهم فیر از مطالبی که تا بحال درباره خیانتها و جاسوسیها و آدم کشیها و بیگانه پرستی های حزب منسور نموده عرض کرده ام بقیه مطالب را نیز فاش کرده و در آئینه سا جان در بدن دارم از منویات شاهنشاه معظم پهلوی و با دستگاه انتظامی همکاری نمایم!



فعلیت‌های این حزب را پس از سرسری انقلاب اسلامی بدو گانه می‌توان دید:

الف - فعالیتها و جنبه‌ها - ظاهری
ب - فعلیت‌های تشکیک‌زایی و حیرسی
در قسمت اول هدف حزب توده محاسبات سیاست همیشگی آن بوده جذب نیروهای مردمی در سازمانها و نهادهای مردمی است.
الف: هدفی که حزب توده در تبلیغات ظاهری خود بدینال آن است بدست آوردن مقبولیت سیاسی و اجتماعی در ساختن سیاسی کشور است، حزب توده پیرو سیاستی است که بر اساس آن با حمایت از طرف صاحب قدرت بتواند از زوال خود جلوگیری نماید، حال خواه این صاحب قدرت روحانیت باشد یا لیبرالها و با شاه معدوم، با این حربه حزب توده بر اساس اهداف سیاسی خود بعد از انقلاب کوشید تا دو مقبولیت را در ایران برای خود کسب کند:

۱ - مقبولیت سیاسی در ساخت سیاسی کشور.
۲ - مقبولیت توده‌ای در بین مردم.

در این حالت با توجه به اینکه بالاترین مرجع سیاسی کشور امام است تاکنه به پیرو خط امام بودن سعی میکند تا از طریقه حلوی حذف خود را از صحنه مبارزات سیاسی بگیرد و از طرف دیگر مردم را که مطمئن‌ترین و بالاترین امیدشان در حوادث به امام است بطرف خویش جذب کنند.

محورهای این تبلیغات را که حالت جذب عضو نیز برای حزب توده دارد در موارد زیر میتوان خلاصه کرد:

۱ - تبلیغ اینکه امام گفته است وحدت کلمه پس دیگر نباید مسائلی همچون موضوعاً ایدئولوژیکی بین کمونیستها و مسلمانان اختلاف بیندازد (اتحاد جنبه واحد ضد امپریالیستی پس سرسالیسم جنبی و اسلام مترقی)

۲ - تبلیغ از اوضاع اقتصادی و سیاسی شوری، کوبا، ویتنام، مائو، کورهای باصلاح سوسیالیستی و بیان اینکه دولتهای این کشورها دوستان اغلاب مایند.

۳ - تاکید بر روی ضد امپریالیستی بودن انقلاب ایران، و اینکه همه نیروهای ضد امپریالیست با هر ایدئولوژی می‌باید در این زمان متحد باشند.

۴ - کوشش در مطرح شدن اسلام بعنوان ایدئولوژی سهضت، بلکه تاکید بر روی ضد امپریالیستی و دموکراتیک بودن انقلاب ایران.

۵ - تاکید پیوسته بر روی خط امام و تحریف در تبلیغ این خط آنچنانکه بر اساس این تحریفات بتوانند خواست‌های حزبی خود را از آن استنباط کرده و مخالفین حزبشان را طرد کند.

۶ - حمایت از دیگر نیروهای کمونیست و نه اصلاح مترقی تحت عنوان وحدت کلیشه، اینکه امام گفته است همه دشمنها را با دستها بیاورند.

۷ - عدم مدد معگیری درباره آن قسمت از موضع گیریهای امام که مخالف میل آنهاست (همچون سخنان امام درباره جنایات شوری در افغانستان و عراق و کمونیستهای ایران، وقایع کردستان)

۸ - آنچاقیکه در مقابل سئوالات مربوط به موضع گیریهای فوق مجبور به پاسخ‌گویی میگردند معمولاً " میگویند تا سخنان امام را بگردن اطرافیان بیندازند و بگویند این مرتجعین باعث شدند امام چنین سخنانی بگوید و با در نهایت بگویند بالاخره امام هم ممکن است اشتباه کند (حتماً تنها کسی که اشتباه نمیکند و معصوم است کیانوری است)
۹ - اسفاده از حربه نفاق در روش تبلیغ: یعنی برای نمود کردن در ارگانها و بین کارگران، دانش‌آموزان، انجمنهای اسلامی،

... حتی نماز تکتیکی هم میخوانند و خود را طرفدار اسلام و مسلمان جا میزنند.

ب - فعالیتهای تشکیلاتی و حزبی: حزب توده در کارگاههای تبلیغاتی درجهت جو سازی بتفع خود یک برنامه تشکیلاتی نیز برای جذب نیروهای مردمی دارا میباشد، هدف این برنامه بدست آوردن قدرت و بازو در آرگانها و نهادهای مختلف می باشد تا در مواقع مورد لزوم با براه انداختن راهبیمائی، انتصاب، تحمیل و..... بتواند برنامههای پلید خود را پیاده کند (همچنانکه در زمان دولت ممدق با براه انداختن انتصاب و راهبیمائی زمینه سقوط او را فراهم کرد و همچنین در سال ۲۴ با راه انداختن انتصاب در شرکت نفت... دولت قوام را وادار به اضاى اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی نمود) اکنون جهت روشن شدن کیفیت فعالیتهای این سرسپردگان شرق درجهت این برنامه تشکیلاتی به میان پارهای از گزارشات اعضای حزب توده از زبان خودشان می بر دازیم. این فعالیتهای عمدتاً مربوط به موارد زیر است:

- ۱ - فعالیتهای کارگری در کارخانجات.
- ۲ - نفوذ در کلاسهای سواد آموزی.
- ۳ - شرکت در جهاد سازندگی.
- ۴ - فروش تشریفات ریسته به حزب توده.
- ۵ - شناسایی و تحقیر درباره شهر سائیهها.

۱ - فعالیتهای یاد د کارگری حزب توده: در کارخانجات در کارخانه ها وین کارگران راهبهای گوناگونی دارد. از جمله با استفاده از افرادی که در این کارخانهها میفرستند مدهای را از کارگران زیر نفوذ خود قرار داده و به حزب جذبشان میکنند سمبانیهای درست کرده و از آنان میخوانند که هرگونه خبری، مستطعی و واقعی در کارخانه در رابطه با کارگران، کارفرمسا، گروهها، شوراها، میگذرد آنها را به کمیته مرکزی حزب توده گزارش دهند.

گزارشگران در واقع جاسوسان حزب در کارخانهها هستند. این افراد حتما باید از طرف حزب از نظرمادی رسیدگی شوند و الا یک کارگر زن یا جوان محصل و دانشجو، صرفاً نمیتواند بخاطر یک حزب آنها حزب توده یا آن سابقه، هر هفته یک گزارش تهیه

کرده و سعی کند که گزارش هرچه بیشتر دقیق باشد و آنرا با اسم رمز و شماره کد دار به کمیته مرکزی حزب توده بخش کارگری حزب یا سازمان جوانان دمکرات، یا بخش روزنامه های حزب بدهد.

تا آنجا که اطلاعات قدیمی دهد و در کتاب افتخاری راجع به حزب توده بمسائل حزب اشاره شده است بهرکدام افسراد سمعات وابسته به حزب در صورت کار برای حزب و تبلیغ برای آن ماهی دو هزار تومان جیره میگیرند. حال برای اینکه با کیفیت فعالیت این جاسوسان آشنا شویم، به گفته های خودشان نگاهی به گزارشات سمبانیهای حزب توده در تعدادی از کارخانه ها مراجعه میکنیم. نقل قول از یکی از سمبانیها:

«تو اول باید بین کارگران جای بگیری تا آنها تو را قبول کنند، بعداگر حرفی و اشکالی بنظرت رسید بگوئی تا از تو قبل کنند»

تقسیم بندیای که این گزارشگران از کارگران دارند به این ترتیب است:

- ۱ - مائوئیست ۲ - چریک ۳ - روشنفکر
- ۴ - مترقی مذهبی ۵ - ارتجاعی.

نمونه سئوالات حزب که از سمبانیهای کارگری توضیح آنها را میبواهد:

- ۱ - شورای کارخانه هم اکنون چه وضعی دارد؟
- ۲ - نقش رفقا و مودمیت آنها در شورا یا سندیکا چگونه است؟
- ۳ - گروههای سیاسی دیگر در کارخانه چه فعالیتی دارند؟
- ۴ - بطرحنا کارگران کارخانجات شما چگونه باید متشکل شوند؟
- ۵ - بین حزب طبقه کارگر و جنبش کارگری چگونه باید ارتباط برقرار کرده؟
- ۶ - چه سائل مهمی در کارخانه شما مطرح است و حل آنرا چگونه میدانید؟

گزارشگر هر مورد تولید یکی از کارخانهها توضیح میدهد که "افراد کارخانه متقدند در سطح کارخانه کارشکی میشود. و کزنه مواد اولیه در بازار موجود است و پول هم در کارخانه هست. و اگر شورا و رئیس کارخانه به حرف این عده گوش نکند فردا همه بیگار میشوند و انقلابی دوباره بوجود می آید و مردم بر سر کار می آیند."

مارکسیستها از حمله حزب توده بنظر
کوارشتر برای رابطه برقرار کردن با کارگران
" با آگاه ترین، مترقی ترین، پیشروترین
کارگران ارتباط برقرار میکنند و سدیگا را
بوجود آورده، اولین هسته ها را در درون
کارخانه درست میکنند و کم کم به آن شکل
می دهند و سعی میکنند کارگران دیگر را نیز
جلب کنند*.

یکی از سمپاتها در کارخانه برای کارگران
توضیح میدهد که " چون امام خمینی
گفتند هرکس با هر سلطی و عقیده سیاسی
و مذهبی که دارد باید با امپریالیست بجنگد
و از همه خواسته اند که متحد شوند، پس
هرکس غیر از این بگوید و هیولائی از کوه
سازد کار اشتباهی میکند و در خدمت ضد
انقلاب است و همه مردم باید با هم متحد
شوند بر علیه دشمن اصلی آمریکا. بنابراین
تعارف مری بر سه متحدین نوده ای و فدائیی
و مجاهدین کار دشمن انقلاب است."

و در این کارخانه کارآمد کارگر چی آواز
... طرهدار انقلاب اسلامی آنقدر نجس
ناشر این خاتم نوده ای فرار گرفته که سه
اشنان میگردد: من شما را استخدام کرده ام
و به درکن نباید اختلال گرفت. حاج از آن
آدمهایی نیستند و اشنان طرفدار و پیرو خط
امام میباشند."

کرارش سمات دیگر عضو سازمان جوانان
حزب در کارخانه ... اعضایی بحاضر بود
ویژه صورت میگردد که حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰
نفر از ۱۲۰۰ نفر دست به اعتصاب و نظاهرا
میزنند و رئیس کارخانه اعلام میکند که
مگر امام نکته نظاهرات نکند. سمپات
دیگر حزب به اسم ... در اعتصاب شرکت
نمیکند و میگوید این نظاهرات به نفع آمریکا
است ولی من به او میگویم بهر حال باید با
کارگران همراهی میکردی و ... در خلال این
اعتصاب و تحمض جریان کار به نظر نوده ایها
در دست مائوئیستهای کارخانه است.

رن نوده ای گزارشگری از کارخانه دیگر
از کارگران در مورد خواسته هایشان شوالائی
زده و آنان خواسته های صعی خود را مطرح
کرده است ولی یکی از کارگران چنین بویه که
"باید با اینکه که حرف از این بزنند ..."

از موارد دیگری که در گزارشات سمپات
حزب چشم میخورد اینهاست:

۱ - سمپات از یکی از کارگران می پرسد
بنظر شما دوستان انقلاب و دشمنان آن
چه کسانی هستند؟ کارگر جواب میدهد
" آمریکا، شوروی، چین" سمپات میگوید
شوروی که از ابتدا انقلاب را بحال حامی!
ملت ما بیزده است پس بطور دشمن ما است؟
بعد توضیح میدهد (شوروی، ویتنام
و کوبا) کشورهای هستند که دوست
بحساب می آیند و آمریکا همچنانکه
امام گفته است دشمن ما است."

سمپات دیگری بار در کارخانه دیگری
پس از آنکه بر سه مسائل سیاسی
دعوائی در کارخانه واقع میشوند،
فوراً "بسیان آنها رفتند و مخالف خود
را با کسی که مخالف حکومت صحبت کرده
اعلام میکند و از امام و خط امام
و خط ضد امپریالیستی امام و وحدت
گروهها شروع به صحبت مینماید و سه
این ترتیب عمده ای از کارگران که او
را نمی شناسند او را تائید و احترام
میکند."

یکی از سمپاتها که توانسته بود
سزای خود در کارخانه عمده ای طرفدار
پیدا کند خود در گزارش میگوید:

و در مورد احزاب برای کارگران شرح
میدمید که: "گوبله جیب نمای امپریالیستی
و فریبان مذهبی نمای آمریکائی است
و بغول رفتن جیب دشمن هدف ... است!
(کمونیستها و مائوئیستهای راستین)
آمریکا است، سرجه بیاید از این
شیرسم عایبه آمریکا.

"اکنون اغلب کارگران پس از مراسم
گذارند اما اگر بپند که پس از این
هستم، قطعاً مرا بیرون خواهد
کسرد."

سمپاتها معمولاً در کارخانه خود
را مامان برتری کرده و در تمام می
خوانند و اگر زن باشد روسری بزرگتر
میکند، اما خود میدانند که ت
این رفتارشان فریب است.

ادامه دارد

به من نگاه میکند و بار هم منتظر جواب است. مجبور شدم بگم چي‌ها هم توی جریان بودند. چون قبلاً این سؤال را از رفقای ديگر پرسیده و در ضمن ميداندم که چي‌ها هم در داخل خاکردان بوده‌اند.

س: ۱۵ خرداد چه روزی بود؟ روزی که شاه و عمالش کشتار خونين کردند و امام تبعيد شد.

س: تبعیحات ارجمه را بخوانید - سورمحمد با معنی نماز صبح چند سجده دارد؟ بطور کامل جواب دادم.

س: جنبش جنگل را ميتوانید بگوئيد چه بوده؟ من چيز زیادی نمی دانم اما ميدانم که رهبر آنها ميرزا کوچک خسان بوده.

بشتر چيزی نگفتم چون حتماً "مجبور بودم که بگويم ارتش سرخ او را شهيد کرده.

س: نظر شما درباره "حلمانی چيست؟ ایشان فرد انقلابی و مسلمانی هستند که کارشان خیلی مورد تأیید من است.

بعد هم گفت: ميتوانيد برويد. در طول مصاحبه خودم زانه گيجی و سنگی و مظلومی رده بودم تا فکر کند زياد معلومات سياسی ندارم. چون تجربه در اين مدت به ما نشان داده هرچه بیشتر بدانم امکان جلورفتن برايمان سخت تر ميشود.

روز بعد یعنی ۵۹/۴/۵ برای گرفتن نتیجه به گرج رفتم. خوشبختانه قبول شده بودم. فکر میکنم رويهم رفته از ۶۰ نفر ۱۴ الی ۱۵ نفر قبول شده بودند که ۴ نفر از آنها توده‌ای بودند. نمره امتحان روشن ندریس هم از ۲۰ تا ۲۶/۵ گرفته بودم این دومين مصاحبه من بود. روشنگر مقدم.

گزارش: کشانی ۵۸/۱۰/۲۱

سسه عالی

همچنانکه در شماره پيش ذکر داديم حزب توده پس از انقلاب تمام سعی خود را بر روی نمود در نهادهاي مختلف گذارد تا از اين طريق بتواند قدرت خود را در بين مردم بیشتر نماید. توده‌ايها چهره مذهبی و فريکارانه به خود گرفته و در کاخانه‌ها و نيروهای مسلح، جهاد سازندگی، کلاسهای بيگار با بسيوادى، مساجد و حسينيه‌ها انجمنها و شوراهای، مدارس و دانشگاهها نفوذ کرده و با صبر و حوصله بسيار بيگرا دراز مدت را جهت جذب اعضا، برای خود پياده میکنند. حال برای روشن تر شدن کیفیت فعالیت حزب توده بذكر پارهای از گزارشات اعضای حزب توده از زبان خودشان ميپردازيم.

۱- گزارشات مربوط به کلاسهای بيگار با بسيوادى:
اولين گزارش از جریان امتحان یکی از توده‌ايهاست که از محل مصاحبه ميگويد:
"... من و سودابه با یک دختر حرف مي‌زدیم او ميگفت: آقای حمایز میگفت که توده‌ايها آمده‌اند توی نيست و خیلی خوب هم رو ميگردند. بنابراین مجبور شد سؤال کنند. من نفر دوم شدم که مصاحبه ميکرد یک حالت پشت مير شستن را بخود گرفته بود من تمام سوالات را جواب دادم. سعی کردم توی چشمهايش نگاه نکنم چون اين مسئله بود من تمام سوالات را جواب دادم. سعی کردم توی چشمهايش نگاه نکنم چون اين مسئله برای آنها مهم است بخور کلی ظاهر، رفتار لباس و طرز جادر سر کردن برای امتحان دادن مهم است. البته ترسنت سوالات درسيست. س: ما ميدانم ۲۸ مرداد چه شده؟ خوب آمریکا کودتا کرده. کمی مکت کردم و دیدم

الف : دولت آباد

در این هفته روز یکشنبه فیلم سقوط ۵۷ در مدرسه بورجهان دولت آباد بنمایش گذاشته شد . پوستره‌های حزب به دیوارها نصب شده بود و من و شهرزاد صبح آنسروز تعداد زیادی شمار تهیه کردیم و پوسترها را مرتب و گفتمهای آنرا بزرگ کردیم و مصر به تلاش مهدی و شهرزاد در دو سانس مردانه و زنانه با استقبال حدود ۷۰۰ نفر از مردم دولت آباد نمایش فیلم روبرو گردیدیم . بلاکاردها شمارها و پوسترها به درخواست - ملتان و مدیر مدرسه که به دیوارها نصب شده بود باقی ماند . مردم از بهمه‌های برای نمایش فیلم تشکر کرده‌اند . و تقاضای نمایش فیلمهای بعدی نمودند .

کلاسهای دولت آباد کاملا از لحاظ کلاس درسی ، ماهیتی سیاسی بخود گرفته و تلاش بهمه‌ها در جهت دادن شناخت طبقاتی بنمسر رسیده و اکنون در کلاس وقت و زمان شخصی را شاگردان به بحث سیاسی مشغولند و خیلی فعالانه در آن شرکت میکنند . و تا حالا موضع‌های طبقاتی و ضد امپریالیستی توانسته رای اکثر آنها مثبت ارزیابی بشود .

کلاس زهره خوبلو :

چند نفرا که مخالف بحث سیاسی بودند قانع کرده و بقیه را که مشتاق بود ند تشویق کرده و از نتیجه بحثها که هم موضع طبقاتی و ضد امپریالیستی بوده آنرا تقویت کرده است . زن کارگری که نسبت به مسائل سیاسی هم مشتاق و هم در جریان بحث کردن فعال است و هم از موضع طبقاتی با دیگران سه بحث نشسته کما عظم و زهره میتوانند او را آماده و تربیت کنند . در ضمن زهره مقاله " مردم را خلاصه کرده و در سر کلاس خوانده است که موجب بوجود آمدن بحث شده اعظم تراسی :

اعظم هم در بحثهای سیاسی کلاس فعالانه جنبه‌های مثبت بهمه‌ها را تقویت کرده و گمانیکه بی تفاوت بوده‌اند به بحث تشویق نمودماست . این کلاس چون با زهره مشترک است از لحاظ اینکه توانسته اینطور شناخت سیاسی را کسب کرده مدیون فعالیت هر دو آنهاست . مخصوصا از هنگامیکه مثلا آنها را در راهپیمایی و تظاهرات سیاسی به سلطرت بردماند .

شهبین :

شهبین با شاگردانش رفت و آمد میکند خانه یکی از زنهای کارگر که وضع اسفباری داشته رفت . اعتماد آنها را خوب جلب کرده و حتی از برادر یکی از زنهای برای تبلیغات فیلم استفاده کرده‌است . شهبین میتواند خیلی خوب با این پیوند و رابطه عاطفی هم این زن ، وهم خانواده او را تربیت کند و جنبش سیاسی و آگاهی طبقاتی او را هم ارتقا دهد .

خیاطی :

قرار است آذر شاه رگزی هفته‌های دو روز در حضور آباد کلاس خیاطی باز کند ، شهبین دنبال جا رفته ، تا افسر بشود یا در مدرسه یا در سمیه آنرا انجام بدهند .

سوریه
کلاس برابری

رضا با کارگرا صمیمی شده ، نقطه نظرهای طبقاتی و ضد امپریالیستی را در آنها رشد داده و رابطه اش طوری است که میتواند آنها را تربیت کند . رضا مرتب کلاسهایش می رود . کلاس بیروین و فرزانه ؛ کلاس آنها نسبت به قبل بهتر است . بیروین و فرزانه مرتب کارشان را دنبال میکنند و رفت و آمد با زبان محل دارند و توانسته اند با آنها صمیمی بشوند . کلاس محمد رضا عزیز ؛

مزیزی بیشتر از یک هفته است که به کلاس می رود . شاگردان او افراد کمیته هستند که اکثر آنها کارگران بیکار هستند و من که قبلاً با آنها برخورد داشتم . زحمتگشایی هستند که بیش طبقاتی تا حدودی دارند و لئوسی از لحاظ سیاسی میتوانند تربیت شوند . بیکار کارخانه ها ؛

الف : جهت ممتازا

در جهت ممتاز دو کلاس داریم یکی اول بیکار است و دومی کلاس پنجم است که حدود یک ماه است آنها تشکیل داده ایم . کلاس اول بیکار : حمید صنعتی .

حمید (حیدرتیگو) نه تنها سطح رشد شاگردان خودش را از لحاظ سواد بالا برده بلکه نسبت به مسائل سیاسی آنها را آگاهانه هدایت میکند . مهمترین مسئله که در کلاس کارگری پیش می آید گرفتن رهنمود برای جریان

های سیاسی و صنفی کارخانه است که توسط کارگران از حمید میشود .

حمید توانست تا حدودی جریان و اوضاع کارخانه را در گزارشاتش بدهد و مسلماً جریان های کارخانه در کلاس او هم منعکس میگردد . و حالا موقعی نیست که مانسبت به اتفاقات کارخانه و سرنوشت کارگران بی تفاوت باشیم در کارخانه نارضایتی حکمفرماست . این نارضایتی را از طرفی مدیریت کارخانه شخصی بنام مقدم باعث شده که نمایلات ضد کارگری دارد . وقتی نگرانی را بصورت ساواک مآبانه

از مناسر نامگون تشکیل شده که مدهای از آنها زیر نفوذ کارفرما قرار دارند و در تصمیم به ضد کارگران عمل میکنند و با همدستی مقدم بقیه نمایندگان خورا عملاً غیر فعال شده اند . در بین کارگران نیروهای سیاسی فعالانه از این نارضایتی ها بهره گرفته و می خواهند کارگران را عامل دست خود کنند . مدهای کارگران به اصطلاح بیشتر که قبلاً

طرز تشکیل آنها را گفتیم و مدهای کارگر نماهای جدید الاستخدامی هستند که از مائوئیسم گرفته تا خط سمای فعالانه آنچنان همکاری ازشان ساخته نیست . برای شناخت این مناسر در بین کارگران (منظور مائوئیستها و پیشروها و خط سه و بقیه) دست به عملی مهم ا جمشید را من هنوز نتوانسته ام ببینم . برای هماهنگی در کارخانه خیلی

لازم است. حتماً " او با من تماس بگیرد .
کارخانه مارگاریس :

کلاس دایر است . کلاس اول پیگار تصور
سیاهی آنها کاملاً " بالا است و طبعاتی است
ضد امپریالیستی است بجای من و مهسدی *

آقای هدایت امینی از علوم اجتماعی
به آنجا فرستاده شد که با اینکه
یکپخته کلاس تعطیل شده بود دوباره
تشکیل شد و ایشان تدریس کردند
گزارش او هم قرار است هفته‌ای برایمان
بنویسد . من او را و حمید و جمشید
را قرار گذاشته ایم بصورت حوزة
تجارب خودشان را بهم منتقل کنند .
در ضمن در تشکیل کلاسهای دیگر
کارگری به عهده آنها اضافه میشود .
در آینده میخواهم در کارخانه
مارگاریس فیلم نمایش بدهم .

مجمع صنعتی :

خانم علیدوستی از علوم اجتماعی در مجمع
صنعتی خهابان خاوران کلاس را که تشکیل
داده بودیم اداره میکند و حالا که وقت ندارد
هفته‌ای سه روز در آینده که استعاناتش تمام
شد هر روز خواهد رفت . شروع بکار کرده
به تدریس مشغول است .

ادامه این گزارشات را در هفته آینده میخواهیم.

شناختنامه احزاب

و گروه‌ها

1

حزب توده

کتابخانه انقلاب اسلامی

پنجمین ۲۵ فروردین ۱۳۶۵ صفحه (۳)
۴ جمادی الاخر ۱۳۰۱

ارزشیوه‌های

نفوذ توده‌ایها در مراکز مهم

میدان تاهمپور:

در اطراف میدان تاهمپور در دو منطقه آن که دارای کارگران زیادی است که هم‌انعداد می‌خواهند و هم علاوه بند به تشکیل کلاس پیکار هستند می‌خواهیم دو کلاس تشکیل بدهیم. با محمدی از استیتو تربیت دبیر - الان در کلاس شماره حوسبی دوره تدریس بکار را می‌گذراند که اس هفته که ماده شد من به اعان او کلاسها را در مدارس بریا می‌کنم او مثلا "بوانی کارگران را برای سکیل کلاس بدست آورد است."

سپهر حوسبی:

مدیر فرهنگ نو سپها از ساعت ۷/۵ به بعد دوره کلاس سوادآموزی سوسه حسن ملک از حدهای خودمان و افراد محل در جزایر - سنگ کارس حوت است که چند حرکتات مرتبکی بدش باید ما حوتناپید بجهما واقع نده که البته هیچ مسئله‌ای نیست و حالا همد عادت کرده‌اند. این هفته کلاس بهایان سرمد.

حلب آباد:

حاجم سما پوزان بوسف فیلم طاعنوت ساه را نمایش داده و حالا نمایشگاه خلقها برنله امیرالایست دانشجویان دسوکرات را میخواهد در حلب آباد برگزار کند. بسک کلاس پیکار برای بررگسالان عصرها سه روز هغه سکیل نده که بکشر را برای تدریس می‌خواهد.

گزارش کلاس پیکار در مسجد هرمدی واقع در حیابان غار در حال حاضر ۱۵ شاگرد داریم و از تاریخ ۱۳۵۹/۴/۳ تا امروز بتاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۹ مرتب کلاس تشکیل دادام.

شاگردانم اکثرا جوان هستند و بیانه‌شان رفت و آمد می‌کنم چون اکثرا "گودنشیس هستند و به خواسته‌هایشان تا کنون رسیدگی نشده است اکثرا حالت ناراضی بخود گرفته‌اند ولی رهبری امام خمینی را قبول دارند و به صداقت امام خمینی متفق هستند. فعلا در آن محله‌ای که من درس میدهم ظاهرا حزب جمهوری اسلامی خیلی تبلیغ میکند چه از طریق مساجد و چهار طریق جیدن بساط و غیره از حیابان هم که میگذری جوانهای محل اکثرا در حال بحثهای سیاسی هستند از لحاظ حواسی محیط آنها مساعد است در مسجدی که در آن درس میدهم بسر صاحت مسجد که حمت هرمدی نام دارد و با یک نفر دیگر که اسم او محمد است سخت مشغول محالبت اند و دائمیا "سرای حوان محل را در مسجد گرد می آورند و به آنها درس ایدئولوژی اسلامی و قرآن درس میدهند و علیه نیروهای مترقی از جمله حزب توده ایران و شوروی تمار میدهند. در ضمن به نغس از بجه‌های شاگردانم تحدیدی دارند که من به آنها در مسجد درس میدهم و از قبول کردن شاگردان دیگر خودداری کردم چون نمی‌رسیدم. پیشنهاد می‌کنم یک نفر کمک به مسجد بغوشیتند.

آدر حواد:

گزارش مختصری در مورد تشکیل کلاسها در دولت آباد - منصور آباد و حوامسرد مصاب.

در دولت آباد فقط یک کلاس خانمها

داریم که از اوائل آتاماد ۱۳۵۸ سکیل نده است و بسط دو نفر از رفعا سانهای اعظم برای و رهزه حیلو تدریس مسود اس کلاس کلاس اولی سکار مساند. نظور کلی کلاسهای که داتر مساسند

مبارتند از: یک کلاس در دولت آباد و دو کلاس در منصور آباد و سه (۳) کلاس در جوان مردقصاب که رو بهم رفته (۶) کلاس در این مناطق داریم و امیدواریم که در اسرع وقت دو (۲) کلاس دیگر نیز تشکیل دهیم. یک پسر و یک دختر برای تشکیل کلاس معرفی شونند.

گزارشی از فعالیتها در شهرک بحث:

جو مذهبی شهرک قوی است و شهرک دارای شوراست. با این وضعیت اگر کلاس تشکیل شود از ما مدرک خواهند خواست و ما را تعقیب خواهند کرد. من قول دادم که غروب شبه بدانجا بروم اما بهتر است که من بروم و جابم کسی که مدرک دارد اجلا" برای تشکیل کلاس بدانجا برود.

در موقع برگشت جوانی داشت اعلامیه مردم را پخش میکرد او اعلامیه را طوری بدستم داد که نوشتههای آن اعلامیه شخصی نبود اعلامیه را گرفتم باز کردم دیدم مردم است او را که کمی از من دور شده بود صدا زدم گفتم آقا این که مردم است گفت آره مال جزب توده ایران است گفتم... و اعلامیه را باو پس فرستادم او هم گفت عقیده شما است آقا و گرفت و دور شد.

آری برادر! نمیتود توی اینکار اعلامیه حزب خودمان را بگیریم و با تمام احتیاط بخوانیم از این لحاظ صد افسوس!

سافیر علوی.

قسمتی از گزارشی درباره: اسلام شهر-

دولتخان - همایونشهر:

صبح روز یکشنبه جهت اطلاع از وجود کلاس سواد آموزی عارم نادشهر (اسلام شهر) شدم به سه راه کوجه چهارده محصور رفتم مسجد بسته بود ۴-۵ نفر کمی آنور تر داشتند صحبت میکردند. آذربایجانسی بودند پرسیدم تو این مسجد کلاس سواد آموزی دایر هست گفتند بلی تو این مسجد هست و مجلس هم از خود همین محل است ولی فایده ندارد عرض ۱۵ روزی که کلاس تشکیل شده ۴-۵ روز غیبت داشته و بطور بی گزین نامه. گفتم اگر کلاس درست و حساب

تشکیل بشود حاضرید شرکت کنید؟ گفتند بلی! بعد یکی گفت مجلس کمونیت نباشد؟ و یکی برگشت گفت نه دیگر آقا خودش هم ترکه اگر کمونیت باشه زود می فهمیم. گفتم خیالستان تخت باشد من از سوی نهضت سواد آموزی آمده ام و کسی هم که بخواهند نباید درس بدهد با بد از سوی نهضت یا پیگار با بیسوادی باشد.

صبح روز سه شنبه برای اطلاع از وجود کلاس سواد آموزی به سوی همایونشهر و دولت خان رفتم. اول به همایونشهر سر زدم اکثر خیابانها و کوجههایش خاکی بودند از چند نفر پرسیدم و همچنین به مساجد امام حسن محنتی و ظاهر بزرگ رفتم گفتند اینجا کلاس سواد آموزی تا حال تشکیل نشده مفداری بالاتر رفتم به خیابان ابودر رسیدم یک دبستان پسرانه به اسم طوسی بود که



بالایش نوشته بودند کمیته پیگار با بیسوادی از مستخدم مدرسه پرسیدم گفت پله خیابانی وقت پیش کلاس تشکیل شده و شبها درس میدهند.

بعد یک گشتی در کوچه و پس کوچه‌های
خاکی همایونشهر داشتیم چند شعار از حزب
کمونیست کارگران و دهقانان توفان پنجم
میخورد و دو جا هم نوشته بودند مرگ بر
حزب شفق سرخ و دو شعار از سازمان پیکار
درمورد رور کارگر نوشته شده بود.
به خیابان نحتی و مدرسه محمد غروران
رسیدم مدرسه بسته بود از یک جوان پرسیدم
اینجا کلاس سوادآموزی بزرگسالان هست؟ -
گفت خیر و اینجا حرو و صفاره.
از خیابان نحتی بطرف همایونشهر برگشتم

دوتا پوستر از حزب پنجم میخورد یکی -
خبروروزیه قهرمان ملی ایران و یکی پوستر
ضد امپریالیستی که هر دو دست نخورده باقی
مانده بودند.

سپس روانه دولت خان شدم از دور -
کوره‌های آجر بزی یا بهتر بگویم کوره‌های
آدم بزی پنجم میخوردند هر ماشینی که از
خیابان اصلی محل رد میشه از گرد و خاکسی
که بلند میشه چند دقیقه‌ای نمیتود نفی کشید
هوا خیلی گرم بود وارد قهوه‌خانه شدم تا
دو تا جای بخورم از قهوه‌چی پرسیدم اینجا
برای بیسوادان کلاس نوادآموزی تشکیل
شده گفت بله تو این کوچه دست چپ هست
رفتم مدرسه را دیدم تا بلوزده بودند
(کمیته پیکار با بیسوادان منطقه شهری)

بعد به دولت خان باشین که کمی باهم
فاصله دارند رفتم به مسجد محل (حضرت
ابوالفضل) سرزدم از یکی وحود کلاس را -
پرسیدم گفت حدود ۲۵ رور پیش از سوسی
پیکار با بیسوادان آمدند و حدود ۳۰ - ۴۰
مغر هم ثبت نام کردند و کتاب هم دادند
و چند روزی هم درس دادند ولی بعداز -
سیامندند و اسم آموزشاتش هم کیهانی بوده.

۱۳۵۹/۳/۱۵

گزارش کار دو هفته اخیر از میدان حنیف‌نژاد
- کلاسهای مسجد گدرفلی را بطور مرتب

۶ جلسه در هفته) تشکیل دادیم.
یعنی در روزهای شنبه ۵۹/۴/۷ و دوشنبه
۵۹/۴/۹ و چهارشنبه ۵۹/۴/۱۱ و شنبه
۴/۱۴ و دوشنبه ۴/۱۶ و چهارشنبه ۵۹/۴/۱۸
کلاسها تشکیل شد و بحثهای سیاسی در این
دو هفته خیلی بیشتر صورت گرفت. و فقط
یک مسئله پیش آمد و آن اینکه یکی از شاگردان
بعلت اختلاف او با کارفرما از محل رفت
و هنوز هم من نفهمیدم ما به کجا رفته‌است.
خلاصه وضع بطور کلی بسیار خوب پیش میرود.
- کلاسهای خیاطخانه کاظمی هم طبق معمول
روزهای یکشنبه ۲/۸ و چهارشنبه ۵۹/۴/۱۱
(روز یکشنبه بعلت یک گرفتاری خیلی مهم
از حضور در کلاس محذور شدم) و چهارشنبه
۴/۱۸ تشکیل شد. در این کلاسها هم خیلی
بحث کردیم و میتوانم بگویم جمعا ۲ ساعت
در عرض دو هفته (به جلسه) بحث سیاسی
داشتیم.

در رابطه با کلاسهای سازمان:

این کلاسها فعلا، عملا بدست رفیق
جلیل سپرده شده‌است. و گزارشات مرسوم
(جدول) را از رفیق بخواهید. ولی من
بطور غیر درسی، ارتباط خود را حفظ کرده
و به تبلیغات مشغول هستم.

معیبد.

گزارش کارخانه‌ها:

حال می برداریم به یک سری از گزارشات
که از ناحیه کارگری حزب توده بدست ما
رسیده‌است. اولین گزارش از یک کارخانه
باصدگی واقع در حاده کرخ است که یک دختر
طاهرا کارگرنام زهرا از کمیت فعالینش
در این کارخانه سخن میگوید.

بقیه در صفحه ۶

شناسنامه احزاب و گروه‌ها احزاب تنوده

شماره
ار صفحه
۳

شماره ۱۸ آبان :

این هفته با دسته دوم هم در مقابل من دختری شمالی کار میکند نام رفه که وضعیتی مثل من دارد. یعنی کارآموز است و با ما شش های بزرگ کار میکند. زن جوانی - او هم بعنوان کارآموز - پهلوی او کار میکند نام - سونیا. سونیا ترک است و یک بچه ۶ - ۵ ساله دارد و از شوهرش طلاق گرفته زن جاق و کم تحرکی است خوب کار نمیکند و خیلی از - اوقات هم حراب میکند. این مسئله باعث اوقات تلخی رفه میشود و هرچه هم به سونیا تذکر میدهد، وضعی نمی‌سپد. از آنجا که من و هم هستیم - اعظم - ثابت هستیم، این دو نفر یک هفته با من هستند یک هفته با اعظم. هفته گذشته اعظم بدفاع از رفه با سونیا دعوا کرده است که چرا کم کار میکند؟ و خراب کاری میکند و دعوا بالا گرفته است.

امروز سر صبحانه - لورر رفه به من گفت چون تنه‌است با هم صبحانه بخوریم - رفه گلنه میکرد از سونیا که او را اذیت میکند و میگفت که خیلی آدم بدی است و رفه از اعظم به محمد سیبیل - سرپرست دسته ۲ - شکایت

کرده است و او هم کند که اعظم غلط کرده! بهم کار سوسا را شرح کردم و گفتم که کارگرها باید با هم سخن بگویند و در مسائل که دعواهای من خودشان را بیس سرپرست مطرح کنند و باید با آنها که می‌خواهند خودشان حل کنند. در ساعت بعد رفه با حالت سرافروخته پیش من آمد و گفت رهبر من میرم سه عیالی - مانده - میگم که من محتواسم با این رفه کار کنم اعصابم را خورد کرده. من میرم پشت ماشین سخ پاره هزارا کنم فقط دو تا از ماشینها را راه می‌اندازد این که وضع همیشه. گفتم تو کنه الان ساراحت بودی که چرا سوسیا به محمد سیبیل شکایت کرده حالا خودت میخواهی ببری شکایت کنی؟ پیش خودتان حلش کنید. گفت: آخه نمیشه کار از این حرفها گذشته. گفتم: میخواهی منم پیام صحبت کنم. گفت: بسا رفتم و مدتی صحبت کردیم و من بسیار گفتم از اتحاد و دوستی و همکاری کارگران و بالاخره بعد از کلی صحبت توانستم آشتی شان بدهم سوسیا به من میگفت: شما از قیافه تون معلومه آدم فهمیده‌ای هستید ولی اون اعظم خیلی غفبه. بجای اینکه مثل آدم صحبت کنه به من گفته: هوئی خاک برس! چرا اینقدر خراب میکنی؟ منم گفتم: خاک بر سر خودتی مادر... اونم آمده با من دعوا گرفته و خلاصه

اینطوری شد. اصلا اعظم خیلی آدم... من نگذاشتم دیگر ادامه بدهد و گفتم: سپهره بس سر دیگران صحبت نکنم و حرفهای دیگری ردینم.

شناختنامه احزاب و گروه‌ها

تک‌پیمان انقلاب اسلامی
 پنجمین ۲۷ فروردین ۱۳۶۰
 صفحه (۳)
 ۱۱ جمادی الاخره ۱۴۰۱

۱ حزب توده

از شیوه‌های

نفوذ توده ایها در مراکز مهم

حدود سه ربع ساعت صحبت کردم . من ارتش برسیدم که جریان به کجا رسیده و او گفت محمود ابوبی - سرپرست - و کریم زاحریک میکند و با او میگوید مگر تو هم نماینده نیستی پس چرا او را - عباسی و علاملی - دسترس دارند و تو نداری . معلوم نیست آدمی که نماینده فقط ۱۵ - ۱۰ عراست چه حتمی برای خودش قائل است . تازه از وقتی که او نوبت سورا آمده هرکار حوسی که احسام میگفته سورا کرده و هرکاری که بد احسام نبود تقصیر عباسیه ؛ حال هم کریم کذا فی - عباسی - بزرگ در قسمت ماسوره سچی کار کنه و او - نباید جای من در دفتر و امور داخلی و خارجی کارگاه را بعهده بگیرد . سبب کفهام که تا - او ساند اگر نواسط خوب کار کنه حس سبب کار کنه تا فقط متحدانه این کار کنه ؛ خوب بگذره اثر حد سؤاست ابوبیوت بسوره میشه کی کار میکنه کی کار نمیکنه .

میگفت که اینها خیلی سعی کردند مرا برکنار کنند و حتی یکبار هم حدود چهل نفر از مکانیکها و رسها رفته اند پیش شورای جبهان جیت و خواستار برکناری من شده اند از جمله کسانی که این کار را کرده اند عشرت خانم است رتبه شیراز یکی از بیوزنها است و - چند تا اسم دیگر .

آخر آدم دلش مسوره وقتی می بیام برای آدمهای معیبه مثل اسها بذر خودنو در شماره تازه انجوری جو آدمو کف دسین میدارن همین عشرت خانم بوفه ای که جریان احزاب سرپرست بود به دسین گفته که دو روز دیگه عباسی را سرور میکن و بار من منعام و - محمود آقا و رسها . وقتی این منحود منسو سرور کنه و نس حالش نسبت من چه حوری

خواستگار ماطی فرار بوده روز جمعه مادرش را باورد و سپس دلیل عشرت خانم هم به نهران رفته و همه فامیلیهاش را دعوت کرده و به کیرج آورده اما چون برای مادر خواستگار ماطی آمده گفته اند رو نشنه می آیند و فامیلیهای ماطی جمعه اینجا بوده اند . - خواستگار را هم بدیده اند . امروز بعد از ظهر فرار بود خواستکارها نباید و ما کلی کار کردیم خاندرا معبر کردیم سوره و سیرسی حاضر کردیم و ماطی همه بد حمام رفت اما چیز آوردید که خواستگار مصرف نده ؛ خون یکی از همسایه ها بست سر ماطی بد گفته و گفته است که اسس سیرسی خورد کسی بوده ماطی در ۱۳ سالگی سیرسی خورد یک مرد زن دار بوده و جریان سبب خورد است و حالا این همسایه ناخس موضوع را دور دسین گفته - و سیرا دسین کک است و بوقه حساس حوسی سارند و غیره . صره واقعا سیرکی به ماطی خورد . سبک مقدار خودن را ارد که آبروم رفت . سحاره عدم حکار کم همه ؛ فامیل همندان آخس چه حواسی سببناش نده . من خوده را نکتم و کتی از این حرفها - من حلی دندار سس دادم و بی واقعا دتم بر اسس مسورد .

کسکه ۱۹ سال :

امروز آقای عباسی سزاسمهای من آندو بدت زیادتی صحبت کردم . من از قبل تصمیم داشتم درباره جریانات صدا امیرالسنسی نا او صحبت کنم اما بعدری حرف و درد دل داس که دیگر فرصت نده . خون سهر حال او هم بمسواست مدت طولانی سبلوی من سعاد بر ما من از کار عقب می افتادم . مگر چه

برم برات کار کنم . گفتم آه عیاشی
عیاشی شما همیشه از بعضی کارگرها می‌تالیس
اما به وقت نمی‌کردین به چیزی یاد...
بدین؟ موضوعات زو برایشان روشن کنی؟
گفت فکر میکنی نکردم من قبلاً بعضی روزها
کارگرها را بگفتم تا ۱۰ دقیقه برایشان
صحبت کنم و از کارهایی که می‌کردیم تا باید
می‌کردیم برایشان بگویم اما باز هم همین محمود
آقا و مکانیکهای دیگه به کارگرها گفتند که
عیاشی وقت شما را میکوه بخذاره کار کنی
و عقب می‌امیسی . اینکه بصایت من سویی
دستتونی و نشان تلف نمیده اما اگه من ده
دقیقه بخوام برایشان از مشکلات خودشان
بگویم از کار عقب می‌امیسی من دیگه چکار می
تویم بگویم؟
دوشنبه ۲۰ آبان:

از اقای عیاشی که بیرون آمدم گفتم آقاي
عیاشی بنظر شما چگونه که بریده، روزنامه‌ها
را روی دیوار برسم یا کارگرها که روزنامه
نمی‌خوانند لا اقل اینها بنویسند سینه‌دگفت
فکر خوبه شما خودت بگوش باش . گفتم باید
از این نوشته‌های خوب سینه‌ای داشته باشم
گفت : به ملی انباردار بگو سینه میتونه سینه
که یا نه . بعد گفتم هر سینه‌ساده‌سویی که سه
سنگ کارگاه باشد ما می‌پذیریم و باید همه
کمک بکنند و هیچکس گفته که کارگری که نوی
سورا است بگوش از همه کارگرها بهتر کار میکنه
و ... در صبحانه رفتم گفتم که آقا گفته روید
بگیرم و خودتین هم بخوانه زوره بگیرد
که حوات مانده در باره، کارهای امریکا و بعض
اوبیل و بعد از اعلات مقداری صحبت
کردیم . روزه دختر ۱۶ ساله و یکم سوادی -
است تا نارمال در دهان درصاف - را میز
ریدی بگرده آسان یا حواهرین حدیسه
حاجت و سوه حواهرین در کرج آمده (جدید)

حاجت رنی است حدود سی‌ساله و مریض . یک
دختر ۳ ساله دارد . بخاطر مریضی او که در
هوای مرطوب شمال نمیتواند زندگی کند
محمود شده‌اند به کرج بیایند خدیجه حاجت
برای درمانش زیر بار بیش از چهل هزار -
نومان فرس رفته است و حالا خودش در اینجا
و شوهرش در جیان جیت کار میکنه تا بنویسد
فرصتشان را بدهند . اوایل که من آمده بودم
خدیجه حاجت بخاطرنجی بود اما حالا کارآموز
بافشنکی است و در دسه ۱ روی همین ماشین
رقیه کار میکنه (

رقیه گرچه کم سواد است اما ذهن بسیار
فعال دارد و بسیار طرفدار امام و انقلاب
است و حرفهای مرا با صحبت های خودتین
تکمیل میکند و هرچه میگویم حدت میکند .
عصر به فاطمی گفتم مایبی فردا روزه بگیریم
گفت : آره بگیریم . فرار شد من فردا او را -
ببدا رکنیم .

سه شنبه ۲۱ آبان:

مناجاة ده دقیقه مانده به اذان مسج
ببدا رکنیم و ده فاطمی گفتم ده دقیقه مانده
تا سوید شد محوریم گفتم : به سینه‌سینه
شد و من خودم سینه‌ای جوردم السه باعد
از اذان طول کشید و حوات شد که فاطمی
سینه‌سینه آمد زوره بود . از من پرسید
راستی چه سینه‌ای باید بگیریم گفتم : باید
نیت میکردیم اعلانمون بیرون بنه و دست
امریکا از کورمان کوتاه شه . گفتم : قسم
همینو گفتم .

زسها غریبا هیچکدام زوره نگرفته بودند
از دخترها ۶ - ۵ نفری زوره بودند من سعی
کردم باحلیها حاجت زوره و حرایات ساسی
زور بیش نباشد از جمله عصمت فاطمی، سبهار،
رنا بد رسیدی دحمر حسن رسیدی از مکانیک
های دسه ۴ که دحمر حلی حوی است و زوری
هم که برای جنبه ظالمانی زنده بود - آمد
سکینه حواهر حسن استار - زنده آمد سکینه
و رنا بد زوره بودند . سبهار گفت کی حواتند
دار د زوره بگیره فرماستن آمه از حال سره
گفتم السه کی که سینه‌سینه لازم است - زوره

شناسنامه احزاب و گروه‌ها

۱- حزب توده

اذیتم میکرد. شب که روزنامه‌ها می‌بریدم فکر میکردم اینکار من تا چه حد مورد استقبال قرار میگیرد اگر کارگراها به آن توجهی نکنند. چقدر بد میشود.

سه شنبه ۶ آذر:

هر روز صبح با رفته دربارهٔ مسائل روز - صحبت میکنم. من دربارهٔ اینکه امریکسا نتوانست در ویتنام کاری بکند و با افتضاح شکست خورد، دربارهٔ کمک و حمایت کشورهای دیگر از جمله شوروی، لهی و کشورهای سوسیالیست (با ذکر گمبونیست) و مسائل دیگر حرف میزنم. بیکار شاهد بودم بسیاری از حرفهایی را که برایش زده بودم دانست به یکی دیگر از کارگراها میگفت و تعریف میکرد که به همسایه‌تان هم گفته بوده. بیکار هم که موضوعی پیش آمده بود در مورد کمونیستها برایش گفتم: که کمونیستها نند شاه و هند امریکا هستند. گفت: هرچه باشد خدا را که قبول ندارند. گفتم: وقتی اوسا از مابینش میگردد و صد امریکا هسد ما که باید ما بنشینیم دشمنی کنیم الان همه باید متحد باشیم و برسد امریکا بچنگیم گفت: آره باید متحد باشیم.

امروز ظهر در رختکنی جمع شدیم و آقای زرگر - که مسئول کارگاه آرمه شماره ۱ که در آنجا جلسه‌ها را آماده میکنند است - با کارگراها صحبت کرد و گفت اشکال شما چیست؟ گفتند: ما سوره نیست گفت آقای ماسی قول داده تا شنبه ما سوره جور شود. بعد دوباره محمود آقا صحبت کرد که گفت نمیتواند به امور سرپرستی کارگاه رسیدگی کند و حالا باید سرپرست دیگری انتخاب کنید. دخترها هم گفتند: غلامعلی. او هم که معلوم بود از پیش نظرش روی غلامعلی بوده راحت پذیرفت. از دست محمود به زرگر شکایت کرد که

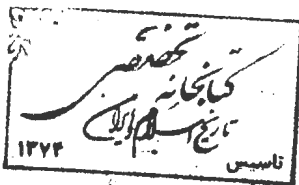
بگیره. ما روزه میگیریم که به امریکا نشینیم بدیم. نمیتونه مارا از گرسنگی بترسونه. اگه کسی نتوانست روزه بگیره بقیه جان میگیرن. پنجشنبه ۲۳ آبان:

امروز من با عباسی و محمد سبیل صحبت کردم راجع به اینکه زودتر به ما - من و اعظم و رفیق مائین عملی بدهند که ما هم کاربرد بشویم. گفتند: تا جله - توپ نج - ایس مائین بررگیا تمام نشه مائین جدید نیارم که بشه مائین بدیم.

ساعت ۱۲ یکی از مائینها خراب شدند. جله این مائین از همه بزرگتر است. و چون دیورتراز همه تمام میشود باید همش کار کرد تا لاقبل مدت کوتاهی طول نکند. من رتم به محمد سبیل گفتم باید مائین را درست ک گفت: باشه اما هرچه منتظر ندیم نیامد. ساعت ۱ دیگر حوصله تمام سرفته بود. چهار تا مائین را خواباندم و ایستادم که محمد سبیل سوره من بشود و باید. بعد جمعه ما سوره‌ها را به پهلوری زمین گذاشتم و رویش نشستم. محمد سبیل گرچه مرا میدید اما تا ساعت ۲ نماند که نیامد. افضاب یک نفره، من ساکت روبرو شد! و محمد سبیل هم به روی مبارک نیارود.

شنبه ۴ آذر مادی - پنجشنبه ۴ آذر:

امروز به تهران آمدم و برای تابلو بریدهٔ جراید بویولیت خریدم. اینکه من با جادو سرم و کیف دستم چطوری تا کرج آنرا بردم. نباید. یک روزنامه هم خریدم و چون کیفم پر بود آنرا بر بلم گذاشتم و چون تمام حواس من توجه بویولیت بود نتوانستم کمتر کم و افتاد و من فهمیدم کی افتاد محصور - ندیم در کرج دوباره روزنامه بحرم. آنجا هم مائین آوردم و سوار مائینی شدیم که تنها مسافری من بودم زیرا وجود بویولیت باعث شد که کسی دیگر نتواند سوار شود تازه حردم هم دانستم حرفه شده. این بیانتر لوسی شد که فوراً با زور شد: بود و سسر همه در همه ۷



هست که کمیونسه . جودین گفته بوده ایم .
 اکه بدوسی چه پسر جویسه . نه همه کمک میکند
 آغددر بربریره که خدا صدوبه اصلا نگاه زن
 و دحیر مردم نمکند . سواغلاب هم او بود
 که اول تو کوچه ما همد را جمع کردوسها
 رفتن پشت بام شعار میدادن جنگ هم که سد
 یادگان عشرت آباد نزدیک حومه رفسه
 بود جنگ . برادرم میگفت خیلی ارسبارها را
 کشته . فاطمی گفت : ! ! گفتم آره .
 یکدفعه فاطمی وسط حرفم گفت : کمیونسیت
 بودی ؟ اصلا جا نخوردم با خنده تعجب آسیر
 گفتم : کمیونسیت چه ؟ هاهاها و خندیدم !
 جانی بودم ! ارش هم میرسیدم چرا فکرکردی
 کمیونسیت بودم . بهتر بود می پرسیدم . (اصلا
 وقتی آدم رنگی نه گفتش ناسند تا خود آگاه
 سعی میکند موضوع برت بشود .) فکر میکنم
 موقعیکه بحث کمیونسیتها بود من نتوانسته بودم
 احساس خوبی را که به کمیونسیتها دارم بپسالم
 کنم یا بعد از این سسر مواظب ناسم
 انه فاطمی هم دساله حرف را نگرمت .

ماشینهایش را درست نمیکند و فرار سد همراه
 یکجلسه رسیدگی به دعوی آنها را برقرار
 کنند .
 بعد از ظهر با فاطمی صحبت میکردیم
 بحث کمیونسیتها شد . گفت من اصلا نمیدوم
 کمیونسیتها چی میکنن . من گفتم ضمیم زیاد
 نمیدانم اما شنیده ام که صد امریکائی و صد
 شاه هسند نوی اغلاب هم بوده اند . میکن
 که طرفدار رحمنکسها و کارگرها هسند بعد
 گفتم اینا دسه دسه اند . اسم حزب سوده
 را شنیده ای ؟ گفت : آره . گفتم مثلا اون یک
 دسه سد که میگه من طرفدار امام و اغلاب
 هسند . تا حالا هم بوده ولی بعد ناسند
 سسسم چطورید . به دسه سوم چریکهای
 فدائی هسند نه دسد سوم هسند که میکن
 کمیونسیم ولی معلوم سست حظاره ان . بعد
 براین گفتم . هسنا ما - بهران - به سسری

در صوم در این مدت که حادثه نان بودم دست کم در سه مورد یا حاشیه داده می‌آمد. سعی کردم این موضوع در دهس جا بکند؛ که ضعف کارگر در همد دسا وضع مناسبی دازه و تحت ظلم است بحر حذنا ار کشورها -انند بدون ذکر نام مثلا ستار در حالیکه گوتی پلاستیکی حاوی برنج آمریکائی را سانش میدادم گفتم من هر وقت این گوسپا رامی سیم بادم می‌آید که توی امریکا هم کارگرهائی هستند مثل ما که محبوزند صبح بلند تن.

محبورن ۸ ساعت در روز کار بکند غسوق بریند حستدیش مریض شس محس سسون اکثر گرومی سسند ستارس بر او ما د اکسد ستاری سسند سون شس محتاج سس. اگند حفسوسه محبورن اغمات مگسین و... وفا ضی سا حاشی میگسگر مگسند. آره کارگر همه سا سنجسته همین است که فاطمی داسب زوبوس سدوحا غهاس کمی حرات سده بود و او هم حوصله اس بر رفته بود. با غبطه گف: اصلا سون در آوردن هر حورش سدحسته. همه کس توی دنسا بآید با سدحی سوسو در ساره. گفتم مگر اینکه سرمایه دار باشه. گف: او ما که سون مفتخور سون محبورن گفتم: آره دنگه اونسافسقط به بولی میدارن تاره اوسم معلوم سست با چه دوز و کلک و دردی گیر آوردن. بعد کارگر باید سدحتی بکشد او ما حوشی سوسن وفاطمی تاشید میگرد.

سب روز ساند را سسین دادم که حواءد گفتم فاطمی حوسن مواظب ساس کنیف سد محوام سُرُم برای کار خود گف: ساند بعد گف: راستی سون خلی حوشی ها: چرا؟ حصد سد. (محواسب بگوید. دفاطی حاشا حاشی دارد اصلا دلش نمی آید ار بر دیکاس تعریف کند مادر سس ممتود (حورش سگوسند روس سسوسد) اصلا ار سس بی برسد حصد. مثلا سسی که ما درس ار دست حوسن کارگر گسرت کاس حصاه آمده بود آمد اناق من و کف: -

رها با سسین مادرم حصد. حیلی کره کسره گفتم: چرا ار سس بر سیدی؟ کف روم نسسه؟ بار گفم چرا؟ گف: آحه مسی رحمص میکتی انا رو جمع میکتی می بری کارخوسه می چسای. گفتم: سدوسی، من دلسم میخواد کارگرها از همه چیز حمر داشتند ساشن بی خبری ما سه سدحسته (گف آره والله) من دلم میخواد همه کارگرها سواد داشتسه باشن.

به فاطمی گفتم: چقدر خوب بود توی کارخوسه برای راهنمایی ها کلاس میداشتسین گف: آره خلی خوب سمشد. به فاطمی گفتم برو به عباسی بگو بدارن. گف: آره میرم میکم. گفتم سسهای نسری ها! حتما چن دسا از دخترها را جمع کن تا به حرف بگوش کسه. گف: آره فکر حوسبه.

چهارشنبه ۲۷ آذر:

امروز حصد نا دانشوی دختر آمده بودند اسم ما را برای علیم سون نظامی سوسند محمدرضا اسم کسای را که علامسد بود سد سونست. حلی ها بودند. بعد از آقای عباسی سسدم کد داسحوا ار نالیو برده حرات سد تعریف کرد سدوسند وگنه بودسد کار حیلی حوسبه و آقای عباسی همد گفتم بود کد یکی ار حواهر های ما رحص آرا کسده. اسگ اسکار مورد ساند عباسی است سسار ما سد سسگریم سساهد دیروز اطلاعات تیتس درشت زده بود کسه "گرومیکو حمایت شوروی از ایران را رسما اعلام کرد" و کسبان در مورد همین سسله ملاقات گرومیکو و مگری - با وجود اینکه

همان جمله را در متن حیرش داشت باخط
درشت در صفحه اول نوشته بود که بد گفته
مکری : در صورت تهاجم امریکاهای ایران به کک
نظامی کشورهای دیگر احتیاجی ندارد مین
برای اینکه احیاناً مسئله ای پیش نیاید هر
دو را خریدم و هر دو تیر را علاوه بر
گفته‌های امام و اخبار کردستان و دیگر اخبار
روی تابلو چسباندم . بعد از ظهر نیمساعت
مانده به آخر وقت دیدم زرگر و عباسی پای
تابلو هستند . چند دقیقه بعد پیش من آمدند
زرگر از من پرسید شما چند کلاس سواد داری ؟
گفتم مدرک نه رو دارم ، نصف ده را هم
خوانده‌ام گفت این خبرهایی که از روزنامه‌ها
میبری بیشتر چه خبرهایی هستند سیاسی اند
مذهبی اند تاریخی یا چیز دیگر ؟ من خودم
را زدم به آن راه و گفتم این خبرهای مهم رو
جمع میکنم . گفت : نه چه نوعشو دوسازه
سوالش را تکرار کرد من گفتم : خبرهای مهم رو
هرچه که درشت نوشته باشه بخاطر اینکه
بیشتر کارگزارها سواد شون کمه و خبرهای
درشت را راحت تر میخوانند . گفت : آها
خیلی ممنون (حالت مشکوکی نداشت) و -
رفتند .

بعدا که فکر کردم بهتر بود من ازش می
پرسیدم چرا می‌پرسی ؟ و بعد میگفتم اگر
نظری دارید بد من کک کنید تا سبت سانه
اینکارها انجام بدهم و باید همه همکاری -
کنند . اما فکر میکنم باز هم همان مسئله
" ریک به گفتش باعث شده بود من
ساکت بنم ."

شناخته شده احزاب

و گروهها

1

حزب توده

از شبهه های نفوذ توده ایها در مراکز مهم بروایت رفتن!

موضوع گزارش: کلاس پیکار کارخانه

جیت ممتاز

تاریخ گزارش: ۵۸/۱۰/۱۲

نوع گزارش: شکلیاتی

فوری: غیر فوری: موقتی:

نقل قول:

گزارش دهنده: سیمیا

در این کارخانه دو کلاس داریم

یکی از آنها کلاس نجم بیکار است

که ماهه شکل شده است و دیگری که

اول بیکار است .

در این کارخانه چند دحیر حوان

که حالا معلوم نده لسانه هسد

عنوان کارگر کار میکند! عده ای از

کارگران حوان را دور خود جمع

کرده اند و سره کارگران سرور را

بخس میکند . عده ای هم مسلمان

هستد که سخت ضد کمونیست و ضد

شوری هستند . پیشنهاد میشود در

صورتیکه (حزب) کارگرانی در شورا

و سا در کارخانه دارد ، شعار تصفیه

کارخانه را مطرح کند ، چون بیشتر

کارگرانیکه وارد شورا شده اند از

عوامل "ناسبی" سرمایه دار معروف

میباشد .

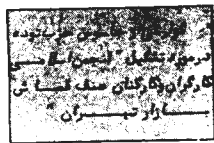
صما امکانی توسط یکی از رفقای
سطحه مرکز ایجاد شده که عده ای
حدود ۳۰۰ کارگر از زن و مرد را
خارج از کارخانه برایشان کلاس
بگذاریم . اما مشکل . محل کلاس و وسایل
تدریس است که باید از طریق جهاد
سازدگی تامین شود .

در پایان گزارش با خنجر درشت

و بصورتی کامل مشخص نوشته شده :

(لعلم کم داریم ، از مرکز

تأمین شود . لطفاً " !!)



روز یکشنبه

حنسه در مسجد جامعی در حدود ۲۵

عزیز کارگران با بارهای مختلف

بکسل سد و طرحی که از طرف کسی

از کارگران بار از که ساروئی احسن

و حال است نولور یکی آن اصرار می

وزرید تهیه شده بود . مورد بحث قرار

گرفت و نکات محلفی درباره و طاعت

کارگران و هیئت موسس گفته شد
که کلاً " میشود از درون آن نکات مثبت
فراوان بیرون آورد یکی از رفقا نیز که
نقش برجسته ای ایفا کرد و کار را سه
روال اصلی انداخت
فراوان بیرون آورد و روی آن کار کرد یکی
از رفقا نیز که نقش برجسته ای ایفا کرد
و کار را به روال اصلی انداخت بالاخره
هیئت موسس با وظایف انتخاب شدند
که ۷ نفر میباشند . چهار جوسی که برای
اساسنامه و کار احسن توسط یکی از رفقا
تهیه شده اند را اختیار هیئت موسس قرار
گرفت تا روی آن کار کنند .

بدا . عین بدن هیئت موسس احسن
که ما مور تکمیل اساسنامه شده است یکی
از دو سال با نام اساسنامه " که عضو هیئت
موسس میباشند و نقش مهمی در احسن
دارد دستوروی همه های اید نولور یکی
ایلامی احسن تا کند میکند ، با اسم
سندنگامی رسید می گوید سندنگام
عین است و از یکی از روحانیون مبارز
که دارای امکات بسیار مرفهی و راه یکال
هم میباشد دعوت کرده تا پنجشنبه به
اجنس میاید . خط داینگاه احسن دارای
یک جو همگون نیست مثلا " اسماعیل
میگوید این اسکت اساسنامه ما باید
۱۰٪ با مسائل حقوقی وصفی کار داشته
باشد و بقیه آن باید فعالیت اسلامی .
باشد و من طی بحث های مختلف شرح
دادم و یک مقدار هم تفسیرم از اینکه
اسم سندنگام را بر من با نام " کند روی
حقوق و این چیزها که خلافا فاصله مارک
زده شد . صحبت شد که موفقت ما
در تشکیل کارگران و بیرونی است که
پشت این احسن می تواند باشد . گفتیم
که خوب همین الان کارگران جمع می
شوند و با حوا و قرآن و سهج الملائع
حسرت علی را می خوانیم این خیلی
عالی اولین هدف ما میباشد و لی شما
کد گوئید . ۱۰٪ کار ما صفی و حقوقی
میباشد . آیا آن کارگری که از صبح بلند
میشود حرمانی میکند ، و یک موفقی
میآید " ها را لحاظ طاعتی تا " مس
باشد و بچه های شمارن را از طریق سیمه

درمان‌کننده و مضافه برای کسار
دیگری ندارد برای اوسایدکاری کرد
و به فکرش بود؟ تا جای آفادر کونه‌ای-
اناره کردند که در این در مسجد ها
سفری بود و جبهه‌هاست و همه
فراری بودند. و جاز در ایادیس
نفس را داسم‌اند. ما هم باید
هم‌طور باشیم !!

در بیان جلسه، اعلام شد هم
داده‌ند که هفته آینده در مسجد

جامع بازار، کتابخانه ۴۰ ستون،
کارگران بازار جمع کنند و قرار شد
در روز پنجشنبه، انجمن رسماً
اعلام موجودیت کند. در روزنامه
های جمهوری اسلامی شماره ۲۱۱
و نیز کیهان به این اعلام موجودیت
بجای رسید.

گزارش رفیق حزبی از کارخانه دارو پیش

بروز یکشنبه ۵۸/۱۱/۲۸
اعلامیه‌ای بر علیه شورا در مورد سود
ویژه پخش کردند کارگران دودسته
شدند یک عده موافق و مخالف به همین
خاطر اختلافی بوجود آمد.

بروز صبح نماز عشاء شورا
گفت‌های شورا بیرون کردند بحرم این
که با شورا همکاری نمی‌کند (چون صفت
از نظر عقده‌ای با آنها هیچگونه نفعی
ندارد) هم‌طور به صفت گفته‌اند
موکلین بومو حدیستند که شورا اصحاب
کردند. ما هم عده‌ای از طرفداران
حاجه صفت (حدوده ۵۰ نفر) موقع
صحافها دادن شعار:

شورا باید ناسد
صفت باید ناسد
مجمع عمومی شکل ناسد کرد

.....
بله با دادن شعارهای فوق به بخش
های بالا و کارمندی و سپس بر ستوران
رفتیم و در آنجا عده‌ای برای پیمان
دست زدند و پشتیبانی کردند و از
آنجا که به بخش پوکه سازی رفتیم
همه پشتیبانی کردند. سپس
به بخش دیگری رفتیم و به علت تمام شدن
وقت به بخش خودمان رفتیم ولی حسابی
سین ما طرفداران ضعیف بود بگران اختلاف
پیش آمد چرا که آنها می‌گفتند اگر به ما

سود ندهد تقصیر شماهاست.
ظهر هم بعد از آنها را شعار دادند به
بالا رفتیم که آقای قوالو از روی
کلخانه گفت:
مگر امام خمینی گفته‌اند نظایرات مخالف
است چرا غلغله می‌کنید بروید سر
کارها بنای یکی از رفقای آرا می‌گفت این
نظایرات از امام برای ما مانده چطور
او مخالف است؟!!

عده‌ای از جیبهای افراطی
روشن‌فکر شعار شورا فلاحی محل باید
کردند شوری واقعی ایجاد باید کرد و
انجمن اتحاد، کارگران اتحاد را می
دادند و کارگرها هم همین شعار را تکرار
نکردند. امیدی گهر دوست حلقه
ضعیف خیلی مایل بود عنوان اتحاد
دست‌هایمان را بالا بزنیم شعار اتحاد
احاد در ادهم حی حاشی کد لرومی
برای این شعارها نبود و سفکرها اصرار
داستند این شعارها داده شود سپس
طرفداران ما را با این شعار می‌گفت شعار
شورای اعلایی محل باید کرد شعار
حی اسحون ما بعد اسم فلاحی استنامه

دیگر حمایتگاهی از حسابات آمریکا گذارد
با حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ عکس .

در مورد او اشتباهی کردم مبنی بر اینکه
یک روز به او گفتم که اینقدر صحبت از سیاست
نکن . کارگران قبول نمیکند و فکر میکنند تو
زیادی خل هستی . یک روز دیگر او بهم
گفت : تو چرا این حرف را زدی ؟ گفتم :
چون تو اول باید بین کارگران جای بگیری
آنها تو را قبول کنند ، بعد اگر حرفی و اشکالی
به نظرت رسید بگوئی تا از تو قبول کنند . که
البته این اشتباه بزرگ من بود و خط مشی و
کار من در کارخانه و روش من برایش روشن
شد .



**گزارشی جامع به آستان
"انجمن جمعی" کارگران کارخانه**

حرفهای سیاسی بسیاری میزند بطوری
که بسیاری از کارگران قسمت از جلسه
"سادات خانم" را اوباراضی هستند
می گویند که موسسات خلیسی
سیاسی است . بردن را پله پله بالای
رود و او میخواهد یک هوا لای رود .
ارواحاً خصوصاً اخلاقی بسیار
سینه به سینه حرکت می کند و میخواهد
رود و ساله رود . تمام این مطالب و
صحنه ها و کارهای اوبانی شده که هنوز
همچو نشده . اوزابه کارگزینی خواسته اند و
میخواهند اوزا با یک نفر دیگر در قسمت لایراتوار
و شربت سازی موش کنند . او با این امر بسیار
مخالفت کرد و گفت باید حتماً به من بگویند که
چرا میخواهند مرا عوض کنند ، حتماً مسئله ای
وجود دارد . بالاخره یکی از افراد شورابند از
مسطه های مختلف گفت :

این گزارش که حال اسفادی است
مخمس می رود از دست مکتوب نظرهای
مافعا بود های هادر وجود هاستان
با کارگران می باشد . در حدود یک ماه
است که سر محدود حوائی در قسمت
با آمدن دو اسفاد ام بد داستان محس
ارواحاً محفلهای اخلاقی بسیار
اشباهه ، فشار می کشد سارسدرو است

شاید سرپرست شادرمورد کارتان احساس
خطر میکند !! که البته این حرف اوزا بسیار
ناراحت کرد و بالاخره او موافقت خود را با
کار کردن در قسمت دیگری اعلام کرد . ولی
واقعا چه سائلی وجود دارد ، هنوز مشخص
نشده است . سادات خانم میگفت : این پسر
موشی اینکه سرش را با این بیانند و کسارش
را بکند و سعی کند دیگران را اراضی بکند و بین
همه جا بگردد ، هی عصبانی میشود و حیرت
از سیاست میزند . البته من بخوبه خودم بسیار
دعا میکنم که سمیات حزب نباشد ، چرا که
رفتارهای بسیار خطرناک است ولی فیلزارین
ها مواضع بسیار دموکراتیکی نیز میگیرد از
قبیل اینکه : همه باید باهم اتحاد داشته
باشند ، کارگران نباید دعوا کنند و ...
این شخص در شورای اسلامی کارخانه وارد
شده و به گفته خودش قرار است تا چند هفته

نرسنامه اطلاعاتی حزب از وضعیت کارخانهها

سنگروههای سیاسی دیگر در کارخانه چه فعالیتی دارند (ارسال نمودن نشریات و وضع آنها در شوراها و سندیکا) چریکهای فدائیان خلق و مائوئیستها اعم از پیکار و انقلابی همینطور مجاهدین خلق فعالیت بسیار گسترده ای دارند تعداد روشنفکران طرفدار این گروهها بسیار زیاد است سازمان انقلابی اوایل فعالیتش محدود بود ولی با فرستادن روشنفکران بیشتر فعالیت بیشتری مثل احیانا "پخش اعلامیه با چسباندن بگها در اماکن عامه بر در و دیوارها" هر چه بیشتر کارگران ویران آنها به سازمان نشان بدون اینکه آنها موضوع را بگویند فقط توضیح داده میشود که اینجا جایی است که همه کارگرمی روند و بحث میکنند برای بدست آوردن خواستهای نشان وضع مائوئیستها و چریکهای فدائیان و مجاهدین (منظور از مائوئیستها بیشتر پیکار در اماکن آزادی طبقه کارگران) در شورا خوب است کارگرهای آگساز بیشتر طرفدار این سه سازمان هستند در شوری کارخانه فای فروتن، کاروند مائوئیست، نصیب کارگرو فای کریم رنجوی طرفدار چریکهای فدائیان خلق است پس سنظر شما کارگران کارخانه شما چگونه باید متشکل شوند؟

بین حزب طبقه کارگر و جنبش کارگری چگونه باید ارتباط برقرار شود؟

در هر کارخانه ای موقعیت خاصی وجود دارد ولی در کارخانهما بیشتر از راه فیلم و سخنرانی به ما علاقه هم با وجود این که علاقه دارند ولی بعلمت اینکه زیاد پختن می شود ممکن است خسته کننده باشد. ولی بهترین راه ما باید دادن فیلم و یادگذاشتن ما بشکاه عکس با نمایش ما است.

س چه مسائل مهمی در کارخانه شما مطرح است و حل آنها چگونه میدانید؟ بیشتر مسائل مهم کارخانه مسائل صغی است در حال حاضر کارگران بیشتر در مورد سود و یزه و ساعت کار، مهد کودک، غذای سالم و بد مزه و..... صحبت میکنند.

س - بعد از انقلاب تاکنون چه درخواستها و شعارهایی مطرح است؟ کارخانه دار و پختن مدارا انقلاب ملی اعلام شد این کارخانه منعلق به اسراف پهلوی بود. خواست ها و شعارهای سیاسی مثل قطع روابط با امپریالیسم آمریکا و با خطیر این شعارها بطور وسیع به هیچ عنوان دیده نمی شود ولی خواسته های دیگری دانند که ۷۲ ماده ای بود و آنهم دست مسئول پختن کارگری سازمان است.

س آیا میشود کارگران کارخانه را جمع کرد و در باره فعالیتها بحث نمایند؟ نه بجا طرا اینکه برای جمع کردن کارگران فقط شورا می تواند اقدامی بعمل آورد که متاسفانه شورای کارخانه دست افراد را است افراطی و با افراد ناآگاه است و به هیچ وجه فعال نیست.

س شورای کارخانه شما هم اکنون چه وضعی دارد؟ شورای کارخانه تشکیل شده ۱۵ نفر بازدمغز اصلی و بقیه ۱۱ نفر ۴ نفر کارمند ۳ نفر جگر ۱ نفر تکسین و ۲ نفر کارگر هستند و شورا دست معاصر راست افراطی است و به هیچ وجه فعال نیست.

شخصنامه احزاب
و گروه‌ها
حزب توده
قسمت نهم

کلاسهای پیکار با بیسوادی

حزب توده در کارخانجات

گروه معلمین کلاسهای پیکار با بیسوادی
تشکلات شاخه جنوب تهران حزب توده

منطقه دولت آباد:

- ۱- امیرداد نیکام
- ۲- اعظم ترابی
- ۳- زهره مغویلو
- ۴- شهرزاد
- ۵- شهین سیار

منطقه سعودییه:

- ۱- فرزانه
- ۲- پروین
- ۳- رضا دانش
- ۴- حامد

کارخانه چیت ری:

- حمید بیگی

کارخانه چیت ممتاز:

- ۱- شریعتی
- ۲- سراد حمید

کارخانه مارگاریسن:

- ۱- مهدی تفرشی
 - ۲- محمد بنائی
- گزارشهایی از وضعیت کلاسهای پیکار با بیسوادی حزب توده:

دولت آباد:

زهره این هفته مریض بوده و بجایش بکنفر رافرتادیم ، اسپهته هم نمیتواند کلاس برود ، اعظم سرکلاس در مورد انتخابات صحبت کرده و صحبتی راه آنها نشان داده است یک دختری که آنجا درس میدهد ، محصل است و میشود رویش کار کرد احتیاجیه یک دختر محصل کلاس دوم نظری است که با او دوست شود در ضمن کتاب کودکان برای کتابخانه مورد نیاز است.

مصورآباد:

شهرزاد اعلامیه و پوسترهای حبیبی را پخش کرده و مدداری از پوسترهایش راه دیوار چسبانده است ، شهین هم در سر کلاس رفته است ، شهرزاد در کلاس حتی در مورد حزب و خیلی مسائل دیگر صحبت کس کرده چند نفر را در گزارشش ذکر کرده که سه سبنا آزادیگی مطالعه مباحث سیاسی را دارند بلکه خواهر یکی از آنها کتاب جهان زبان را خوانده است ، جو کلاس شهرزاد و سهیل ارتعور بالا و آگاهی برخوردار است.

کسلاص مهدی:

مهدی در مورد کاندیدها ، صحبت کرده و گزارش از کارخانه ذوب مس دارد و همچنین در مورد مسائل سیاسی و امپریالیسم آمریکا صحبتهای زیادی کرده است.

جوانسرود قصاب:

حلم ورزش به مدرسه ایران شهر تفرقی شده و سرکلاس سرود ، مهدی ، مهندس راهم برای کشیدن نقشه برده است ، در ضمن دو کلاس یکی دخترانه شبانه و دیگری پسرانه تشکیل شد ، که زهره در بیخ گفتار از علوم

اجتماعی با هدایت امینی از علوم اجتماعی و کلاس را اردست دادیم !!
آنجا درس می‌دهد

کلاس خیاطی:

هفته آینده ثبت نام برای کلاس خیاطی شروع می‌شود. در مسجد فراراست کلاس برگزارند.

احتیاجات:

کیوسک که بجایش بوسیله مهدی آماده شده -

است و فراراست کیوسک تهیه نمود ولسی هنوز نصب نشده. یک کلاس جدید دخترانه در جوانمرد قصاب ایجاد شده که شنبه معلم کلاس را انتخاب و به آنجا می‌فرستند. کارخانه چیت ری:

کلاس را می‌خواهیم در چیت ری ایجاد کنیم. یکی از شاگردان شهرزاد گفته که در آنجا کلاس بپکارت نیست.

کارخانه چیت ممتاز تهران:

در این هفته بعد از آن سائل که گزارش داده شد جلسه ای با کارگران برگزار شده بود که ۶ کارگر شرکت داشتند و آنها با حیدر به بحث نشستند. قرار بوده از تشکیلات جنوب با ماهیا حیدر تماس بگیرند تا ما کارمان را بسازیم آنها ما هنگ کنیم. در کارخانه ۲ کلاس داریم یکی پیگار و دیگری پنجم دبستان. جمشید از روزی که رفته هنوز اطلاعی به ما نداده ولسی مثل اینکه کلاس را تشکیل داده و کتاب را هم گرفته است. وضع کارخانه متشنج است. کارمرا با بر علیه کارگران موضع گیری کرده است

سبوه کار کساحانه:

گفتم برای اینکه حلب نظر کند بچه هارا - پنج نفر پنج نفر در روزهای مختلف که بچه خانه می‌آیند کتاب می‌دهیم. آذر رحش و آفتاب. جهانزبان (برای خواهر و مادرشان) نیز می‌دهیم تا بخوانند و درباره آنها و مقالات آن بحث بکنند آنها می‌خوانند از کتابخانه کارتررسی بگیرند ولسی دیدیم وقتی کارت بدهند این باعث می‌شود از طرف مسجد جلویشان گرفته شود ولی با این شیوه پیشنهادی حتی بچه هارا به نانو، فیلم و نمایشگاه هم می‌توانند ببرند و اینها هر هفته جمعه خانه مار جمع میشوند و هم در سووم جلسه را برگزار می‌کنیم.

سه جوان که مدتی به آنها کتاب ملسی داده بودم حالا از من خواستند که در نوشتن

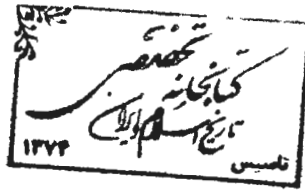
و تدوین یک روزنامه دیواری که هم برای -
 مسجد و هم خیابانها باشد باریکم.
 آنها البته هم به حبیبی رای دادند و هم -
 دارسدمکم کم طرفدار خط مشی حزب توده

میتواند ، دیلمه و دانش آموز هستند
 و جز ' بچه های صادق و فعال و خوب مسجدند
 با آنها هم جمعه صبح قرار گذاشتم و در -
 ضمن آنها هم به مطالعه کتب حزبی آشنا
 میکنم و با غیر مستقیم معرفی میکنم که از
 کتابخانه استفاد میکنند .

خود همس در حدود ۱۵ جلد کتب تئوریک و
 رمان و داستان به آنها دادم ، برای تشکیل
 کتابخانه احتیاج به داستان (کودکان و نوجوانان



انتقاد



شناسنامه احزاب و گروهها

۱- حزب تنوده

جوانان (رمانهای خوب ، کتب فلسفی ، سیاسی ، تاریخی ، اقتصادی داریم .

گزارشگر :

کتابخانه ۱۳۵۸/۱۱/۵

مسئول :

یک کلاس دخترانه و یک کلاس پسرانه داریم که کلاس جدیدی از اعضای کمیته انقلاب در شرف تشکیل است و کلاس دخترانه دیگری که زاله درس میدهد ولی چون شاگرد کمی دارد ، قرار است زاله بجای آن کلاس جدیدی را اداره کند در ضمن آقای عربی از تربیت معلم به جهت ممنوعیت در خانه شد ، حوزه ممنوعیت هر هفته بخنسه در خانه رضا تشکیل میشود و به یک نفر معلم مرد احتیاج است که هر روز عصر سرود با کمیته

و تدریس کند .

گزارش جلسات برنامه ریزی تشکیلات شاخه

جنوب تهران : گزارشگر کتابخانه ۱۱/۵

جلسه اول :

- ابتداء در مورد شناسائی منطقه صحبت شد و سپس مداری برنامه ریزی کردیم :
- ۱- ورزش و تربیت بدنی (شامل تعداد ورزشگاهها ، ورزش در مدارس و اقدامات در شرف انجام برای ایجاد ورزشگاهها)
 - ۲- جهاد سازندگی (شامل ، نوع فعالیتها محدود فعالیت و اقدامات انجام شده)
 - ۳- آموزش تربیتی مدارس و مساجد شامل : (تدریس قرآن و جلسات سخنرانی و اطلاعات در مورد شخص سخنران و موضوع سخنرانی و سائلان تالار و مجمع های فوق برنامه)
 - ۴- کارخانه ها که اطلاعاتی در مورد محصل

کارخانه و نوع تولید و تعداد کارگران زن و مرد و وضع داخلی آن هم از میزان دست مزد و طریقه اداره آن وسیله تورها و یا مدیریت و همچنین سندیکا و انواع شیفت و فعالیتهای فون برنامه مورد نیاز تا نتول خوب برنامه -

ربری نمود

جلسه دوم :

در مورد تکنیک و ابتکار در صحبت شد درباره انواع گزارشهای خبری ، سندیکی و باورائی ، اطلاعاتی در کلاس بحث شد

جلسه سوم :

در مورد ایجا نما نگاه

مسأله هادرمو ، اتحاد نمایگاه صحبت شد ، در مورد مشکلات ، پیشنهادات و مسائل خاص خودشان که در گزارش میناید بحث شد ، مهدی قرار است مرتب در جلسات مسئولان شرکت کند تا بعدا در مناطق اگر احتیاج به تورها باشد او هماهنگ کننده باشد .

در جلسه سوم ، علاوه بر بررسی سندیکی به مشکلات ، در مورد نحوه جمع آوری اطلاعات و شناخت دقیق شاگردان بحث و بررسی شد و قرار شد که همه معلمان برای هر کلاس بیکار با بسواد دفترچه ای داشته باشند که هر صفحه مختص یک شاگرد باشد و میبایستی این اطلاعات را از او بدست آورند .

- ۱- مشخصات ، ۲- شناخت از لحاظ اخلاقی
- ۳- تغل ، ۴- وضع طبقاتی (کارگر کنتراور ، خورده بورژوازی شهری)
- ۵- مسکن ، ۶- درآمد ۷- خانواده (تعداد فرات درصد سواد در خانواده و ترکیب خانواده و افراد آن از لحاظ وضعیت سیاسی)
- ۸- وضعیت سیاسی نوع آموزش درجهب آهسا (تحت تاثیر لیبرالیسم ، دموکرات های انگلیسی ، نیروهای چپ ، ویا آدمی - است بی تفاوت)
- ۹- امکانات تفریحی ، سرگرمی ، هنری که آهسا در زندگی برخوردارند چیست ؟